



مؤسسه مطالعات و نشر نگاه معاصر

بازتاب

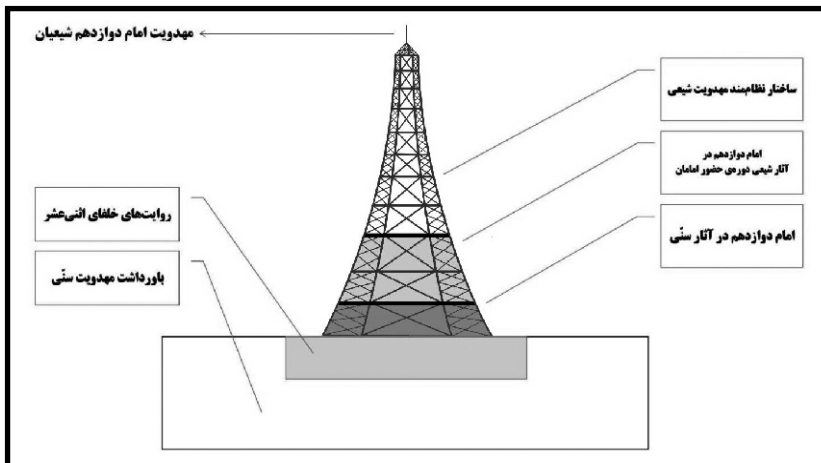
بخش نخست:

پاسخ به نقدهای مصطفی حسینی طباطبایی
بر «کتاب مهدویت در اندیشه اصلاح دین»
و کتاب های «تاریخ مکتوم» و «اندیشه اصلاح دین در ایران»
(تحریف های صد و نوزده گانه)

سید مقداد نبوی رضوی



تصاویر و اسناد



تصویر شماره‌ی ۱

نگاه تاریخی به باورداشت مهدویت شیعی

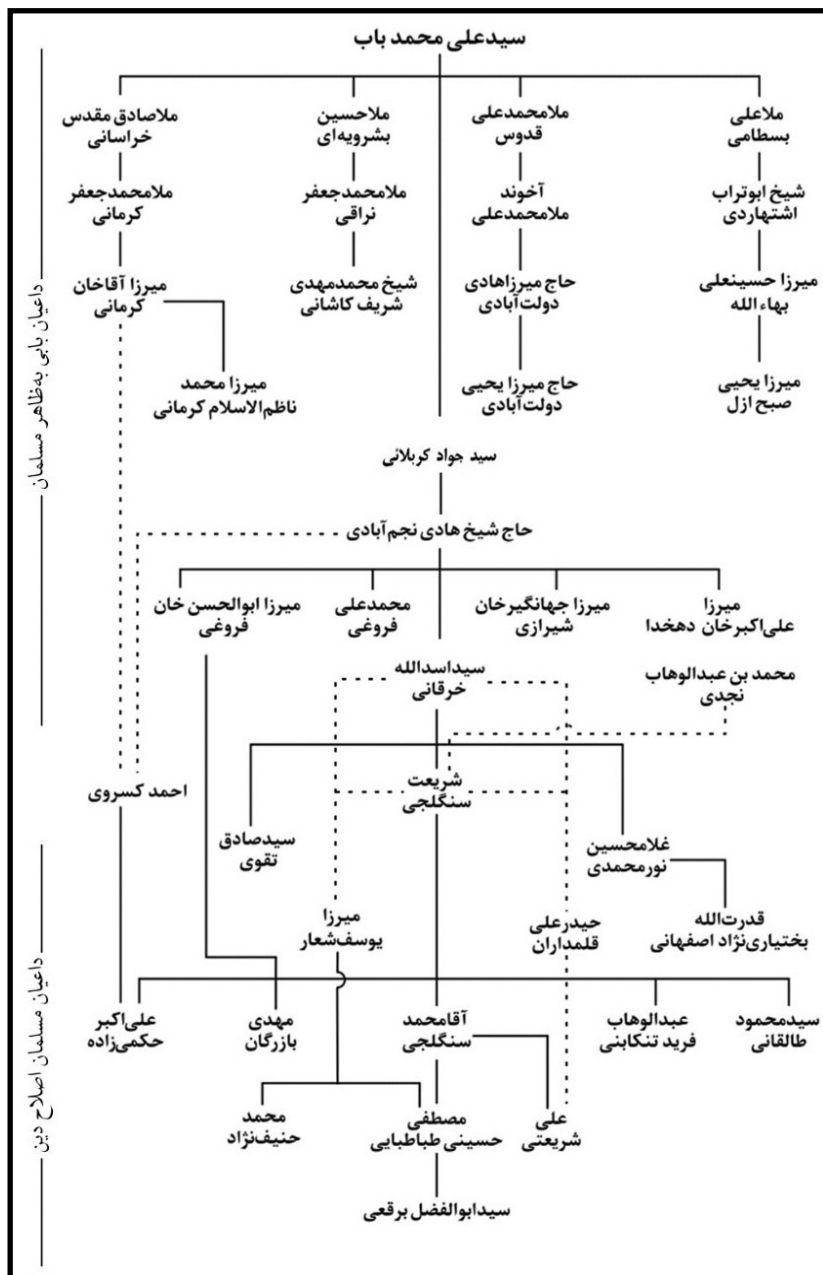
این نگاه مدعی است که با روش تاریخی محض و بدون دخالت باورداشت شیعی، نشان می‌دهد امامان یازده‌گانه‌ی شیعیان - که وجودشان تاریخ‌مندانه به اثبات رسیده - مهدی مورد بشارت پیامبر اسلام را امام دوازدهم، محمد بن الحسن العسکری، می‌دانستند، کسی که در سال ۲۵۵ ق. در سامراء به دنیا آمد و اکنون با حیاتی دیرپای و نهانی امام اسلام است و در آینده دادگستر جهان و فراگیرکننده‌ی دین اسلام خواهد بود.



تصویر شماره ۲

تبار اندیشه‌ی اصلاح دینی مصطفی حسینی طباطبایی

در میان این داعیان، مصطفی حسینی طباطبایی، میرزا یوسف شعار و شیخ محمد سنگلجی مسلمان‌اند. شریعت سنگلجی را از ازلیان از خود گفته‌اند، پس در صورت درستی باور بابی او، باور بابی نهانی برادرش، شیخ محمد سنگلجی، گمان‌پذیر می‌شود. در نگاه این پژوهش، سید اسدالله خرقانی از شاگردان بابی شیخ هادی نجم‌آبادی (از شهداء بیان و صاحبان الهام الاهی) بود و آن استاد نیز از ارشاد بابی سید جواد کربلایی (به باور ازلیان: از حروف حی باب) بهره برده بود، اما همگی ایشان نهان‌زیست بودند و ظاهری اسلامی داشتند.



داعیان بابی به ظاهر مسلمان

داعیان مسلمان اصلاح دین

تصویر شماری ۳

شجره نامه ی فکری داعیان اندیشه ی اصلاح دین در ایران

شرح تصویر شماره‌ی ۳

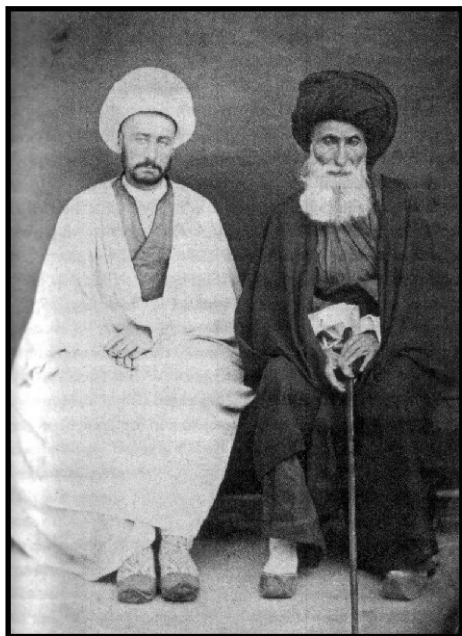
در این نمودار، آنچه در کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران درباره‌ی رسیدن تبار فکری آن اندیشه به آراء سید علی محمد باب و محمد بن عبدالوهاب آمده، به تصویر کشیده شده است. کسانی که بالای نام شریعت سنگلجی یاد شده‌اند (جز بهاء الله)، داعیان بایبی نهان‌زیست به‌ظاهر مسلمان بوده و کسانی که پایین نام او آمده‌اند، داعیان مسلمان اصلاح دین بودند که در ساحت درون‌شیعی یا برون‌شیعی (مشهور به «وهابیت ایرانی») به گسترش آن فکر پرداختند. اتصال هر داعی به استاد خود با خط ممتد به معنای بهره‌گیری حضوری از او و اتصال‌ها با نقطه‌چین به معنای اثرپذیری از آثار وی است. این نمودار گویای اثرپذیری در ورود به ساحت اندیشه‌ی اصلاح دین یا اثرپذیری جدی در آن بوده و روشن است که هیچ‌کس با استاد خود شباهت کامل ندارد. در این نمودار، تنها نام داعیان مهم اندیشه‌ی اصلاح دین آورده شده است. با شناخت هریک از ایشان، نام کسان زیادی از شاگردان‌شان را به این نمودار می‌توان افزود.



تصویر شماره‌ی ۴

سید علی محمد باب

در نگاه این پژوهش، بنیاد اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران بر آموزه‌های باب (مدعی مقام مهدویت و قائمیت) - که از سوی ازلیان نهان‌زیست به‌ظاهر مسلمان دوره‌ی قاجار گسترش می‌یافت - استوار شده و بیشتر داعیان مسلمان اصلاح دین، بی آن که بدانند، به او نسب فکری می‌برند. از این روست که این اندیشه، به خودی خود، ظرفیت انکار باورداشت مهدویت شیعی را داراست، چرا که آن داعیان بابی نهان‌زیست، در لباس اسلام، گاه به خرافه‌دانستن باورداشت مهدویت شیعی می‌پرداختند و پیروان مسلمان خود را به ضرورت کنار گذاشتن آن باور خرافی فرامی‌خواندند و این، همان کاری بود که داعیان بهائی آشکارا نامسلمان همواره انجامش می‌دادند.

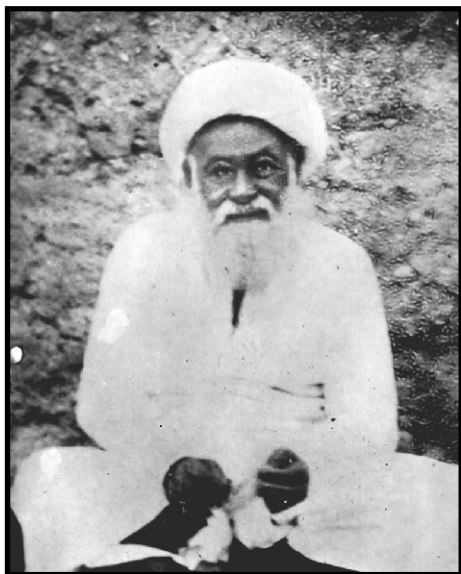


تصویر شماری ۵

سید جواد کربلایی در کنار میرزا محمدتقی ابهری (از بزرگان بهائیان)^۱

صاحب این تصویر را - که از شاگردان سید کاظم رشتی بود - ازلیان از «حروف حی» (هجدهتن نخستین پیروان باب) یاد کرده‌اند. او از دوستان خانوادگی باب بود و در همان سال نخست دعوتش به وی مؤمن شد و بعدها، از سوی میرزا یحیی صبح ازل «شهید بیان» (رهبر بایبان در نبود صبح ازل و هم‌رتبگان الاهی او) دانسته شد، اما به روایت ازلیان، با آغاز دعوت میرزا حسینعلی بهاءالله، از ترس مسلمانان و نیز از ترس کشته‌شدن به‌دست بهائیان، خود را نزد مسلمانان شیخی و نزد بهائیان بهائی می‌نمود اما نهان‌زیستانه به باب و صبح ازل ایمان داشت. روایتی از ازلیان چنان می‌نماید که او «مرشد فکری» شیخ هادی نجم‌آبادی (معلم فکر اصلاح دین در عصر قاجار) بود.

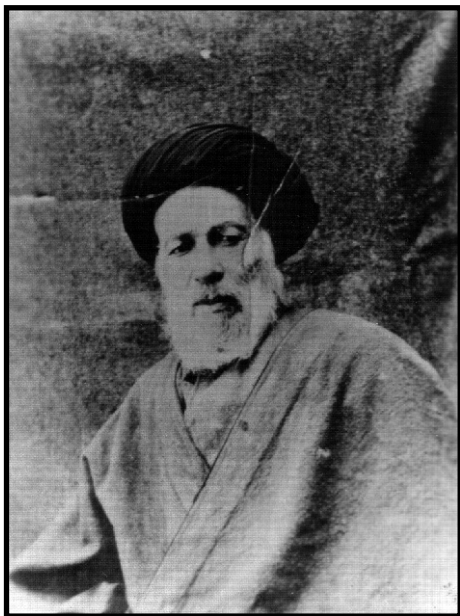
۱. این تصویر در شعبه‌ی سنت‌پترزبورگ آکادمی علوم روسیه نگهداری می‌شود و در صفحه‌ی ۱۰۹ از جلد نخست کتاب *Baha'is of Iran, Transcaspia and the Caucasus* به چاپ رسیده است.



تصویر شماری ۶

شیخ هادی نجم‌آبادی: معلم فکر اصلاح دین در عصر قاجار
(وب‌گاه «نگارخانه‌ی علمای شیعه»)

مصطفی حسینی طباطبایی با انجام تحریف‌های عامدانه‌ی گوناگون در متون تاریخی کوشش دارد تا این مهم‌ترین سلف فکری خود را معتقد به دین اسلام نشان دهد؛ با این حال، باید گفت که او در جامعه‌ی ازلیان نهان‌زیست در شمار حروف حی ثانی، شهداء بیان و معدود صاحبان نزول آیات الاهی پس از باب و صبح ازل شناخته می‌شد و در رویه‌ی ظاهری اسلامی نیز گستره‌ی اثرگذاری بالایی در دعوت به اندیشه‌ی اصلاح دین (روش نهانی تبلیغ آیین بیان) داشت؛ از این روی، در نگاه این پژوهش، «معلم فکر اصلاح دین در عصر قاجار» بود. او در ظاهر یک مسلمان گاه به انکار باورداشت مهدویت شیعی می‌پرداخت.



تصویر شماره ۷

سید اسدالله خرقانی

(مجموعه‌ی اسناد رضا صمدی‌ها قزوینی)

مصطفی حسینی طباطبایی با انجام تحریف‌های عامدانه‌ی گوناگون در متون تاریخی کوشش دارد تا این سلف فکری خود را معتقد به دین اسلام نشان دهد؛ با این حال، او از شاگردان نزدیک و بابی شیخ هادی نجم‌آبادی بود اما در سال‌های پایانی حیات، در جلسات تفسیر قرآن خویش، به انکار باورداشت مهدویت شیعی می‌پرداخت.



تصویر شماره‌ی ۸

شیخ رضاقلی شریعت سنگلجی: معلم فکر اصلاح دین در عصر پهلوی

(مجموعه‌ی اسناد عبدالله سنگلجی)

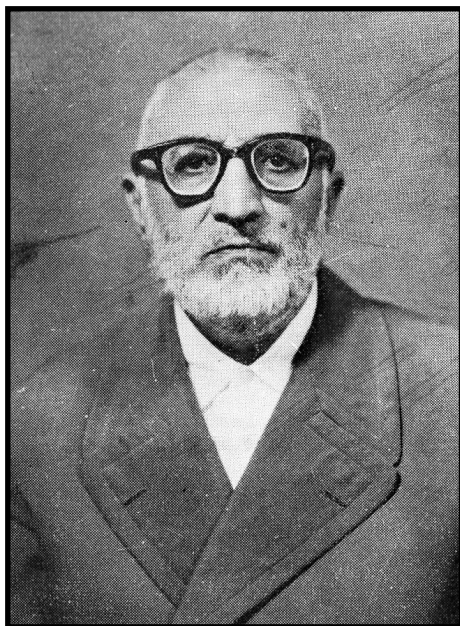
مصطفی حسینی طباطبایی با انجام تحریف‌های عامدانه‌ی گوناگون در متون تاریخی کوشش دارد تا این سلف فکری خود را - که با خواندن آثارش به ساحت اندیشه‌ی اصلاح دین وارد شد - معتقد به دین اسلام نشان دهد؛ با این حال، ازلیان او را - که در سال‌های کودکی از بهره‌مندان محضر شیخ هادی نجم‌آبادی و سپس از شاگردان سید اسدالله خرقانی بود - از خود دانسته‌اند. در صورت پذیرش روایت ایشان که از سوی این پژوهش پذیرفتنی است، او یک بابی نهان‌زیست بود و در لباس اسلام به انکار باورداشت مهدویت شیعی می‌پرداخت و در صورت نادرستی روایت ایشان، او یک مسلمان بود که از اندیشه‌ی اصلاح دینی به‌ظاهر اسلامی ازلیان در آن انکار اثر گرفته بود.



تصویر شماره‌ی ۹

شیخ محمد سنگلجی

صاحب این تصویر برادر شریعت سنگلجی و اثرگرفته از او بود و تا مدتی ریاست روحانی پیروانش را در دست داشت. او چنان می‌گفت که «منکر امام زمان» نیست اما «امام زمان واقعی همین قرآن است.» در صورت پذیرش باور بابی نهانی شریعت سنگلجی، این باور برای او نیز گمان‌پذیر می‌شود. مصطفی حسینی طباطبایی پس از آشنایی با برخی آثار شریعت سنگلجی و ورود به ساحت دورن‌شیعی اندیشه‌ی اصلاح دین، شاگردی او را در تفسیر قرآن پیش گرفت و سال‌ها بعد، با اجازه‌ی او، به فکر احیاء دارالتبلیغ شریعت سنگلجی افتاد اما به سبب مخالفت مردم آن حدود ناکام ماند.



تصویر شماره ۱۰

میرزا یوسف شعار تبریزی

این داعی برون شیعی اصلاح دین با بهره گیری از آثار سید اسدالله خرقانی به ساحت آن اندیشه وارد شد و از شریعت سنگلجی نیز اثر گرفت. او از سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۴۰ ش. در تبریز و سپس تا سال ۱۳۵۱ ش. در تهران به گسترش دیدگاه های خود پرداخت، کاری که تا کنون (۱۴۰۳ ش.) در تبریز با کوشش دو برادرزاده اش - که یکی شان چندی است درگذشته - پی گرفته شده است. او باورداشت مهدویت شیعی را منکر بود و مانند شیخ محمد سنگلجی قرآن را امام زمان می گفت. با نگاه به روایت یکی از شاگردانش (تصویر شماره ۱۵)، می توان گفت که او سبب اصلی یا یکی از اسباب مهم کنار گذاشته شدن باورداشت مهدویت شیعی از سوی مصطفی حسینی طباطبایی بود، گو آن که کتابش، تفسیر آیات مشکله، نخستین گام را در خروج طباطبایی از مذهب تشیع برداشت، گامی که با آشنایی طباطبایی با او و شاگردی اش نزد او مکرر شد. شیخ جعفر سبحانی تبریزی - که اکنون در میان مراجع تقلید شیعیان جای دارد - کتاب تفسیر صحیح آیات مشکله را در نقد آن کتاب نگاشت.



تصویرهای شماره ۱۱ و ۱۲

مصطفی حسینی طباطبایی در کنار میرزا یوسف شعار

در جلسات تفسیر قرآن او (میان سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ ش.^۱)

(مجموعه‌ی اسناد احمد نواندیش)

احمد نواندیش در سمت راست تصویر پایین و مهدی قاسیمان پشت شعار (کنار طباطبایی) ایستاده‌اند.

۱. این از آن روست که احمد نواندیش، چنان که پسرش در زندگی‌نامه‌ی او نگاشت و به نگارنده داد، به سال ۱۳۴۷ ش. از تبریز به تهران آمد و دیگر بار در جلسات استادش، میرزا یوسف شعار (د. ۱۳۵۱ ش.)، حضور یافت. نگارنده این تصویرها را نزد مصطفی حسینی طباطبایی نیز دید. وی در معرفی حاضران، برخی از کسانی را - که سمت چپ تصویر بالا نشسته‌اند - شاگردان سید اسدالله خرقانی که پس از درگذشت او به شریعت سنگلجی پیوسته و بعد از وی، میرزا یوسف شعار و سپس، در اواخر عمر، خود او را به‌عنوان مفسر قرآن برگزیده بودند، می‌گفت. به روایت طباطبایی، یکی از ایشان که در تصویر بالا پشت میز و بر روی زمین نشسته و سرش پایین است، آقای «حمزه» نام داشت.



تصویرهای شماره‌ی ۱۳ و ۱۴

مصطفی حسینی طباطبایی در کنار میرزا یوسف شعار

در جلسه‌ی تفسیر قرآن او و یک مجلس میهمانی

(میان سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ ش.)

(مجموعه‌ی اسناد احمد نواندیش^۱)

احمد نواندیش در سمت چپ تصویر بالا ایستاده و مهدی قاسمیان نیز جلو همه نشسته است.

۱. نگارنده، چنان که در کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران (ج ۲، صص ۶۱۳ و ۶۱۴) نیز آورده، در سال‌های پایانی حیات احمد نواندیش (د. بهار ۱۳۸۴ ش.)، دیدارهایی با او داشت که آخرین دیدار سه هفته پیش از وفاتش بود. نواندیش در آن دیدارها، به سبب اختلاف‌هایی که با مصطفی حسینی طباطبایی پیدا کرده بود، با شدت به او می‌تاخت و حتی به سبب استفاده‌اش از روایت‌ها و نه فقط قرآن، «مشرک»^۱ می‌خواند! نواندیش - که در آن دیدارها آگاهی‌ها و اسناد مهمی به نگارنده داد - می‌گفت که به فرزندان خود سفارش کرده که پس از وفات، جسدش را «در هر آشغال‌دانی بیندازند اما در قبرستان شیعه‌ها دفن نکنند» و این در حالی است که او، پیش از آشنایی با میرزا یوسف شعار در تبریز، هر پرچم روضه‌ای را که در خیابان‌ها می‌دید، خود را به لمس آن برای متبرک شدن ملزم می‌دانست.



تصویر شماره‌ی ۱۵

جعفر رضایی کهنمویی در بهار ۱۳۸۴ ش.

او از شاگردان میرزا یوسف شعار در تبریز بود که در سال ۱۳۴۰ ش. همراه با استادش به تهران آمد و پس از درگذشت وی (۱۳۵۱ ش.) به مشهد رفت و تا زمان وفات (۱۳۹۲ ش.) به گسترش اندیشه‌ی برون‌شیعی اصلاح دین در آنجا پرداخت. روایت او برای نگارنده آن بود که مصطفی حسینی طباطبایی همه‌ی استدلال‌ها در نقد باورداشت مهدویت شیعی را از شعار آموخته است.



تصویر شماره‌ی ۱۶

مصطفی حسینی طباطبایی و سید ابوالفضل برقی

این داعی درون‌شیعی اصلاح دین با کوشش طباطبایی - که ۲۷ سال از او کوچک‌تر بود و جایگاه فرزندش را داشت - مذهب تشیع را کنار گذاشت و تا آنجا به یک داعی برون‌شیعی اصلاح دین مبدل شد که به‌نوشته‌ی برخی محققان، «به صورت یک وهابی تمام‌عیار درآمد» و «با سرسختی بیانات خود را دنبال کرد» و «وهابی عصر حاضر» شد. برخی آثار او اکنون در عربستان سعودی چاپ شده و در میان حجاج شیعی مذهب فارسی‌زبان پخش می‌شوند. کتاب زندگانی خودنوشت او، سوانح ایام، - که نامش را طباطبایی برگزیده - یکی از آن دست آثار است که در آن، درباره‌ی مخالفان برجسته‌ی خود به تحریف تاریخ پرداخته است. او حتی در برخی موارد به جعل خط و جعل امضا نیز روی آورد!^۱ بر این پایه است که باید گفت: همه‌ی آنچه کسانی چون برقی و طباطبایی در نقد مذهب تشیع گفته یا نوشته‌اند، باید با مدارک‌شان سنجیده شوند، چرا که ممکن است به گونه‌ای دیگر بازگفته شده باشند.^۲ آنچه در این پژوهش درباره‌ی تحریف‌های عامدانه‌ی گوناگون و پرشمار طباطبایی در متون دینی و تاریخی آمد، شاهدی دیگر بر آن ضرورت است.

۱. نک.: سید مقداد نبوی رضوی، اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران، ج ۲، صص ۶۵۶ تا ۶۶۲ و بخش «تصاویر و اسناد»، سندهای شماره‌ی ۸۷ تا ۹۱.

۲. نک.: پیشین، ج ۲، فصل پنجم، بخش «برخی نکات روش‌شناسانه درباره‌ی داعیان برون‌شیعی اصلاح دین»: صص ۶۵۴ تا ۶۶۲. صفحات یادشده در پانویست پیشین قسمتی از همین بخش است.



تصویر شماره ۱۷

سید ابوالفضل برقی در سال‌های پایانی حیات در کنار مصطفی حسینی طباطبایی



تصویر شماره ۱۸

سید ابوالفضل برقی در سال‌های پایانی حیات

در کنار مصطفی حسینی طباطبایی و در میان جمعی از ارادتمندان

آن که در سمت چپ تصویر نشسته، حسین عطایی النک‌های است. او با شنیدن انکار باورداشت مهدویت شیعی از سوی طباطبایی، بر آن شد تا نزدش رفته و در صورت شنیدن آن انکار، او را با چاقویی که زیر لباسش پنهان کرده بود بکشد؛ با این حال، وقتی از او شنید که به امام دوازدهم شیعیان باور دارد، به جمع پیروانش پیوست و کم‌کم دانست که باورداشت مهدویت شیعی خرافه‌ای بیش نیست. طباطبایی ابتدا، از روی عمد، خود را باورمند به امام دوازدهم شیعیان گفته بود تا او را به خود مجذوب کند و سپس، باورداشت انکاری خود را به تدریج به او فهمانده و او را با خود همراه کرده بود.^۱ عطایی یکی از مهمان پیروان طباطبایی بود و خانه‌ی وسيعش یکی از جاهای هميشگي برگزارى نماز جمعه‌ی او شناخته می‌شد. مهدی قاسمیان نشسته‌ی سوم از سمت راست است.

۱. گفت‌وگوی نگارنده با آقای مصطفی حسینی طباطبایی، حدود سال ۱۳۸۳ ش.



تصویر شماره‌ی ۱۹

سید ابوالفضل برقی در سال‌های پایانی حیات

در کنار مصطفی حسینی طباطبایی و در میان جمعی از ارادتمندان

طباطبایی، در پاسخ به کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین، با انجام تحریف‌های عامدانه‌ی گوناگون، خواست تا گرایش یا بازگشت برقی به مذهب تشیع در پایان حیات را بی‌اساس بنمایاند؛ با این حال، دانسته است که بر پایه‌ی برخی روایت‌ها، برقی با بازگشت به مذهب تشیع درگذشت. یکی از روایان این بازگشت جلال مفید است که در سمت چپ این تصویر نشسته است. وصیت‌نامه‌ی برقی (سند شماره‌ی ۳۴) نیز گویای باور دوباره‌ی او به وصایت امام علی بن ابی‌طالب نسبت به پیامبر اسلام است.



تصویر شماره‌ی ۲۰

ردیف جلو، از سمت راست، ۳: محسن رضوانی خالیدی (از شاگردان مصطفی حسینی طباطبایی و از داعیان اندیشه‌ی برون‌شیعی اصلاح دین)، ۴: احمد نواندیش، ۶: مصطفی حسینی طباطبایی و ۹: سید ابوالحسن طباطبایی (پدر مصطفی حسینی طباطبایی) (مجموعه‌ی اسناد احمد نواندیش)

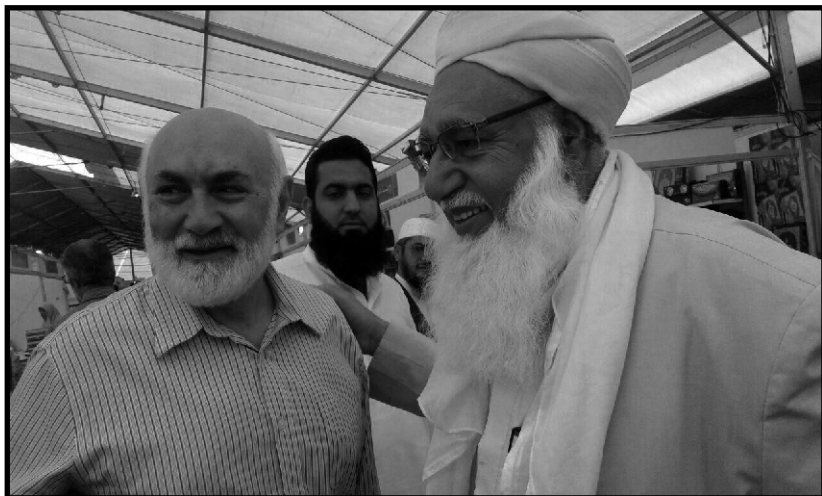
پدر طباطبایی باور شیعی اثنی‌عشری داشت. نگارنده به یاد می‌آورد که او، زمانی (بهار یا تابستان ۱۳۸۱ ش.)، در حضور طباطبایی، پس از خواندن برخی یادداشت‌های پدرش (پدر بزرگ طباطبایی) درباره‌ی «علایم ظهور حضرت مهدی» برای نگارنده، گفت: «بعد از آن، امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور خواهند فرمود.» هنگامی که نگارنده با طباطبایی از خانه‌ی پدرش بیرون آمد، طباطبایی به نگارنده گفت: «پدرم مهدی مسلمین را می‌گفت نه امام زمان شیعه را!!» باید از او پرسید پس چرا پدرش عبارت دعایی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» را به کار برد؟!



تصویرهای شماره‌ی ۲۱ و ۲۲

مصطفی حسینی طباطبایی در حال خواندن خطبه‌ی نماز جمعه

نماز جمعه‌ی طباطبایی از حدود سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۸۴ ش. - که به صورت عمومی و آزاد برگزار می‌شد - در واقع، مجمعی برای نقد برون‌شیعی مذهب تشیع بود، چرا که او در خطبه‌های خود، پیوسته به نقد باورهای «مشرکانه»ی شیعیان می‌پرداخت. نماز جمعه‌ی او، پس از دستگیری سال ۱۳۸۴ ش. تا کنون (۱۴۰۳ ش.)، جز در برخی بازه‌های زمانی تعطیلی، به صورت خصوصی برگزار شده است.



تصویر شماره‌ی ۲۳

مولوی محمدحسین گرگیج (امام جمعه‌ی پیشین آزادشهر استان گلستان)

و مصطفی حسینی طباطبایی



تصویر شماره‌ی ۲۴

مصطفی حسینی طباطبایی

و جلال جلالی‌زاده (نماینده‌ی پیشین اهل سنت در مجلس شورای اسلامی)



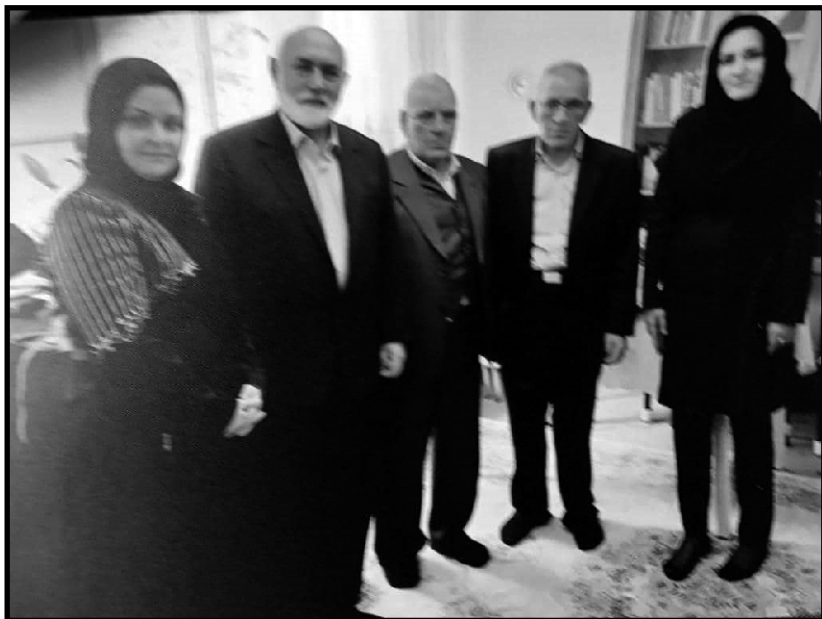
تصویر شماره‌ی ۲۵

ایستادگان سوم تا پنجم از راست: مهدی قاسمیان، مصطفی حسینی طباطبایی

و جلال جلالی‌زاده

در میان تنی چند از کوشندگان اهل سنت

(حدود سال ۱۳۹۵ ش.)



تصویر شماره‌ی ۲۶

محمدحسین شعار (برادرزاده‌ی میرزا یوسف شعار و استاد کنونی پیروان او در تبریز)

و مصطفی حسینی طباطبایی

در میان تنی چند از پیروان تبریزی شعار



تصویر شماره‌ی ۲۷

ایستادگان ردیف جلو از چپ: ۴. حسین برقعی (فرزند سید ابوالفضل برقعی)، ۵. مصطفی حسینی طباطبایی، ۶. حمید آسوده (سید عبدالحمید آسوده‌ی خلجانی: نوه‌ی دختری سید ابوالفضل برقعی و داماد حسین برقعی)، ۷. محسن رضوانی خالدی و ۸. جلال جلالی‌زاده (نماینده‌ی پیشین اهل سنت در مجلس شورای اسلامی).

محسن رضوانی خالدی (از داعیان برون‌شیعی اصلاح دین و از شاگردان طباطبایی، همچنین: تصویرهای شماره‌ی ۲۰، ۲۸ و ۲۹)، چنان که نگارنده به یاد دارد، در هیئت‌های مذهبی خیابان پنجم نیروی هوایی و پیرامون آن، به سخنرانی مانند شیعیان می‌پرداخت و در محل کارش در بخش حقوقی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جلسات قرائت و تفسیر قرآن داشت و حتی دعای «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن...» را برای نمازگزاران می‌خواند. او با آن رویکرد نهان زیستانه، کسانی را که می‌پسندید از هیئت‌های مذهبی برمی‌گزید و به نماز جمعه‌ی خصوصی خود می‌برد و تا جای ممکن از مذهب تشیع دورشان می‌کرد.



تصویر شماره‌ی ۲۸

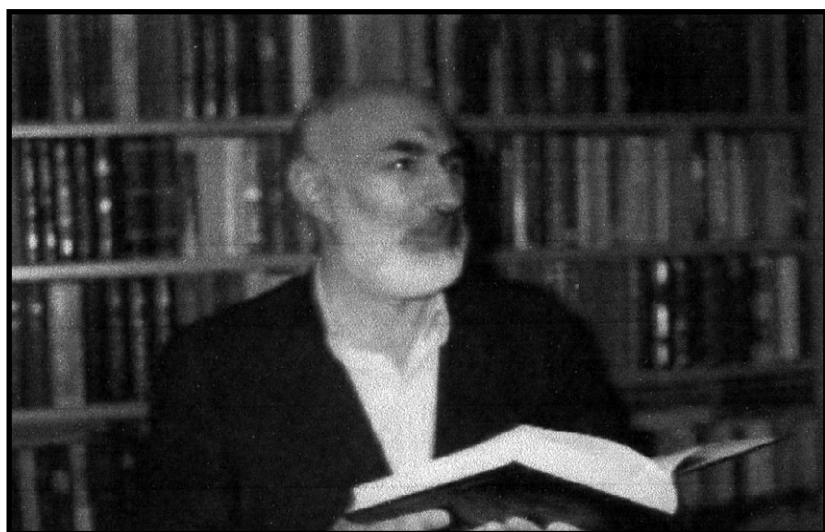
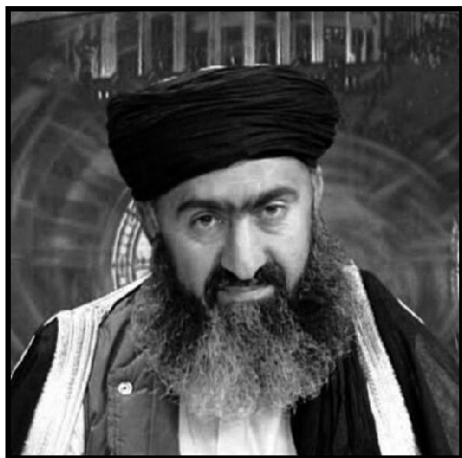
جلسه‌ی بحث با محسن رضوانی خالدي، تابستان ۱۳۸۸ ش.

در این مجلس که در خانه‌ی یکی از مجذوبان این داعی برون‌شیعی اصلاح دینی نهان‌زیست برگزار شد، او برخی باورهای اصلاح دینی خود را بروز داد و برخی اهالی خیابان پنجم نیروی هوایی - که او را یک شیعی‌مذهب می‌پنداشتند - از گردش پراکنده شدند.



تصویر شماره‌ی ۲۹

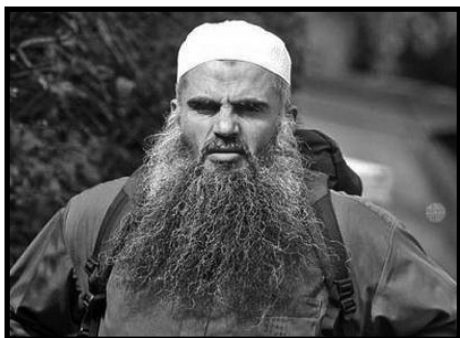
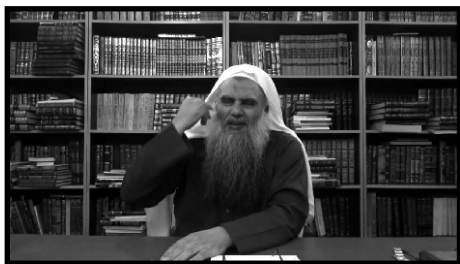
عکس دیگری از جلسه‌ی بحث با محسن رضوانی خالدي، تابستان ۱۳۸۸ ش.



تصویرهای شماره‌ی ۳۰ و ۳۱

عبدالرحیم ملازاده‌ی بلوچی و تصویر مصطفی حسینی طباطبایی در تارنمای او:
«رابطه‌ی أهل السنة فی ایران» در حدود سال ۱۳۸۰ ش.

ملازاده در زمان اقامت در تهران با سید ابوالفضل برقعی و مصطفی حسینی طباطبایی مرتبط بود و کتاب بت شکن (نقد برقعی بر کتاب کافی) را به عربی بازگرداند و با نام کسر الصنم در اردن هاشمی به چاپ رساند. او اکنون در شبکه‌ی وصال فارسی با رویکرد وهابی به نقد مذهب تشیع می‌پردازد. کتاب تعقبات رجالية علی کتاب نقض أصول الکافی (کسر الصنم) ردیه‌ای است که از سوی عادل کاظم عبدالله بر این مکتوب نگاشته شده است.



تصویرهای شماره‌ی ۳۲ و ۳۳

عمر بن محمود ابو عمر

وی از داعیان وهابی مذهبی است که گفته شده در برخی از جنگ‌های سال‌های اخیر خاورمیانه نیز شرکت داشته است. او در مقدمه‌اش بر کتاب کسر الصنم (ترجمه‌ی عربی نقد سید ابوالفضل برقعی بر کتاب کافی)، کسانی چون برقعی، مصطفی حسینی طباطبایی و احمد کسروی را «پدیده» ای - که همان آگاهی برخی بزرگان شیعه به «فساد مذهب» شان است - خوانده و کمک به رشد و گسترش ایشان را شایسته دانسته است.^۱ چنان که گفته شد، کتاب تعقیبات رجالية علی کتاب نقض أصول الکافی (کسر الصنم) ردیه‌ای است که از سوی عادل کاظم عبدالله بر این مکتوب نگاشته شده است.

۱. السيد ابوالفضل ابن الرضا البرقعی، کسر الصنم، المقدمة بقلم عمر بن محمود أبي عمر، ص ۱۵: «... و الشيخ البرقعی فی الحقيقة هو جزء من ظاهرة ينبغي علينا أن نعيها وأن نسعى إلى تميمتها ونشرها. هذه الظاهرة هي هداية بعض مشايخ وأئمة التشيع إلى فساد مذهبهم واقتراحهم إلى اكتشاف الحق والصواب فهناك مجموعة من كبار القوم كالبرقعی اكتشفوا فساد المذهب وبدأوا يعيدون دراسة مذهب أجدادهم و قومهم فبدلاً من التقارب المكذوب الفاسد كان على أهل السنة الاعتناء بهؤلاء و دفعهم إلى المزيد من المعرفة والبحث والتحقيق ولكن عجباً من هؤلاء القوم أقصد دعاة التقريب على دخن حين يبسطون أيديهم للكذب والمزدين وأئمة التقية من الروافض و يصعرون خدودهم لمثل هؤلاء المهتدين. و قد ذكر البرقعی فی كتابه تأثره بمصطفی طباطبائی و هو رجل تخرج من حوزات الشيعة فی قم و بلغ رتبة الاجتهاد عندهم ثم ما لبث أن ترك التشيع و رماه رمى النواة العفنة»



تصویر شماره‌ی ۳۴

عبدالله الحیدری

تصویر بالا گفتار این داعی وهابی مذهب عربستانی درباره‌ی کتابی از سید ابوالفضل برقعی را نشان می‌دهد. آن کتاب روی میز جای گرفته و تصویر برقعی را بر جلد خود دارد. حیدری از دوستان مصطفی حسینی طباطبایی است.



تصویر شماره‌ی ۳۵

اسحاق بن عبدالله العوضی (الدیبری)

او از داعیان وهابی‌مذهب عربستانی ایرانی‌تبار بود که به دعوت برون‌شیعی اصلاح دین در ایران توجه داشت. آثار فارسی او برای تبلیغ مذهب وهابی در میان زائران ایرانی شیعی‌مذهب پخش می‌شد. از جمله تلاش‌های او چاپ کتاب سوانح ایام (زندگی‌نامه‌ی خودنوشت سید ابوالفضل برقی) در عربستان است. وی در آن کتاب (ص ۵۹، پ ۱)، مصطفی حسینی طباطبایی را در مقام «بزرگ‌ترین چهره‌های تصحیح و اعتدال در ایران» که «به دراسات و تحقیق‌های قرآنی اهمیت فراوان قائل است» یاد کرده است. در میان کتاب‌هایی که او به فارسی برگرداند، کتاب عجیب‌ترین دروغ تاریخ: قرائتی از شخصیت امام مهدی، محمد بن حسن عسکری، از دیدگاه شیعی دوازده‌امامی به نقد باورداشت مهدویت شیعی پرداخته است. اصل عربی آن کتاب به قلم شیخ عثمان الخمیس (عالم دینی سنی‌مذهب کویتی) است که با نقدهایی از سوی شیعیان روبه‌رو شده است که در میان آنها، از دو مقاله‌ی بررسی و نقد ترندهای عثمان بن محمد الخمیس در القای شبهه‌ها در زمینه‌ی مهدویت و بررسی و نقد دیدگاه عثمان خمیس در زمینه‌ی رویکرد رفتاری امام مهدی (نوشته‌ی امید سعیدیان، مجله‌ی انتظار موعود، ش ۶۳ و ۶۸) می‌توان یاد کرد.



تصویر شماره‌ی ۳۶

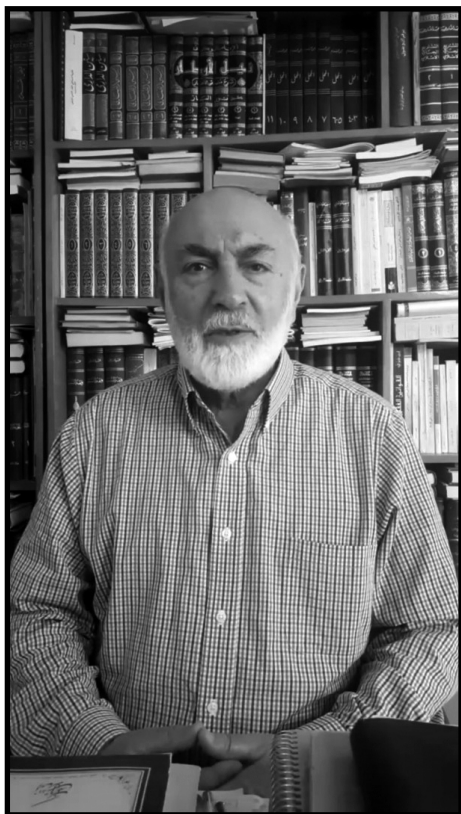
مصطفی حسینی طباطبایی در جلسه‌ی بحث با سید محمد حسینی قزوینی
درباره‌ی باورداشت مهدویت شیعی: ۱۳۹۱ ش.



تصویر شماره‌ی ۳۷

سید محمد حسینی قزوینی در حال گزارش بحث خود با مصطفی حسینی طباطبایی
درباره‌ی باورداشت مهدویت شیعی^۱

۱. برای آگاهی از متن این گفتار، نک.: سید مقداد نبوی رضوی و سید کاظم شیخ‌الاسلامی، مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین، ج ۱، صص ۳۱۶ تا ۳۱۹.



تصویر شماره‌ی ۳۸

مصطفی حسینی طباطبایی در حال گزارش بحث خود با سید محمد حسینی قزوینی درباره‌ی باورداشت مهدویت شیعی، ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ ش.^۱

۱. برای آگاهی از متن این گفتار و نقد آن، نک.: پیشین، ج ۱، فصل سوم: «مصطفی حسینی طباطبایی و انکار مهدویت شیعی (بخش دوم: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ ش.)»

۲۸ سال زندان برای مصطفی حسینی طباطبایی و ۷ نفر از شاگردانش

تولید دکتر حسین هوشیار
روزنامه، روز، چهارم خرداد ماه ۱۳۸۵
مناسبت ۲۹ اردیبهشت زادروز دکتر
محمد عسدی

• ششگونی برای جمهوریت سکولار
دموکرات در ایران؛ ضرورت مقابله با
تشدید مبرکوب زنان و افزایش آعدام
بوسیله حاکمیت اسلامی ایران

6 یادنامه‌ی نخست مقاومت ملی ایران به مناسبت ۷۹ اردیبهشت ۱۳۵۷، لاگرد، زادروز دکتر محمد مصدق

توبیت دکتر حسین موسویان رئیس شورای مرکزی جنبه ملی ایران در باره پیشینه‌های «الشرق الاوسط» نوشت:

[illegible]

• سخنگو دکتر محسن فرشاد سخنگوی
جبهه ملی ایران در مراسم ۵۷ امین
سالگرد درگذشت دکتر محمد مصدق

۵۹ راجه: ۱۳۸۸م (۱۳۸۸م) ۵۹
به آخر رسید



(c) ده‌تخته، ۹ ام آبان، ۱۴۰۱

در بهار سال ۱۳۹۱ ویدیویی جنجالی از آقای طباطبایی در مورد امام زمان پخش می‌شود. پس از این ویدیو و برای جلوگیری از انتشار ویدیوهای دیگر از ایشان، از خرداد تا مرداد ماه ۱۳۹۱ جلسات بازپرسی در دفتر نظارت و پیگیری در خیابان ایرانشهر برای افراد آزاد شده و خود آقای طباطبایی آغاز می‌گردد. این جلسات جهت بازپرسی نهایی، تکمیل پرونده برای دادگاه و مصداق بارز نقیضش عقاب بوده است.

تصویر شماره‌ی ۳۹

اعلام خبر محکومیت مصطفی حسینی طباطبایی از سوی وب‌گاه «ملیون ایران»،
۹ آبان ۱۴۰۱ ش.

آزادی

مصطفیٰ حسینی طباطبائی

مصطفی حسینی طباطبایی، اسلام شناس، پژوهشگر قرآن و از اعضای مکتب «قرانیون» است. او پس از انتشار ویدئویی که در آن به مناظره با محمد حسینی قزوینی و عدم وجود دلایل کافی برای اثبات امام زمان می پرداخت، بازداشت و به زندان محکوم شد.

مصطفى.. حسيني.. طباطبائي



مهرسانی

Baraye...
Arash Behzad

تصویر شماره ۴۰

اعلام خبر محکومیت مصطفی حسینی طباطبائی از سوی وب‌گاه «یادبود آزادی» به سبب «انتشار ویدئویی» درباره‌ی «عدم وجود دلایل کافی برای اثبات امام زمان» در «مناظره با محمد حسینی قزوینی»



تصویر شماره‌ی ۴۱

اعلام خبر محکومیت مصطفی حسینی طباطبایی از سوی وب‌گاه «ایران وایر»،
۱۱ آبان ۱۴۰۱ ش.



تصویر شماره‌ی ۴۲

اعلام خبر محکومیت مصطفی حسینی طباطبایی از سوی وب‌گاه «بالاترین»



تصویر شماره‌ی ۴۳

«ویژه‌نامه» ی «پژواک» در شبکه‌ی وهابی‌مذهب «کلمه»
 با نام «چرا مناظره‌ی علامه مصطفی طباطبایی با آیت‌الله قزوینی پخش نمی‌شود؟»،
 ۳۰ خرداد ۱۴۰۱ ش.

با اجرای ابراهیم احمراری و امیر شکری^۱
 (هر دو از شاگردان مصطفی حسینی طباطبایی)

۱. وی در جلسات مصطفی حسینی طباطبایی با نام «امیر شگریان» شناخته می‌شد و خواهرزاده‌ی جلال مفید (تصویر شماره‌ی ۱۹) است.



مهندس امیر شکری | شیعه هدایت یافته



استودیو کلمه

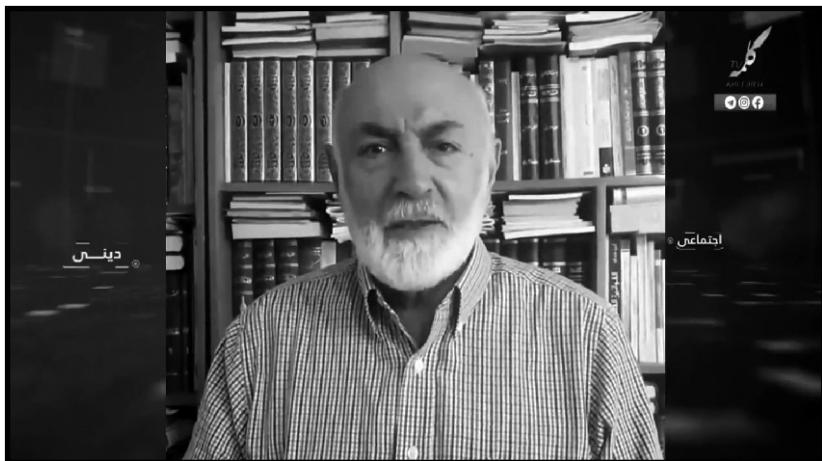
موضوع برنامه چرا مناظره طباطبایی با قزوینی پخش نمی‌شود؟

تصویر شماره‌ی ۴۴

«ویژه‌نامه»ی «پژواک» در شبکه‌ی وهابی‌مذهب «کلمه»
با نام «چرا مناظره‌ی علامه مصطفی طباطبایی با آیت‌الله قزوینی پخش نمی‌شود؟»،
۳۰ خرداد ۱۴۰۱ ش.

با اجرای ابراهیم احراری و امیر شکری^۱
(هر دو از شاگردان مصطفی حسینی طباطبایی)

۱. وی در جلسات مصطفی حسینی طباطبایی با نام «امیر شگریان» شناخته می‌شد و خواهرزاده‌ی جلال مفید (تصویر شماره‌ی ۱۹) است.



تصویر شماره‌ی ۴۵

«ویژه‌برنامه»ی «پژواک» در شبکه‌ی وهابی‌مذهب «کلمه»
با نام «چرا مناظره‌ی علامه مصطفی طباطبایی با آیت‌الله قزوینی پخش نمی‌شود؟»،
۳۰ خرداد ۱۴۰۱ ش.

با اجرای ابراهیم احراری و امیر شکری^۱
(هر دو از شاگردان مصطفی حسینی طباطبایی)

۱. وی در جلسات مصطفی حسینی طباطبایی با نام «امیر شگریان» شناخته می‌شد و خواهرزاده‌ی جلال مفید (تصویر شماره‌ی ۱۹) است.



تصویر شماره ۴۶

بخشی از برنامه‌ی «تریبون آزاد» شبکه‌ی وهابی‌مذهب «کلمه»
با نام «مناظره‌ی استاد طباطبائی با فرماندهان اطلاعات»، ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ ش.
با اجرای عقیل هاشمی



مناظره استاد طباطبائی با فرماندهان اطلاعات | تریبون آزاد | 21/06/2022



کندال برنامه های زنده شب...
87.3K subscribers

Subscribe

462



Share



تصویر شماره ۴۷

بخشی از برنامه‌ی «تریبون آزاد» شبکه‌ی وهابی‌مذهب «کلمه»
با نام «مناظره‌ی استاد طباطبائی با فرماندهان اطلاعات»، ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ ش.
با اجرای عقیل هاشمی



تصویر شماره ۴۸

بخشی از برنامه‌ی «تریبون آزاد» شبکه‌ی وهابی‌مذهب «کلمه»
با نام «مناظره‌ی استاد طباطبائی با فرماندهان اطلاعات»، ۳۱ خرداد ۱۴۰۱ ش.
با اجرای عقیل هاشمی



تصویر شماره‌ی ۴۹

اعلام خبر تبرئه‌ی مصطفی حسینی طباطبایی از سوی وکیل او، محمدحسین آقاسی،
 ۳۰ تیر ۱۴۰۲ ش.



مصطفی حسینی طباطبائی اسلام شناس، به همراه ۷ نفر از همفکرانش «از اتهامات انتسابی تبرئه شدند»

BBC NEWS | فارسی

تصویر شماره‌ی ۵۰

اعلام خبر تبرئه‌ی مصطفی حسینی طباطبائی از سوی شبکه‌ی BBC فارسی،

۳۰ تیر ۱۴۰۲ ش.



Human Rights in Iran
Consciousness & Justice for Iran
Humanrightsinir.org

جستجو ...

پیوندها

اطلاعات زندانهای ایران

مدرسه حقوق بشر

صوتی و تصویری

خانه

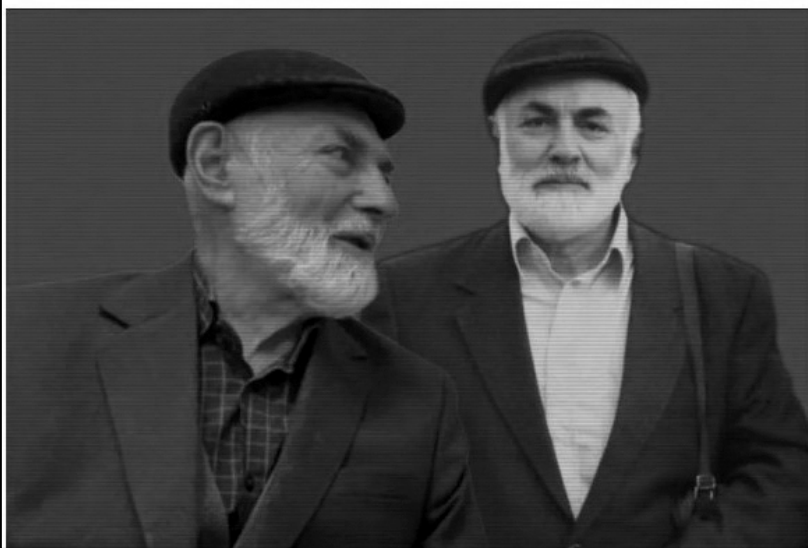
محکمه/ صدور حکم علیه بیرون آید در ایران

تبرئه مصطفی حسینی طباطبایی و ۷ تن دیگر از همراهان وی توسط شعبه دیوان عالی کشور

جمعه ۳۰ تیر ۱۴۰۲ ۰۵:۴۸

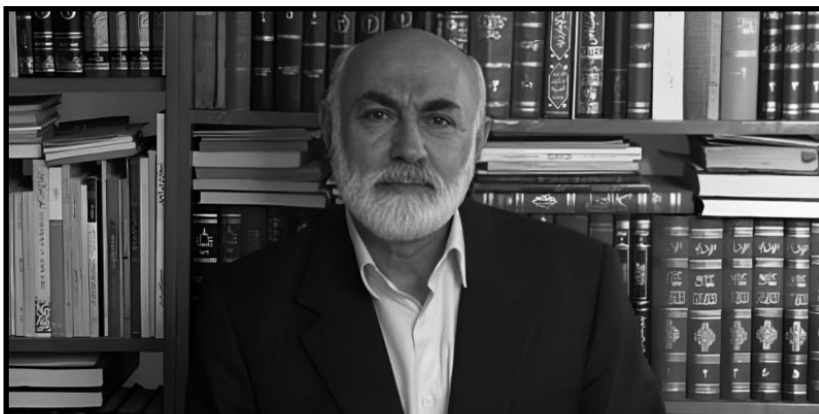
لینک کوتاه: rightsinir.org/?p=135175

کد خبر: ۱۳۵۱۷۵



تصویر شماره ۵۱

اعلام خبر تبرئه مصطفی حسینی طباطبایی از سوی وبگاه «حقوق بشر در ایران»،
۳۰ تیر ۱۴۰۲ ش.



با رأی دیوان عالی رژیم ایران:

مصطفی حسینی طباطبایی، اسلام شناس از اتهام‌های انتسابی تبرئه شد

بیان

 BAYANMEDIA.NET      /BAYANMEDIANETWORK  @BAYANMEDIA

تصویر شماره‌ی ۵۲

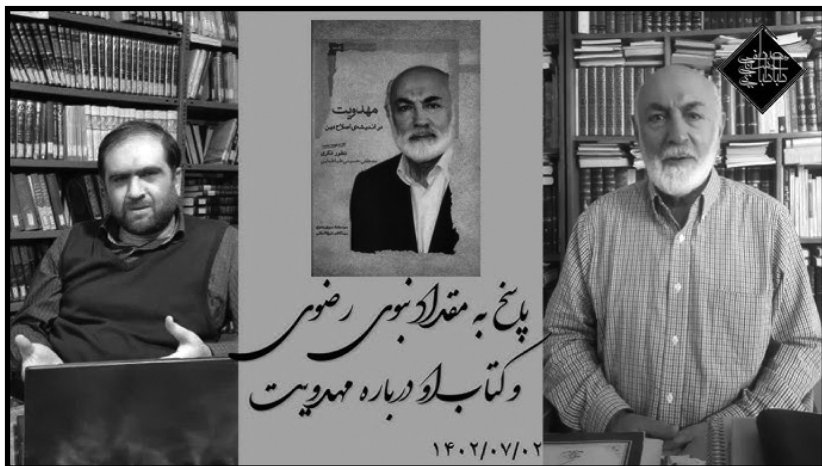
اعلام خبر تبرئه‌ی مصطفی حسینی طباطبایی از سوی وب‌گاه «بیان»،

۳۰ تیر ۱۴۰۲ ش.



تصویر شماره‌ی ۵۳

کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین، در ابتدای انتشار (مردادماه ۱۴۰۲ ش.)،
در میان کتاب‌های پرفروش انتشارات مولی
(از مهم‌ترین کتاب‌فروشی‌های روبه‌روی دانشگاه تهران)



تصویر شماره‌ی ۵۳.۱

عکس آغازین نوار تصویری پاسخ مصطفی حسینی طباطبایی
 به کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین (۱۷ مهر ۱۴۰۲ ش.م)
 (نوار صوتی این گفتار در ۲ مهر ۱۴۰۲ ش.م در فضای مجازی پخش شده بود.)

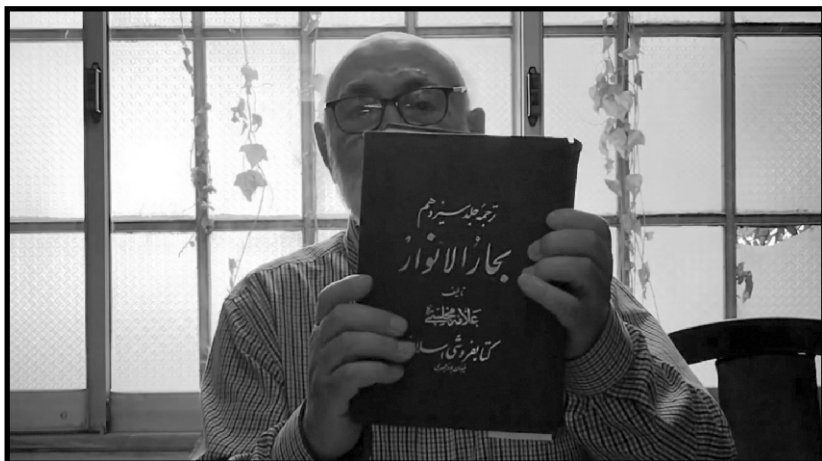


تصویر شماری ۵۴

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام نقد کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین

(۱۷ مهر ۱۴۰۲ ش.)

وی در این بخش از نقد خود بر آن کتاب، با دست گرفتن کتاب الغیبة شیخ طوسی، بر آن است تا سخن خود را مستند نشان دهد؛ با این حال، باید گفت که به تحریف دست زده و با ناگفته گذاشتن عامدانه‌ی نگاه تحلیلی شیخ طوسی به «ساختار نظام‌مند مهدویت شیعی» در حل و فصل اندک روایت‌های گویای مرگ مهدی و زنده شدن دوباره‌ی او و نیز با بزرگ‌نمایی درباره‌ی آنها، خواسته تا باورداشت مهدویت شیعی را مغشوش و برخاسته از روایت‌های متناقض جلوه دهد.

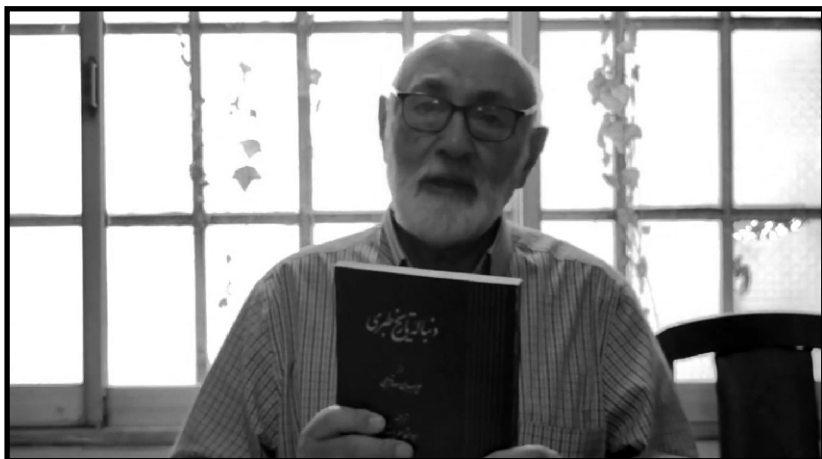


تصویر شماره‌ی ۵۵

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام نقد کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین

(۱۷ مهر ۱۴۰۲ ش.)

وی در این بخش از نقد خود بر آن کتاب، با دست گرفتن ترجمه‌ی جلد سیزدهم چاپ قدیم کتاب بحار الأنوار (طبع کمپانی)، بر آن است تا سخن خود را مستند نشان دهد؛ با این حال، باید گفت که به تحریف دست زده و با انداختن عامدانه‌ی نام محمد بن علی شلمغانی از روایت ابراهیم بن ادريس درباره‌ی عقیقه‌ی فرزند امام حسن عسکری، خواندن بخشی از آن روایت و نه تمام آن و نیز ناگفته گذاشتن عامدانه‌ی روایت دیگر ابراهیم بن ادريس درباره‌ی دیدارش با امام دوازدهم، خواسته تا باورداشت مهدویت شیعی را مغشوش و برخاسته از روایت‌های متناقض جلوه دهد.

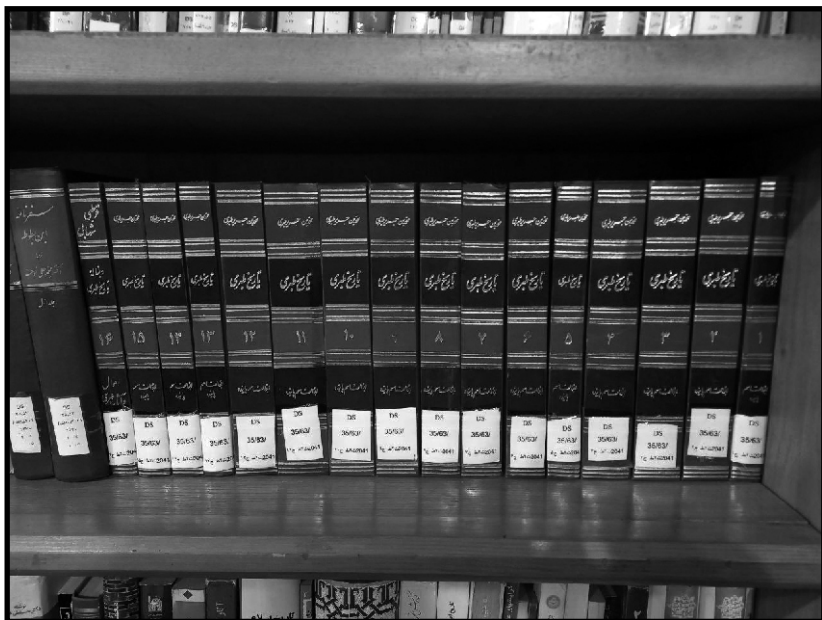


تصویر شماره‌ی ۵۶

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام نقد کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین

(۱۷ مهر ۱۴۰۲ ش.)

وی در این بخش از نقد خود بر آن کتاب، با دست گرفتن کتاب دنباله‌ی تاریخ طبری، بر آن است تا به توجیه تحریف‌های عامدانه‌ی خود در روایت مدعی فرزندی امام حسن عسکری - که در گفتارش به تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ ش. (تصویر شماره‌ی ۳۸) انجام داده بود - بپردازد اما دیگر بار به تحریف‌های عامدانه روی آورده است.



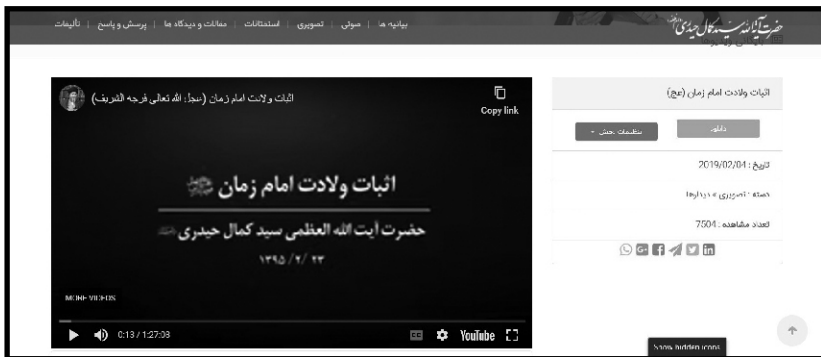
تصویر شماری ۵۷

کتاب دنباله‌ی تاریخ طبری در کنار مجموعه‌ی جلد‌های کتاب تاریخ طبری
 (ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده) (ج ۱۶)
 اما جدا از آنها



تصویر شماره‌ی ۵۸

سید کمال حیدری در حال اثبات ولادت امام دوازدهم شیعیان از کتاب کافی
(کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین: تصویر شماره‌ی ۳۹)



تصویر شماره‌ی ۵۹

سید کمال حیدری در حال اثبات ولادت امام دوازدهم شیعیان از کتاب کافی (متن کامل: یادشده در پیوست دوم کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین)

این گفتار - که با گلایه‌های سید کمال حیدری از تقطیع عامدانه‌ی سخنانش و بازگرداندن دروغ آنها به انکار ولادت امام دوازدهم شیعیان همراه بود - در ۱۵ بهمن ۱۳۹۷ ش. (تصویر بالا: ۲۰۱۹/۲/۴ م.) در تارنمای او بارگذاری شد اما شبکه‌ی وهابی‌مذهب «کلمه»، بدون توجه به آن، در ۲۶ اسفند ۱۴۰۰ ش.، همان سخنان تقطیع‌شده‌ی او را دوباره پخش کرد و مصطفی حسینی طباطبایی نیز در گفتارش در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ ش. از آنها بهره برد؛ با این حال، او هنگام نقد کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین (تصویر شماره‌ی ۶۲)، برای توجیه آن بهره‌گیری ناروا، به تحریف عامدانه روی آورد و گفت که این سخنرانی اثباتی پس از آن گفتار او انجام شده و او کار نادرستی نکرده است! تاریخ تدریس سید کمال حیدری، چنان که در این تصویر دیده می‌شود، ۱۳۹۵/۲/۲۳ ش. است.



تصویر شماره‌ی ۶۰

سید کمال حیدری در حال اثبات ولادت امام دوازدهم شیعیان از کتاب کافی (متن کامل: یادشده در پیوست دوم کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین)

این گفتار - که با گالیله‌های سید کمال حیدری از تقطیع عامدانه‌ی سخنانش و بازگرداندن دروغ آنها به انکار ولادت امام دوازدهم شیعیان همراه بود - در ۱۵ بهمن ۱۳۹۷ ش. (تصویر بالا: ۲۰۱۹/۲/۴ م.) در تارنمای او بارگذاری شد اما شبکه‌ی وهابی‌مذهب «کلمه»، بدون توجه به آن، در ۲۶ اسفند ۱۴۰۰ ش.، همان سخنان تقطیع‌شده‌ی او را دوباره پخش کرد و مصطفی حسینی طباطبایی نیز در گفتارش در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ ش. از آنها بهره برد؛ با این حال، او هنگام نقد کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین (تصویر شماره‌ی ۶۲)، برای توجیه آن بهره‌گیری ناروا، به تحریف عامدانه روی آورد و گفت که این سخنرانی اثباتی پس از آن گفتار او انجام شده و او کار نادرستی نکرده است!



درباره مناظره استاد طباطبائی با آیت الله قزوینی پیرامون امام زمان

تصویر شماره ۶۱

مصطفی حسینی طباطبائی هنگام انجام تحریف عامدانه

در شخصیت سید کمال حیدری

بر پایه‌ی نوار تصویری تقطیع‌شده‌ی او

(۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ ش.)



تصویر شماره‌ی ۶۲

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام نقد کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین
و تحریف عامدانه‌ی دوباره در شخصیت سید کمال حیدری
(۱۷ مهر ۱۴۰۲ ش.۰)



تصویر شماره ۶۳

پرسمان اندیشه: ولادت امام زمان از دیدگاه آیت الله سید کمال حیدری

شبکه‌ی وهابی‌مذهب «کلمه» در ۲۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. (تصویر بالا: ۱۷/۳/۲۰۲۲ م.)، با تحریف عامدانه و تقطیع سخنان سید کمال حیدری، او را منکر ولادت امام دوازدهم شیعیان وانمود و مصطفی حسینی طباطبایی نیز از همین گفتار دست‌کاری‌شده در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ ش. برای آن انکار بهره برد، گو این که جدا از تحریفی‌بودن این گفتار، نوار تصویری سید کمال حیدری درباره‌ی اثبات ولادت امام دوازدهم شیعیان و گلایه از تقطیع عامدانه‌ی سخنانش سه سال پیش از این در تارنمای او جای گرفته بود (تصویرهای شماره‌ی ۵۹ و ۶۰)!



تصویر شماره‌ی ۶۴

عبدالقادر ترشابى (فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی دارالعلوم زاهدان)
و مجری برنامه‌ی «پرسمان اندیشه»: ولادت امام زمان از دیدگاه آیت الله سید کمال حیدری
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره‌ی ۶۵

آغاز گفتار تقطیع‌شده‌ی سید کمال حیدری
درباره‌ی نقد روش سندی محض در پذیرش روایت‌های شیعی
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره‌ی ۶۶

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمدباقر مجلسی
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره‌ی ۶۷

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمدباقر مجلسی
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره‌ی ۶۸

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمدباقر مجلسی
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش.؛ ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره‌ی ۶۹

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی محمدباقر بهبودی
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش.؛ ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره ۷۰

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی محمدباقر بهبودی
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش.: ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره ۷۱

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی محمدباقر بهبودی
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش.: ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



به سراغ مبانی نقد روایت‌ها بر اساس روش شیخ آصف محسنی می‌رویم

تصویر شماره‌ی ۷۲

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمد آصف محسنی
(شاگرد و هم‌مبنای سید ابوالقاسم خویی)
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



و از دانش‌آموختگان منهج و روش نقدِ روایی و سندی

تصویر شماره‌ی ۷۳

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمد آصف محسنی
(شاگرد و هم‌مبنای سید ابوالقاسم خویی)
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره‌ی ۷۴

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمدآصف محسنی
(شاگرد و هم‌مبنای سید ابوالقاسم خویی)
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره‌ی ۷۵

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمدآصف محسنی
(شاگرد و هم‌مبنای سید ابوالقاسم خویی)
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



روایت شماره چند؟ فقط روایت شماره ۵ و البته آن هم با شرط و شروطش و نه اینکه مطلقاً معتبر باشد

تصویر شماره‌ی ۷۶

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمدآصف محسنی
(شاگرد و هم‌مبنای سید ابوالقاسم خویی)
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



آن هم در صورتی که ترحم و دعای رحمت «صدوق»
برای «ابن عصام» بر ثقه بودن او دلالت کند

تصویر شماره‌ی ۷۷

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمدآصف محسنی
(شاگرد و هم‌مبنای سید ابوالقاسم خویی)
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان
(شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره‌ی ۷۸

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمدآصف محسنی (شاگرد و هم‌مبنای سید ابوالقاسم خویی)
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان (شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره‌ی ۷۹

سید کمال حیدری در حال گفت‌وگو درباره‌ی رجال‌شناسی شیخ محمدآصف محسنی (شاگرد و هم‌مبنای سید ابوالقاسم خویی)
در نگاه به وثاقت روایت‌های ولادت امام دوازدهم شیعیان: «امام - سلام الله علیه.» (شبکه‌ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)

این، حرف آخر درباره‌ی مبانی و اصول نقد روایت‌های
تولد امام زمان در کتاب‌های شیعه می‌باشد

تصویر شماره‌ی ۸۰

پایان گفتار تقطیع‌شده‌ی سید کمال حیدری درباره‌ی نقد روش سندی محض در پذیرش روایت‌های شیعی (با تأکید بر روایت‌های ولادت امام دوازدهم) و دومین تحریف عامدانه‌ی شبکه‌ی کلمه پس از آن تقطیع در ترجمه‌ی نادرست آخرین جملات بخش موجود سخنان او، برای عمومیت‌دادن نادرستی ولادت امام دوازدهم شیعیان به کتاب‌های روایی شیعی:

○ سید کمال حیدری: هذا تمام الکلام فی المنهج السندی لإثبات ولادة الإمام الحجة فی کتب الشيعة.

○ ترجمه‌ی درست: این است همه‌ی سخن درباره‌ی روش سندی [صرف] برای اثبات ولادت امام حجت در کتاب‌های شیعه.

○ ترجمه‌ی شبکه‌ی کلمه: این، حرف آخر درباره‌ی مبانی و اصول نقد روایت‌های تولد امام زمان در کتاب‌های شیعه می‌باشد.

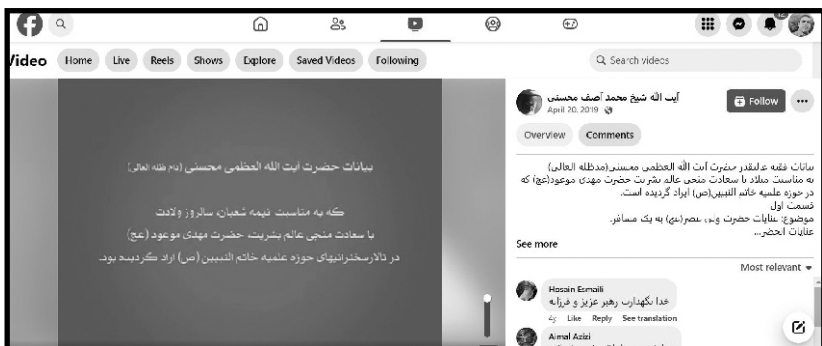


تصویر شماره ۸۱

عبدالقادر ترشابی هنگام قطع صدای یکی از مخاطبان منتقد به انجام تحریف

در سخنان سید کمال حیدری

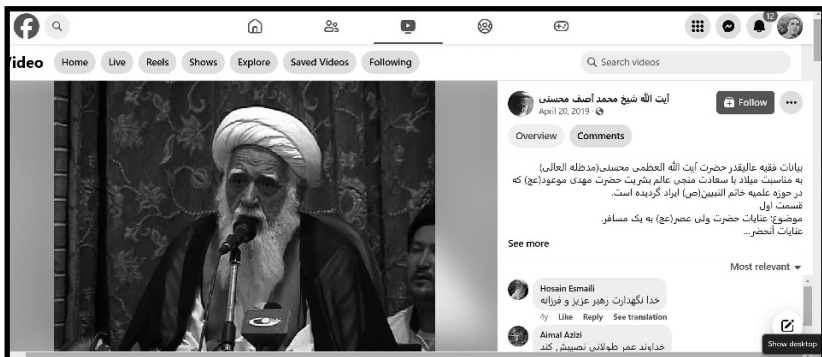
(شبکه ی کلمه: ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ش. ۱۷ مارس ۲۰۲۲ م.)



تصویر شماره ۸۲

سخنرانی شیخ محمد آصف محسنی (شاگرد و هم‌مبنا ی سید ابوالقاسم خویی)

درباره ی ولادت امام دوازدهم شیعیان در مدرسه اش در کابل (حوزه ی علمیه ی خاتم النبیین)



تصویر شماره‌ی ۸۳

سخنرانی شیخ محمد آصف محسنی (شاگرد و هم‌مبنای سید ابوالقاسم خویی)
 درباره‌ی ولادت امام دوازدهم شیعیان در مدرسه‌اش در کابل (حوزه‌ی علمیه‌ی خاتم النبیین)

جهان در انتظار عدالت
و عدالت در انتظار

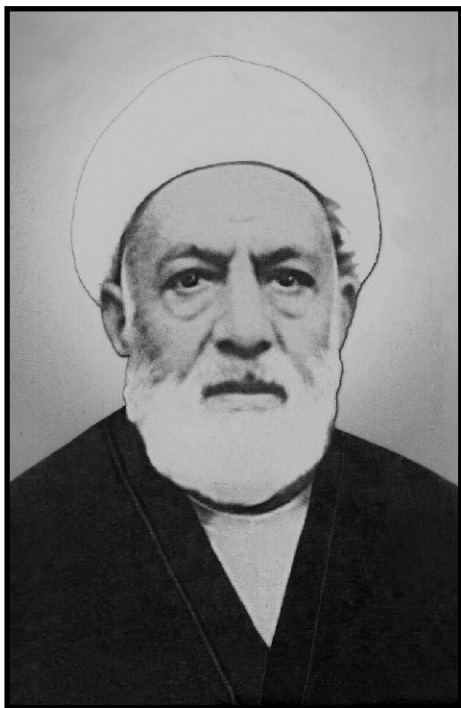
عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ
مهدی موعود

از انتشارات
حوزه علمیه خاتم النبیین (ص)

تصویر شماره‌ی ۸۴

کتاب «مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف»

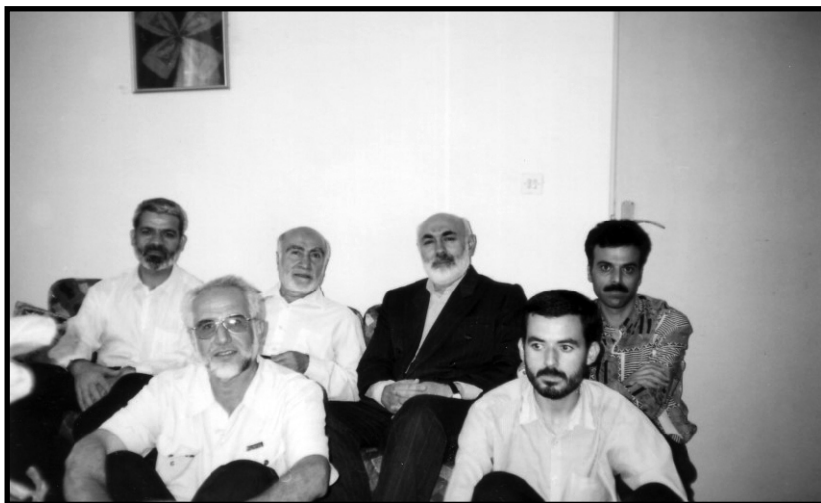
از انتشارات مدرسه‌ی شیخ محمدآصف محسنی در کابل (حوزه‌ی علمیه‌ی خاتم النبیین)



تصویر شماره‌ی ۸۵

شیخ محمدباقر رشاد زنجانی

وی که در زمان خود از مجتهدان بزرگ تهران بود و با داعیان برون‌شیعی اصلاح دین (در نگاه عرف: وهابیان ایرانی) و بهائیان مواجهات علمی داشت، در حدود سال ۱۳۵۲ ش. نقدی بر یکی از نامه‌های مصطفی حسینی طباطبایی در انکار باورداشت مهدویت شیعی نگاشت. متن این نقد در پیوست نخست کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین آورده شد. طباطبایی در پاسخ به آن کتاب، گذشته از استهزاء او با یادکردش در مقام «یک شیخ»، با ناگفته‌گذاشتن استدلال‌های او و طرح نکاتی بی‌ارتباط، دیگر بار به تحریف عامدانه پرداخت.



تصویر شماره‌ی ۸۶

نشستگان ردیف پشت از راست: ۲. مصطفی حسینی طباطبایی و ۴. سید محمدتقی حسینی ورجانی

نشستگان ردیف جلو از راست: ۲. مهدی قاسمیان
(مجموعه‌ی اسناد سید محمدتقی حسینی ورجانی^۱)

سید محمدتقی حسینی ورجانی (۱۳۳۲ تا ۱۳۹۹ ش.، شاگرد حیدرعلی قلمدران)، در زمان‌های نبود طباطبایی، امامت نماز جمعه‌ی او را در دست داشت و در عمل جانشین او شناخته می‌شد؛ با این حال، پس از بازگشت به مذهب تشیع و آغازش بر نقد دیدگاه‌های داعیان برون‌شیعی اصلاح دین (وبلاگ قرآنیان: <http://h-varjani.blogfa.com>)، از سوی طباطبایی و پیروانش، از روی استهزاء، «آخوند» و «شاگرد ترشی فروش» یاد می‌شد. دوستان او یک‌بار جزوه‌ای را در نماز جمعه‌ی طباطبایی پخش کردند که در آن، تصویر دستخطی از طباطبایی در هدیه دادن کتابی به او آورده شده بود که او را با لقب‌های علمی ستوده بود (سند‌های شماره‌ی ۱۲ و ۱۳). ایشان آن بزرگداشت‌های پیشین را با این نکوهش‌های پسین ناهمسان می‌گفتند.

۱. نگارنده در زمستان سال ۱۳۹۴ ش.، در قم، در خانه‌ی سید محمدتقی حسینی ورجانی با او دیدار کرد و آگاهی‌ها و اسناد مهمی را از او گرفت. وی برخی از آنها را در کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران آورده و برخی را در آینده به دست خواهد داد.



ایشاهراه اتحاد حیدر علی قلمداران قمی (شیعه هدایت یافته) بخوانید

تصویر شماره‌ی ۸۷

عبدالرحیم ملازاده‌ی بلوچی و کتاب شاهراه اتحاد



شیعه هدایت یافته

شاهراه اتحاد

بررسی نصوص امامت

تألیف

حیدر علی قلمداران

(۱۳۸۸ - ۱۳۹۲ شمسی)

با مقدمه و حواشی

آیت الله العظمی علامه سید ابو الفضل ابن الرضا برقعی قمی

تصحیح و مراجعه

اسحاق دبیری (رحمه الله)

تصویر شماره‌ی ۸۸

حیدر علی قلمداران و کتابش، شاهراه اتحاد، در نگاه عبدالرحیم ملازاده‌ی بلوچی سید محمدتقی حسینی ورجانی (تصویر شماره‌ی ۸۶) که به سبب شاگردی نزد حیدر علی قلمداران به اندیشه‌ی برون‌شیعی اصلاح دین وارد شده و تا جانشینی مصطفی حسینی طباطبایی پیش رفته بود، پس از آگاهی درباره‌ی تحریف‌های عامدانه‌ی بسیار استادش در این کتاب، اعتماد علمی خود به او را از دست داد و سرانجام به مذهب تشیع بازگشت. تصحیح و مدرکیابی این کتاب از سوی اسحاق دبیری (تصویر شماره‌ی ۳۵) در عربستان سعودی انجام شده است.

بررسی و نقد آرای
مصطفی حسینی طباطبائی

جلد چهارم

موحدان سلفی و امامت

مصطفی کاظمی

دکتر محمدان مردم یثرب مفتی حسینی دہلوی

تصویر شماره‌ی ۸۹

کتاب موحدان سلفی و امامت

(جلد چهارم مجموعه‌ی «بررسی و نقد آرای مصطفی حسینی طباطبائی»)

از این مجموعه پیش‌تر سه بخش به چاپ رسیده بود. جلد نخست، موحدان سلفی و کتاب خدا (فهم قرآن و شیوه‌ی تفسیری موحدان سلفی از ادعای عمل)، جلد دوم، موحدان سلفی و مباحث توحیدی و جلد سوم، موحدان سلفی و نبوت نام دارد.



تصویر شماره‌ی ۹۰

شیخ محمد مهدی عبدالرب آبادی قزوینی (شمس العلماء) در تصویر شماره‌ی ۹۱
در برخی مکتوبات، این تصویر را به نادرستی از آن میرزا حسین نوری طبرسی دانسته‌اند.



تصویر شماره‌ی ۹۱

نشستگان روی صندلی از راست: شیخ مهدی نوری (پسر بزرگ شیخ فضل الله نوری)،
 شیخ محمد مهدی شمس العلماء قزوینی، شیخ فضل الله نوری و حاج آقا علی اکبر بروجردی
 (نگارخانه‌ی علمای شیعه)

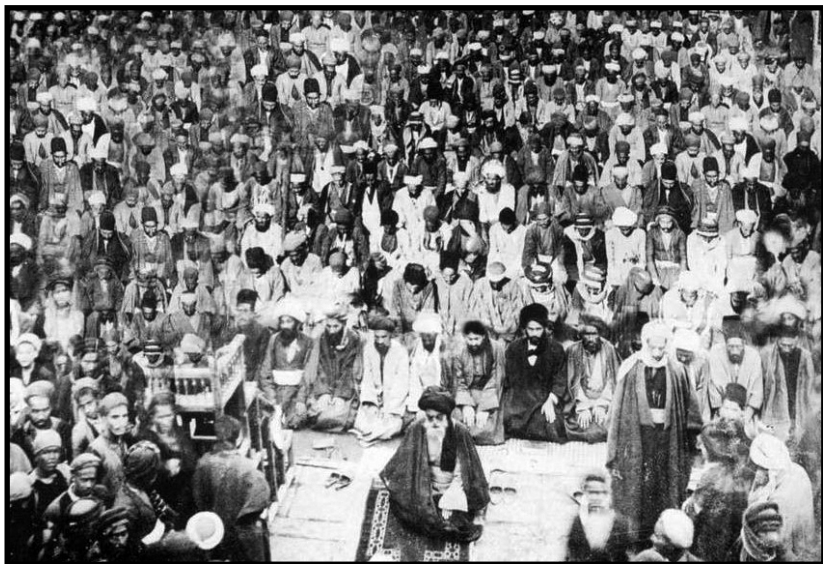


تصویر شماره‌ی ۹۲

آرامگاه میرزا حسین نوری طبرسی در ایوان سوم شمالی باب‌القبله

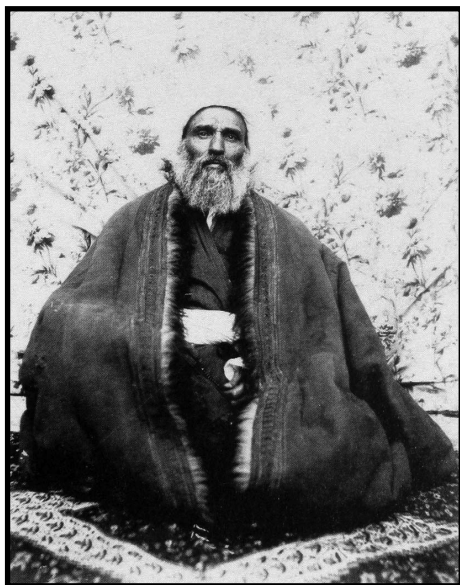
در حرم مقدس نجف

(تصویر از سید مهدی میرخانی، بهار ۱۳۹۵ ش.)



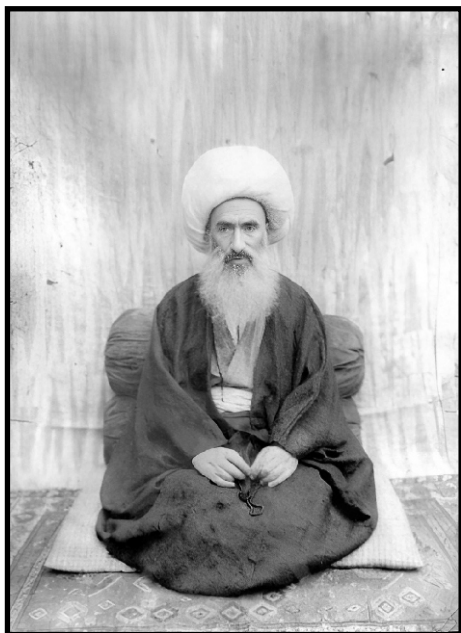
تصویر شماره‌ی ۹۳

سید محمدحسن حسینی شیرازی (میرزای شیرازی: ۱۲۳۰ تا ۱۳۱۲ ق.) فقیه تراز اول شیعی مذهب و بزرگ‌ترین مرجع تقلید شیعیان در زمان خویش بود. او با مهاجرت از نجف به سامراء (۱۲۹۱ ق.)، بر آن بود تا شهر منسوب به امام حی شیعیان را پایتخت معنوی جهان تشیع کند. اقامت او در شهر سامراء همراه با کارهای او و برخی شاگردانش به بسط اندیشه‌ی مهدویت در میان شیعیان انجامید. بنیان‌گذاری حوزه‌ی علمیه‌ی سامراء نقطه‌ی عطفی مهم در تاریخ معاصر مذهب تشیع است.



تصویر شماره‌ی ۹۴

در میان بزرگ‌ترین فقیهان اصولی آن زمان، ملا محمد کاظم خراسانی (نویسنده‌ی کفایة الأصول) به کتاب مستدرک الوسائل (نوشته‌ی میرزا حسین نوری طبرسی) توجهی ویژه داشت. او که خود به تتبع و تأمل در آن کتاب می‌پرداخت، یک‌بار در حضور پانصد شاگرد خویش - که مجتهد یا نزدیک به اجتهاد بودند - گفته بود که در این زمان، پیش از رجوع به کتاب مستدرک الوسائل و آگاهی از روایت‌های آن، حجت بر مجتهدان در استنباط احکام شرعی تمام نمی‌شود.



تصویر شماره‌ی ۹۵

درباره‌ی دیگر فقیه اصولی تراز اول آن زمان نجف، شیخ فتح‌الله شیخ‌الشریعه‌ی اصفهانی هم گفته شده که او در کتاب مستدرک الوسائل و نویسندہ‌اش، میرزا حسین نوری طبرسی، «غالی بود» و خود و تمام هم‌گنانش را «عیال بر نوری» می‌گفت.



تصویر شماره‌ی ۹۶

میرزا محمدتقی شیرازی را نیز - که آن زمان از فقیهان تراز اول اصولی شیعیان در سامراء بود - از جمله شاگویان کتاب مستدرک الوسائل (نوشته‌ی میرزا حسین نوری طبرسی) گفته‌اند.



تصویر شماره‌ی ۹۷

میرزا حسین نائینی در اجازه‌ی اجتهاد و روایتی که برای یکی از شاگردان برجسته‌ی خود نگاشته (سند شماره‌ی ۱۸)، کتاب مستدرک الوسائل (نوشته‌ی میرزا حسین نوری طبرسی) را در میان «جوامع اخیره» (بحار الأنوار، الوافی و وسائل الشیعة) برشمرده است.



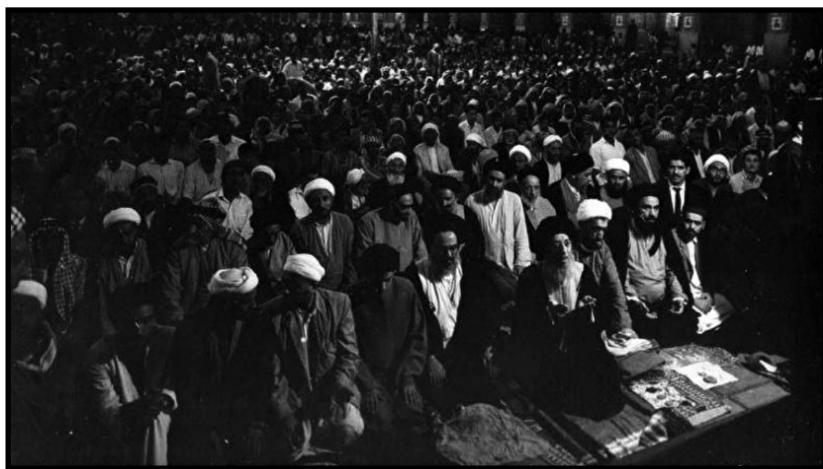
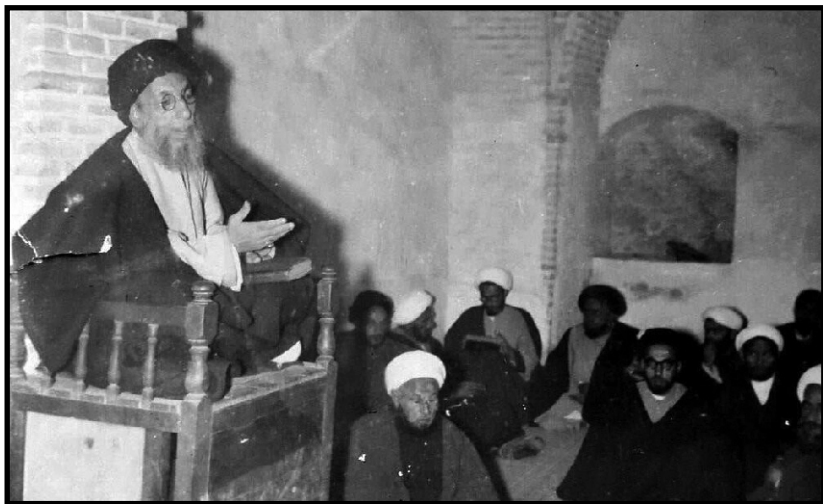
تصویر شماره‌ی ۹۸

سید حسن صدر هنگام یادکرد از میرزا حسین نوری طبرسی در میان مشایخ روایی خود، با عبارتهایی بسیار ثناگو یانه‌اش ستوده است: «... الطبقة الأولى: ... عن عدة من المشايخ العظام و الفقهاء الكرام و الثقات الأعلام الأثبات، أولهم: ثقة الإسلام بل نائب الإمام صاحب الزمان - عليه السلام - جمال السالكين و خاتمة المحدثين و الرجاليين، أبو الفضائل و الفواضل، المصنف النافع و المستدرک الشافع، من طال به أنسی و سروری، المولی أبو محمد الآقا الحاج میرزا حسین النوری الرازی العسکری الغروی - قدس الله جل جلاله سره و رزقنا خیره و بره -» وی در جاهایی دیگر نیز میرزا حسین نوری طبرسی را گذشته از برخی یادکردهای بالا، «أحد الفقهاء الماهرين»، «مجمع الفضائل و الفواضل»، «محيي دارس الأحكام»، «خاتمة المتبحرين في الحديث»، «أبو الفضائل و الفواضل»، «أشبه من رأيت بالسلف الصالح من علماء الأوائل» و «شرف الحاج» خوانده است. توصیف او از کتاب مستدرک الوسائل چنین است: «کتاب مستدرک الوسائل الفائق علی جوامع الأواخر و الأوائل، الباقي للشيعة ببقاء الشريعة.»



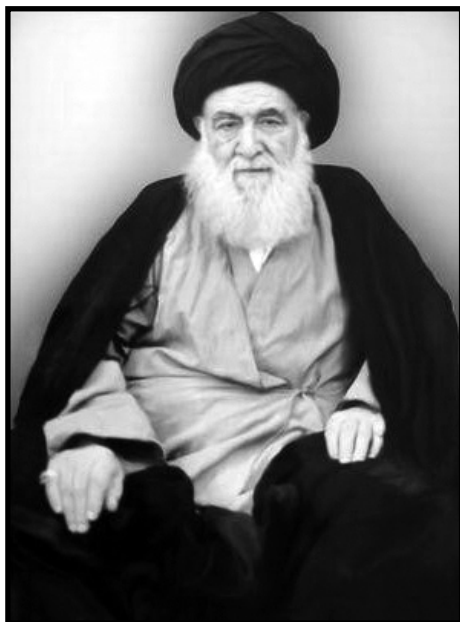
تصویر شماره‌ی ۹۹

جایگاه علمی میرزا حسین نوری طبرسی در نگاه سید حسین طباطبایی بروجردی تا آنجا بود که با وجود برخورداری‌اش از اجازه‌ی نقل روایت از بزرگان پیش از خود، به جهت عدم اتصال مشایخ روایی‌اش به او، بر آن شد تا از شاگرد او، شیخ آقابزرگ تهرانی، - که هم‌سن و سال خودش بود - اجازه‌ی نقل روایت دریافت کند. او پس از اخذ آن اجازه، برای کسانی که اجازه‌ی روایت می‌نگاشت پیوسته به آن استناد می‌کرد.



تصویرهای شماری ۱۰۰ و ۱۰۱

سید محسن حکیم در اجازه‌ی روایتی که برای یکی از محققان نگاشته (سند شماری ۱۹)، «طرق منتهیه»ی خود به «اهل بیت نبوت و عصمت» را از طریق میرزا حسین نائینی (تصویر شماری ۹۷) به «محدث کبیر و علامه‌ی نحیر، شیخ میرزا حسین نوری - قدس سره -» رسانده و «طرق معتبره»ی او را مطابق با آنچه در خاتمه‌ی کتاب مستدرک الوسائل آمده، دانسته است.



تصویر شماری ۱۰۲

سید ابوالقاسم خویی در یکی از اجازه‌های روایتی خود (سند شماری ۲۰)، «اسناد روایت» خویش را از طریق میرزا حسین نائینی (تصویر شماری ۹۷) به «مرحوم مبرور، محدث شهیر، حضرت آیه الله نوری»، از طریق اسنادش که «تفصیلاً در کتاب مستطاب مستدرک الوسائل ذکر گردیده» دانسته و در اجازه‌هایی دیگر (سند شماری ۲۱: اجازه‌ی اجتهاد به سید علی حسینی سیستانی و ...)، آن کتاب را در میان «جوامع اخیر» یاد کرده و روایتش را برای مخاطب خود مجاز دانسته است. چنان که دیده شد، وی همان کسی است که در پذیرش روایت‌ها به نگاه سندی صرف نظر داشت و مصطفی حسینی طباطبایی، هم در گفتار خود در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ ش. و هم در تقدش بر کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین خواست تا با تحریف عامدانه، از آن نگاه او برای تخریب روایت‌های کتاب کافی درباره‌ی ولادت امام دوازدهم شیعیان بهره گیرد.



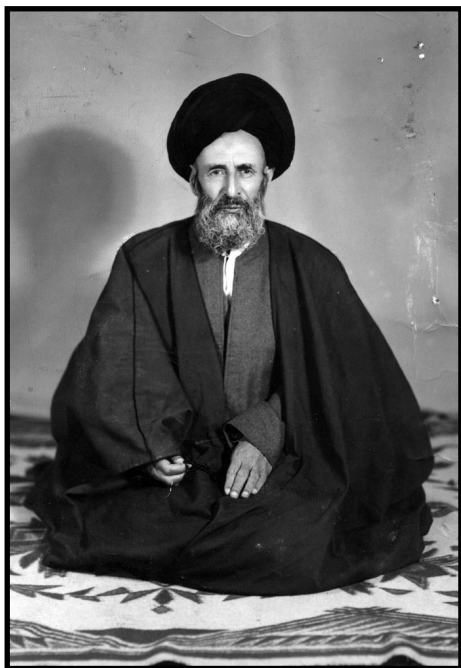
تصویر شماری ۱۰۳

سید محمدهادی میلانی در اجازه‌ی روایتی که برای یکی از شاگردان برجسته‌ی خود نگاشته (سند شماری ۲۲) و نیز در دو اجازه‌ی روایتی دیگرش، مشایخ روایتی خویش را به واسطه‌ی دوتن از عالمان دینی برجسته‌ی پیش از خود به «علامه‌ی نحیر، ثالث المجلسین، حاج میرزا حسین نوری - قدس سره -» رسانده و سلسله‌ی او را مطابق آنچه در «خاتمه‌ی کتاب قیم مستدرک الوسائل» آمده، گفته است.



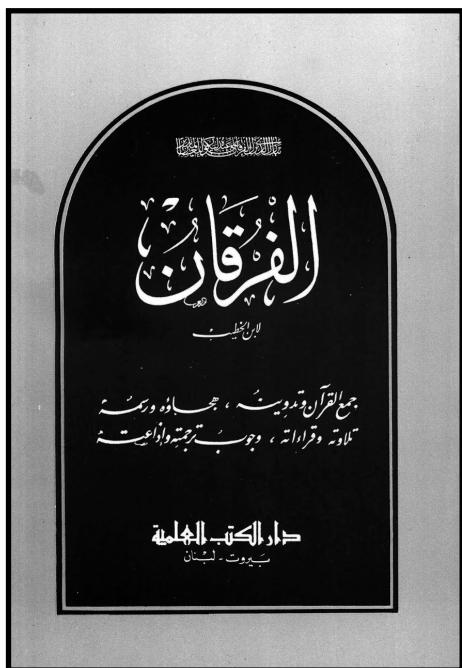
تصویرهای شماره‌ی ۱۰۴ و ۱۰۵

سید موسی شبیری زنجانی ضمن «محقق و عظیم‌الشان» دانستن میرزا حسین نوری، بر آن است که: «او ملا بود و در مستدرک وی کاملاً مشهود است که صاحب‌نظر بوده است.» این مرجع تقلید سرشناس - که از استادان تراز اول علم رجال حدیث نیز شناخته می‌شود - خاتمه‌ی کتاب مستدرک الوسائل را «در علم رجال بسیار پرفایده» گفته و آن را «نزد اهل تحقیق ... بسیار ارزشمند» دانسته و حتی، چنان که نگارنده با یک واسطه از او شنید، گفته است: «کسی بدون خواندن خاتمه‌ی کتاب مستدرک الوسائل به استادی در علم رجال حدیث نخواهد



تصویر شماره‌ی ۱۰۶

در روش تعامل با روایات اعتقادی نیز به سید احمد خوانساری می‌توان نظر داشت. او که از فقیهان اصولی برجسته‌ی معاصر بود، در کتاب اعتقادی خود، العقائد الحقّة، هنگام بحث درباره‌ی نبوت عامه، نبوت خاصه، امامت و معاد، بر روایات زیادی که پی‌درپی آورده تکیه کرده است. این روش گویای آن است که حتی آن فقیه سرشناس - که در اصولی‌بودنش تردیدی نیست - هنگام مکررشدن روایت‌های اعتقادی در یک موضوع و برخورداری‌شان از حد اعتماد، به پذیرفتن‌شان روی می‌آورد.



تصویر شماره‌ی ۱۰۷

کتاب الفرقان، نوشته‌ی محمد محمد عبداللطیف ابن خطیب مصری

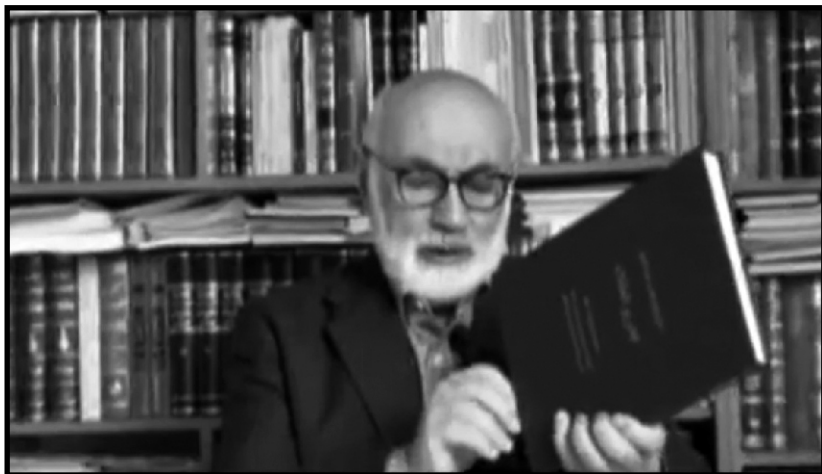


تصویر شماره‌ی ۱۰۸

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام نقد کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران

(۱۵ آبان ۱۳۹۶ ش.)

طباطبایی اینجا با نشان دادن کتاب تحریر العقلاء، بر آن است تا سخن خود را مستند جلوه دهد. این در حالی است که او، هم اینجا و هم در استنادهای بعدی خود به «خطاب شیخ هادی نجم‌آبادی به اهل بیان» (تصویرهای شماره‌ی ۱۰۹ تا ۱۱۳)، گفتار مبسوط کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران در باره‌ی آن خطاب را عامدانه مسکوت گذاشته و با بی‌توجه وانمود کردن نگارنده به آن خطاب، تحریف عامدانه انجام داده است و این در حالی است که آنچه در آن کتاب آمده، در بهترین حال، گویای بابی بودن آن خطاب است و در بدترین حال، چنان می‌نمایاند که از آن خطاب برای اثبات ایمان اسلامی شیخ هادی نجم‌آبادی نمی‌توان بهره برد. این تصویر به نخستین استناد نابه‌جا و تحریف‌آمیز طباطبایی به آن بخش از کتاب تحریر العقلاء بازمی‌گردد.



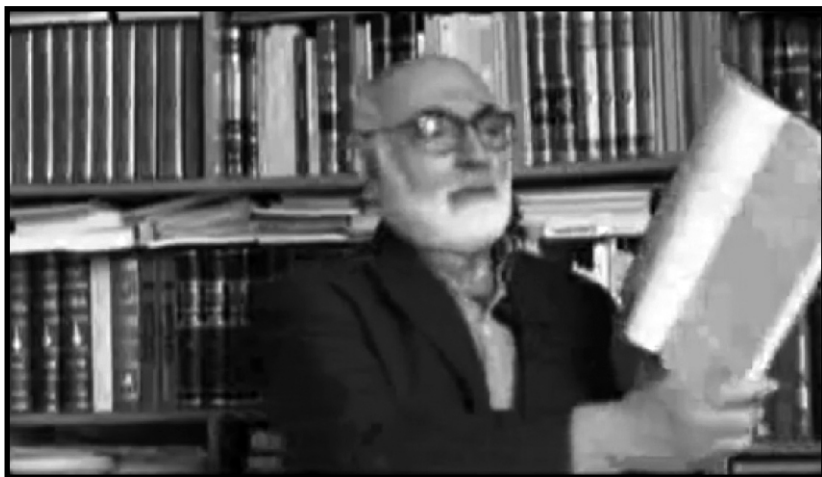
تصویر شماره‌ی ۱۰۹

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام نقد کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران

و بهره‌گیری از «خطاب شیخ هادی نجم‌آبادی به اهل بیان»

(۱۵ آبان ۱۳۹۶ ش.)

این تصویر به نخستین استناد نابه‌جا و تحریف‌آمیز طباطبایی به آن بخش از کتاب تحریر العقلاء
بازمی‌گردد.



تصویر شماره ۱۱۰

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام نقد کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران

و بهره‌گیری از «خطاب شیخ هادی نجم‌آبادی به اهل بیان»

(۱۵ آبان ۱۳۹۶ ش.)

این تصویر به نخستین استناد نابه‌جا و تحریف‌آمیز طباطبایی به آن بخش از کتاب تحریر العقلاء
بازمی‌گردد.

فرهنگ و ادب / کتاب

۱۳ تیر ۱۳۹۷، ۸:۵۸

پژوهشگران درباره کتاب «اندیشه اصلاح دین در ایران: مقدمه‌ای تاریخی» چه می‌گویند؟

چه هدفی در بابی معرفی کردن بزرگان فرهنگ ایران نهفته است؟



نویسنده در کتاب «اندیشه اصلاح دین در ایران: مقدمه‌ای تاریخی» بزرگان اندیشه اصلاح دین در ایران را در دوران قاجار، از جمله سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شیخ هادی نجم‌آبادی را بابی خوانده است.

به گزارش خبرنگار مهر، کتاب «اندیشه اصلاح دین در ایران: مقدمه‌ای تاریخی» مجموعه دو جلدی به قلم سید مقداد نبوی رهنوی است که در آن جنبش‌های اصلاح دین از دوران قاجار تا پهلوی بررسی شده است. نویسنده در جلد نخست این مجموعه به دوره قاجار و در جلد دوم به دوره پهلوی پرداخته است. سرفیس فرهنگ خبرگزاری مهر قصد داشت درباره این کتاب گفت‌وگویی تصویری با مقداد نبوی رهنوی را داشته باشد که در صحبت تلفظی خبرنگار با این نویسنده، این گفت‌وگو جزو «جمله‌ها» او قرار نگرفت.

درباره کتاب «اندیشه اصلاح دین در ایران: مقدمه‌ای تاریخی»

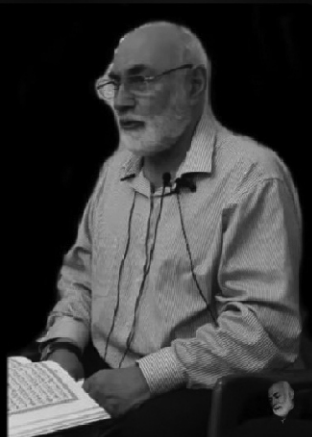
محتوای جلد نخست با بحث تاریخی اساسی و دعوت اصلاح دین؛ شروع می‌شود. این مجلد دو فصل دیگر دارد. در فصل دوم با عنوان «شیخ هادی نجم‌آبادی: معلم فکر اصلاح دین در دوره قاجار» نئیشه شیخ هادی نجم‌آبادی و کتاب «تحریر العقائدی او بررسی شده و در ادامه جنبش اصلاح دینی باب معرفی می‌شود. به باور نویسنده شیخ هادی نجم‌آبادی از شهدای بیان و یکی از بزرگان بانی آری در تهران دوران قاجار است. نویسنده در فصل سوم این مجلد نیز با عنوان «اسد

تصویر شماره‌ی ۱۱۱

مصطفی طباطبایی هنگام نقد کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران و بهره‌گیری از «خطاب شیخ هادی نجم‌آبادی به اهل بیان» (۱۳ آبان ۱۳۹۷ ش.)

این تصویر به دومین استناد نابه‌جا و تحریف‌آمیز طباطبایی به آن بخش از کتاب تحریر العقلاء باز می‌گردد.

چنان که در این تصویر دیده می‌شود، خبرنگار خبرگزاری مهر نیز به نادرستی از بابی دانسته شدن سید جمال‌الدین افغانی در کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران سخن گفته است.



نقد مطالب سید مقداد نبوی رضوی در برنامه چراغ مطالعه پیرامون ماجرای باب و بهاء

تصویر شماره‌ی ۱۱۲

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام نقد مواد برنامه‌ی «چراغ مطالعه»

و بهره‌گیری از «خطاب شیخ هادی نجم‌آبادی به اهل بیان»

(۲۹ آذر ۱۳۹۸ ش.)

این تصویر به سومین استناد نابه‌جا و تحریف‌آمیز طباطبایی به آن بخش از کتاب تحریر العقلاء بازمی‌گردد.

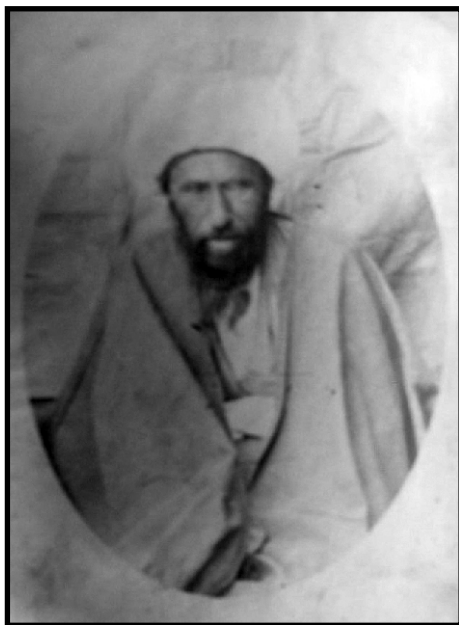


تصویر شماری ۱۱۳

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام نقد کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین
و بهره‌گیری از «خطاب شیخ هادی نجم‌آبادی به اهل بیان»
(۱۷ مهر ۱۴۰۲ ش.)

این تصویر به چهارمین استناد نابه‌جا و تحریف‌آمیز طباطبایی به آن بخش از کتاب
تحریر العقلاء بازمی‌گردد.

چنان که گفته شد، طباطبایی اینجا با نشان دادن کتاب تحریر العقلاء، بر آن است تا سخن خود را
مستند جلوه دهد. این در حالی است که او، هم اینجا و هم در استنادهای پیشین خود به «خطاب
شیخ هادی نجم‌آبادی به اهل بیان» (تصویرهای شماره‌ی ۱۰۸ تا ۱۱۲)، گفتار مبسوط کتاب
اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران درباره‌ی آن خطاب را عامدانه مسکوت گذاشته و با بی‌توجه و انمود
کردن نگارنده به آن خطاب، تحریف عامدانه انجام داده است و این در حالی است که آنچه در آن
کتاب آمده، در بهترین حال، گویای بای بودن آن خطاب است و در بدترین حال، چنان می‌نماید
که از آن خطاب برای اثبات ایمان اسلامی شیخ هادی نجم‌آبادی نمی‌توان بهره برد.



تصویر شماره‌ی ۱۱۴

ملا محمد جعفر کرمانی

از بزرگان تراز اول بایان و سبب‌ساز گسترش آیین باب در کرمان،
و نهان‌زیست در ظاهر مدرس فقه در حوزه‌ی علمیه‌ی کرمان
و مدفون در مسجد جای نماز جماعت اسلامی خود: مسجد ته باغ لاله^۱
(کتابخانه‌ی دانشگاه کیمبریج، مجموعه‌ی اسناد ادوارد براون^۲)

۱. سید مقداد نبوی رضوی، اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران، ج ۲، بخش «تصاویر و اسناد»، تصویرهای
شماره‌ی ۸ تا ۱۲.

۲. این تصویر از سوی آقای دکتر مجید تفرشی (مورخ ساکن لندن) به نگارنده داده شد.



تصویر شماره‌ی ۱۱۵

ملا محمد جعفر نراقی^۱

از بزرگان تراز اول بایان و سبب‌ساز گسترش آیین باب در کاشان و نراق،
و نهان‌زیست در ظاهر عالم دینی در کاشان، نراق و عتبات عراق و مورد اعتماد عالمان بزرگ

شیعی مذهب

چون شیخ مرتضیٰ انصاری و ...^۲

۱. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۶، ص ۲۱۹.

۲. برای آگاهی از زندگانی او، نک.: شیخ محمد مهدی شریف کاشانی، تاریخ جعفری.



تصویر شماره‌ی ۱۱۶

شیخ محمد مهدی شریف کاشانی^۱

فرزند ملا محمد جعفر نراقی و از بزرگان تراز اول ازلیان، و نهان‌زیست
در ظاهر اسلامی عالم دینی و فعال فرهنگی و سیاسی، و از مشروطه‌خواهان سرشناس^۲

۱. این تصویر از نسخه‌ی خطی کتاب تاریخ مشروطیت (نوشته‌ی شیخ محمد مهدی شریف کاشانی) گرفته شده است.
۲. برای آگاهی از زندگانی او، نک.: شیخ محمد مهدی شریف کاشانی، تاریخ جعفری.



تصویر شماره‌ی ۱۱۷

شیخ محمدمهدی شریف کاشانی (ردیف دوم، نشسته‌ی دوم از چپ)

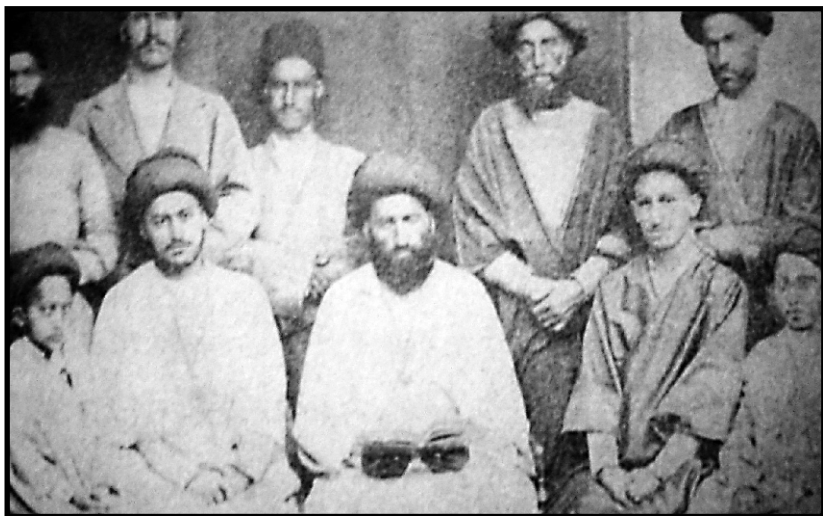
در میان اصحاب سید عبدالله بهبهانی^۱

وی در کتاب تاریخ جعفری نوشته: «... در آن اوقات، مرحوم آقا سید مرتضی صدرالعلماء هم وفات کرد. امر منصب صدرالعلمائی راجع به جناب آقا میرزا محمدباقر شد ولی به ملاحظه‌ی احتمال اتهام بایی‌گری چندان معاشرت تامه نبود. به ملاحظه‌ی مصالحی چند، با جناب آقا سید عبدالله مجتهد بهبهانی مراوده نموده، روزها به مجلس تدریس او می‌رفتم. خرده‌خرده در معاشرت او انس و اتحاد و خصوصیت ظاهری زیاده از مرسوم به هم رسید. احترامات و مقامات من در مجلس او محفوظ بود و در امور شرعیه معامله‌ی عدالت با من می‌نمود...»^۲

(«خصوصیت ظاهری»): دوستی نهان‌زیستانه در ظاهر مسلمانی، در برابر «خصوصیت باطنی»: دوستی واقعی بایان با یکدیگر)

۱. موسی فقیه حقانی، مشروطیت از نگاه دوربین، ص ۳۱۶، برگرفته از مجموعه‌ی اسناد سهل‌علی مددی.

۲. شیخ محمدمهدی شریف کاشانی، تاریخ جعفری، صص ۲۴۶ و ۲۴۷.



تصویر شماره‌ی ۱۱۸

میرزا هادی دولت‌آبادی در حدود سن ۴۳ سالگی، در میان فرزندان،
به حدود سال ۱۳۰۰ ق.

(حدود چهار سال پیش از مسافرت به قبرس در ظاهر سفر حج اسلامی)
از راست به چپ: میرزا علی محمد، میرزا یحیی، میرزا هادی، میرزا احمد
و میرزا مهدی^۱

میرزا یحیی دولت‌آبادی در زمان مسافرت به قبرس ۲۵ سال داشت و اینجا در حدود ۲۱ سال
دارد.

۱. این تصویر از کتاب خاطرات و ملاحظات (نوشته‌ی میرزا علی محمد دولت‌آبادی) گرفته شده است. وی، در خاطرات خود، ابتدا به ولادت خواهرش، صدیقه، در ماه صفر ۱۳۰۰ ق. پرداخته و پس از شرح برخی رویدادها، درباره‌ی این عکس نوشته: «اول عکس است که ماها انداخته‌ایم. آقا وسط و چهار نفر ماها دو طرف ایشان نشسته‌ایم. نوکرها عقب سر ایستاده‌اند.» (سید علی محمد دولت‌آبادی، خاطرات و ملاحظات، صص ۶۳ تا ۶۵) بر همین اساس است که تاریخ این عکس حدود ۱۳۰۰ ق. دانسته شد.



تصویر شماره‌ی ۱۱۹

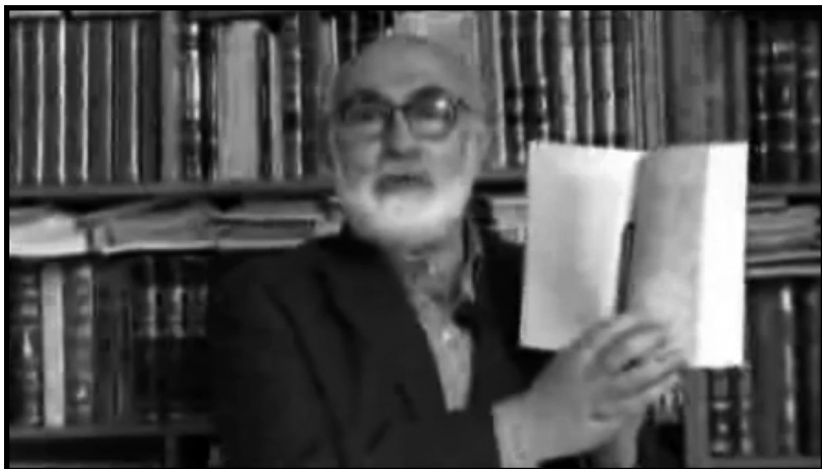
شیخ زین العابدین مازندرانی
(وبگاه «نگارخانه‌ی علمای شیعه»)



تصویر شماره‌ی ۱۲۰

میرزا یحیی دولت‌آبادی و میرزا علی محمد دولت‌آبادی به سال‌های جوانی^۱

۱. این تصویر از نسخه‌ی خطی کتاب تاریخ مشروطیت (نوشته‌ی شیخ محمد مهدی شریف کاشانی) گرفته شده است.



تصویر شماره‌ی ۱۲۱

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام انجام تحریف عامدانه در گزارش از سند شماره‌ی ۶۵
از کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران (ج ۲، ص ۹۰۶)
(۱۵ آبان ۱۳۹۶ ش.)



تصویر شماره‌ی ۱۲۲

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام انجام تحریف عامدانه درباره‌ی چگونگی یادکرد از ایمان بابی

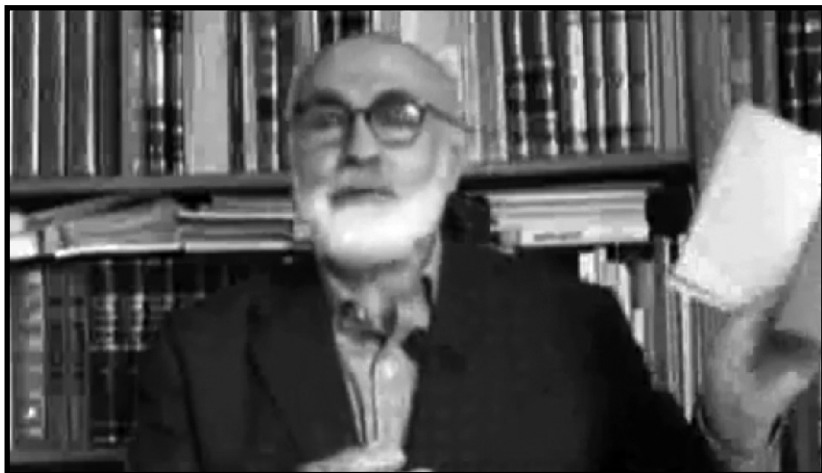
میرزا رضا کرمانی

و سید جمال‌الدین افغانی در کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران،

با شاهد آوردن بی‌مورد از کتاب سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او

(نوشته‌ی مرتضی مدرس‌ی چهاردهی)

(۱۵ آبان ۱۳۹۶ ش.)



تصویر شماره‌ی ۱۲۳

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام انجام تحریف عامدانه درباره‌ی چگونگی یادکرد از ایمان بایی

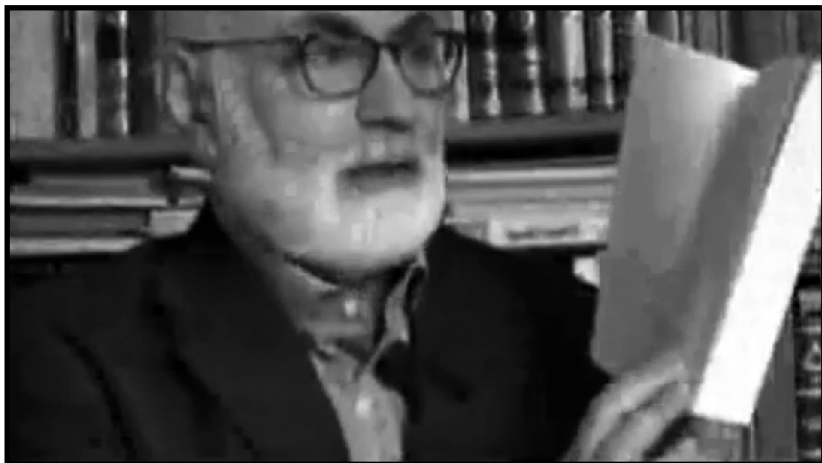
میرزا رضا کرمانی

و سید جمال‌الدین افغانی در کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران،

با شاهد آوردن بی‌مورد از کتاب سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او

(نوشته‌ی مرتضی مدرسی چهاردهی)

(۱۵ آبان ۱۳۹۶ ش.)



تصویر شماره‌ی ۱۲۴

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام انجام تحریف عامدانه در خواندن نامه‌ی

سید اسدالله خرقانی

(۱۵ آبان ۱۳۹۶ ش.۰)



تصویر شماره‌ی ۱۲۵

مصطفی حسینی طباطبایی هنگام یادکرد از آثارش در نقد بایان و بهائیان

(۱۵ آبان ۱۳۹۶ ش.۰)



دکتر سید محمد یزدانی
1 679 subscribers

edited 804 18:56



Leave a comment



بها نه های طباطبای... دروغ هایش mp3

1:24:04 • 19.2 MB

بها نه های طباطبائی برای پاسخگویی از دروغ هایش ✓

— مصطفی طباطبائی در یک فایل صوتی اعلام کرده است که قصد ندارد، به مستندات و مطالب دکتر یزدانی پاسخ بدهد؛ چون او را رهبر داعش خوانده است.

— در این برنامه دروغگویی او در باره روایت «السید هو الله» به صورت مجدد و بررسی پخش شد.

— و نیز فتاوی طباطبائی در تکفیر شیعیان و مشرک خواندن آنان پخش شد که ثابت می‌کند او مفتی داعشیان است و خانه او پادگان عملیات فکری داعش و سلفی‌ها و محلی برای تربیت کارشناس برای شبکه‌های وهابی و برانداز است.

— بحث تناقضات طباطبائی در باره سر سید الشهداء علیه السلام و نیز استدلال او به روایت صحیح بخاری در باره حرمت پیاده روی به سوی مشاهد، نیز در این برنامه تحلیل شده است.

برای دیدن فایل کامل تصویری [اینجا] کلیک کنید.

@smyazdani



21



1

edited 1K 19:13



26 Comments



تصویر شماره‌ی ۱۲۶

گفتار سید محمد یزدانی در انتساب مصطفی حسینی طباطبایی به داعش



تصویر شماره‌ی ۱۲۷

گفتار سید محمد یزدانی در انتساب مصطفی حسینی طباطبایی به داعش

وَقُلِ الَّذِينَ كَفَرُوا السَّعْيُ لَكُمْ كُنِيَ بِاللَّهِ الْعَاقِبَةُ وَيَكُنِي عِندَ الْعَاقِبَةِ الْحَكِيمُ
ترجمہ: ۳۳۔ سورہ الزمر: کفار کے کوشش آپ کا ہے۔ اللہ ہی ختم ہے اور ختم کے ہاں ہی حکیم ہے۔

مَقْصُودِ آيَةِ كَرِيمِهِ

حقیر الیچ احمد نواز میس

تصویر شماره‌ی ۱۲۸

فَتْحُ الْبَيَانِ

فيما رُوي عن عليٍّ ع من تفسير القرآن

شامل

اُثاری از علی علیه السلام در تفسیر قرآن

به عربی و فارسی

لـمؤلفه:

مصطفی الحسینی الطباطبائی

تصویر شماره‌ی ۱۲۹

کتاب فتح البیان فیما روی عن علی من تفسیر القرآن

مصطفی حسینی طباطبایی این کتاب را در زمستان ۱۳۸۰ ش. نگاشت و در بهار ۱۳۸۱ ش. آن را برای جمعی - که نگارنده نیز در میان ایشان بود - درس داد.

كتاب فتح البيان: فيما روى عن علي (ع) من تفسير القرآن

مصطفیٰ شاہداد

اسناد احمد مظہری

1387, 51

312

978-964-7733-50-2

شایک:

5238

شوميز

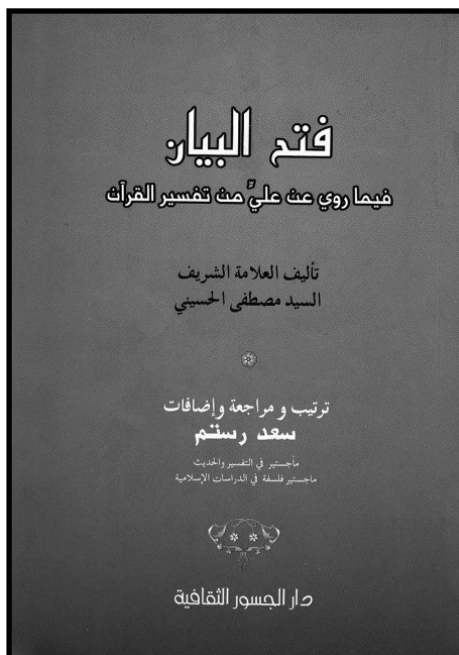
4/16 گرام

موجودی:



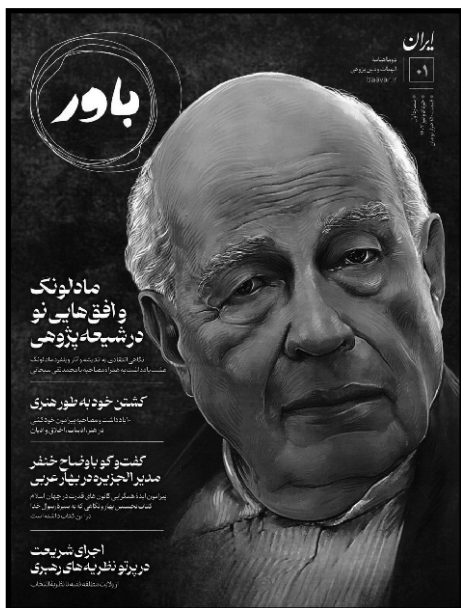
تصویر شماره‌ی ۱۳۰

چاپ کتاب فتح البیان فیما روی عن علی من تفسیر القرآن از سوی مصطفی حسینی طباطبائی با نام مستعار «مصطفی شاهد» در سال ۱۳۸۷ ش.



تصویر شماره‌ی ۱۳۱

چاپ کتاب فتح بیان فیما روی عن علی من تفسیر القرآن
از سوی شاگرد عرب مصطفی حسینی طباطبائی، سعد رستم،
با نام «السید مصطفی الحسینی»



تصویر شماری ۱۳۲

شماری نخست دوماهنامه ی باور

به کوشش مرتضی روحانی (سردبیر برنامه ی «چراغ مطالعه»)

(خرداد و تیر ۱۴۰۲ ش.)



تصویر شماره‌ی ۱۳۳

یادداشت «اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران» در نخستین شماره‌ی دوماه‌نامه‌ی باور

(تصویر پیشین)

(خرداد و تیر ۱۴۰۲ ش.)



PEOPLE

Undergraduate Student
Faculty
Lecturers & Preceptors
Visiting Faculty
History Prize Instructors
Affiliated Faculty
Professors Emeriti
Faculty on Leave
Department Chair
Department Staff
Graduate Students
College Fellows
Postdoctoral Fellows
Research Associates
Visitors & Associates
Alumni
In Memoriam

FACULTY BY SPECIALTY

Time Period
Theme and Methodology
Geographic Region

HOME / PEOPLE /

Afsaneh Najmabadi

Francis Lee Higginson Professor of History and of Studies of Women, Gender, and Sexuality, Emerita



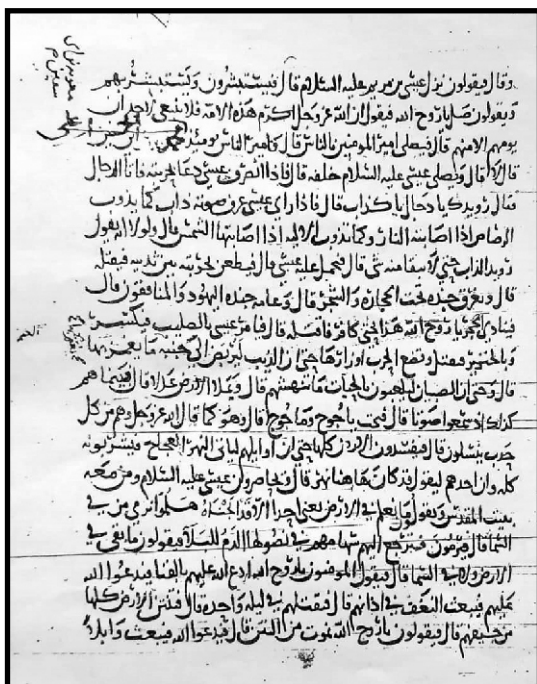
Afsaneh Najmabadi is the Francis Lee Higginson Professor of History and of Studies of Women, Gender, and Sexuality at Harvard University. Her book, *Women with Mustaches and Men without Beards: Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity* (Berkeley: University of California Press, 2005), received the 2005 Joan Kelly Memorial Prize from the American Historical Association. With Kathryn Babayan, she co-edited *Islamicate Sexualities: Translations across Temporal Geographies of Desire* (Cambridge: Harvard University Press, Middle Eastern Monographs, 2008). Her latest book, *Professing Selves: Transsexuality and Same-Sex Desire in Contemporary Iran* (Duke University Press, 2014) was a finalist for Lambda Literary Award in 2014, received the 2014 Joan Kelly prize from the American Historical Association for best book in women's history and feminist theory, and was a co-winner of 2015 John Boswell prize, LGBT History, American Historical Association. A recent book conversation on New Books in Islamic Studies features this book: <http://newbooksinislamicstudies.com/2015/12/30/afaneh-najmabadi-professing-selves-transsexuality-and-same-sex-desire-in-contemporary-iran-duke-up-2013/>

Najmabadi leads a digital archive and website, Women's Worlds in Qajar Iran (www.qajarwomen.org). The project has been awarded three two-year grants from the National Endowment for the Humanities, and was recognized by the White House Office of Public Engagement in May of 2012.

Curriculum vitae

تصویر شماره‌ی ۱۳۴

افسانه نجم‌آبادی: استاد صاحب‌کرسی تاریخ در دانشگاه هاروارد



سند شماره ی ۱

صفحه‌ای از «نسخه‌ی ابو حفص حدثی» همراه با نامی یادآور

«محمد بن الحسن بن علی»

تحلیل و بررسی نسخه‌شناسانه‌ی این نسخه‌ی خطی سُنی و کهن (کتابت: ۶۰۰ ق.) که در کتابخانه‌ی ظاهریه‌ی دمشق (اکنون در کتابخانه‌ی ملی اسد) نگهداری می‌شود، با گمانی موجه چنان می‌نمایاند که در آن، امیر مسلمانان به هنگام بازگشت عیسی بن مریم به زمین - که در نگاه سنیان و شیعیان «مهدی» است - «محمد بن الحسن» یاد شده، اما آن نام خط خورده و با دستخطی دیگر، در حاشیه‌ی صفحه، به «معاویه بن ابی سفیان» مبدل شده است. بر این پایه، می‌توان گفت که نام «محمد بن الحسن» برای مهدی پیش از ولادت امام دوازدهم شیعیان (محمد بن الحسن العسکری، متولد ۲۵۵ ق.) شناخته شده بود، چرا که ابو حفص حدثی به سال ۲۲۷ ق. در بغداد به املا‌ی این نسخه پرداخت و خود به سال ۲۴۰ ق. درگذشت. این واقعیت تاریخی بخشی مهم از «نگاه تاریخی به باورداشت مهدویت شیعی» (بخش «امام دوازدهم در آثار اهل سنت») است.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر، نک.: سید مقداد نبوی رضوی، امام دوازدهم شیعیان در رساله‌ای متقدم از اهل

سنت.

کتاب الغيبة

یتضمن هذا الكتاب افوى الحجج والبراهين العقلية والنقلية على وجود الامام الثاني عشر محمد بن الحسن صاحب الزمان عليه السلام ، وعلى غيبته اليوم ثم ظهوره في آخر الزمان فيملا الارض قسطا وعدلا بعد ما ملئت ظلما وجورا ، ويدفع الكتاب شبه المخالفين والمعادين الذين ينكرون وجوده او ظهوره ، بحيث يزول معها الرب ونحسم به الشبهات .

تأليف

شيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن

الطوسي المتوفى سنة ٤٦٠ هـ

الطبعة الثانية

مصححة ومنقحة

طبع على نفقة

السيد محمد صادق الموسوي

صاحب مكتبة الصادق في النجف الاشرف



سند شماره ی ۲

کتاب غیبت (نوشته ی شیخ طوسی) از چاپ مورد استناد مصطفی حسینی طباطبایی

ذلك شاباً واسود شعره فلا يعرف في العرب اعجوبة مثلها .
(وقد ذكرنا) من أخبار المعمرين قطعة فيها كفاية فلا معنى للعجب من ذلك (وكذلك) أصحاب السير ذكروا أن زليخا امرأة العزيز رجعت شابة طرية وتزوجها يوسف عليه السلام ، وقصتها في ذلك معروفة .
(وأما ماروي) من الأخبار التي تتضمن أن صاحب الزمان يموت ثم يعيش أو يقتل ثم يعيش ، نحو ما رواه الفضل بن شاذان عن موسى بن سعدان عن عبد الله ابن قاسم الحضرمي عن أبي سعيد الخراساني (قال) : قلت لأبي عبد الله عليه السلام : لأي شيء سمي القائم ؟ (قال) : لأنه يقوم بعدما يموت ، إنه يقوم بأمر عظيم يقوم بأمر الله سبحانه (١) .

(وروى) محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري عن أبيه عن يعقوب بن يزيد عن علي بن الحكم عن حماد بن عثمان عن أبي بصير (قال) : سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول : مثل أمرنا في كتاب الله مثل صاحب الحمار أماته الله مائة عام ثم بعثه .
(وعنه) عن أبيه عن جعفر بن محمد الكوفي عن اسحق بن محمد عن القاسم بن الربيع عن علي بن خطاب عن مؤذن مسجد الاحمر (قال) : سألت أبا عبد الله عليه السلام هل في كتاب الله مثل للقائم عليه السلام ؟ فقال : نعم آية صاحب الحمار أماته الله مائة عام ثم بعثه .

(وروى) الفضل بن شاذان عن ابن ابي نجران عن محمد بن الفضيل عن حماد ابن عبد الكريم (قال) : أبو عبد الله عليه السلام ان القائم إذا قام قال الناس أني يكون هذا وقد بليت عظامه منذ دهر طويل .
(قالوجه) في هذه الأخبار وما شاكلها أن تقول بموت ذكره ويعتقد أكثر الناس أنه بلي عظامه ثم يظهره الله كما أظهر صاحب الحمار بعد موته الحقيقي وهذا وجه قريب في تأويل الأخبار ، على أنه لا يرجع بأخبار آحاد لا توجب (١) - يأتي هذا الخبر بزيادة في أواخر الكتاب .

سند شماره ۳

صفحه ۲۶۰ از کتاب غیبت (نوشته‌ی شیخ طوسی) از چاپ مورد استناد

مصطفی حسینی طباطبایی

طباطبایی با ناخوانده گذاشتن عامدانه‌ی شرح و توضیح شیخ طوسی بر اندک روایت‌های گویای وفات مهدی و زنده شدن دوباره‌ی او (پاراگراف پایانی این سند و پاراگراف نخست سند بعدی) - که همان تحلیل با نگاه به «ساختار نظام‌مند مهدویت شیعی» است - به تحریف روی آورده تا روایت‌های مهدویت شیعی را متناقض جلوه دهد.

علماً عما روت المقول عليه ، وساق الاعتبار الصحيح اليه وعضده الأخبار المتواترة التي قدمناها بل الواجب التوقف في هذه والتمسك بما هو معلوم ، وانما تأولنا بعد تسليم صحتها على ما يفعل في نظائرها ويعارض هذه الأخبار ما ينافيها .

(روى الفضل بن شاذان) عن عبد الله بن جبلة عن سلمة بن جناح الجعفي عن حازم بن حبيب (قال) : قال أبو عبد الله عليه السلام : يا حازم إن لصاحب هذا الأمر غيبتين يظهر في الثانية ، إن جاءك من يقول : إنه نفض يده من تراب قبره فلا تصدقه .

(وروى) محمد بن عبد الله الحميري عن أبيه عن محمد بن عيسى عن سليمان ابن داود المقرئ عن أبي بصير (قال) : سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول : في صاحب هذا الأمر سنن من أربعة أنبياء سنة من موسى ، وسنة من عيسى ، وسنة من يوسف وسنة من محمد صلى الله عليه وآله وسلم ، فاما سنة من موسى فخائف يترقب ، واما سنة من يوسف فالغيبه ، واما سنة من عيسى فيقال : مات ولم يموت ، واما سنة من محمد صلى الله عليه وآله وسلم فالسيف .

(وروى) الفضل بن شاذان عن أحمد بن عيسى العلوي عن أبيه عن جده (قال) : قال أمير المؤمنين عليه السلام . صاحب هذا الأمر من ولدي الذي يقال : مات قتل لا بل هلك لا بل بأي واحد سلك .

(واما وقت خروجه عليه السلام) فليس بمعلوم لنا على وجه التفصيل بل هو مغيب عما إلى أن يأذن الله بالفرج .

(كما روي) عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج رجل من ولدي فيملا الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً .

(وأخبرني) الحسين بن عبيد الله عن أبي جعفر محمد بن سفيان البزوفري عن علي بن محمد عن الفضل بن شاذان عن أحمد بن محمد وعبيد بن هشام عن كرام

سند شماره ۴

صفحه ۲۶۱ از کتاب غیبت (نوشته‌ی شیخ طوسی) از چاپ مورد استناد

مصطفی حسینی طباطبایی

طباطبایی با ناخوانده گذاشتن عامدانه‌ی شرح و توضیح شیخ طوسی بر اندک روایت‌های گویای وفات مهدی و زنده شدن دوباره‌ی او (پاراگراف نخست این سند و پاراگراف پایانی سند پیشین) - که همان تحلیل با نگاه به «ساختار نظام‌مند مهدویت شیعی» است - به تحریف روی آورده تا روایت‌های مهدویت شیعی را متناقض جلوه دهد.

ترجمه جلد سیزدهم
از کتاب
(((بحار الانوار)))

از تالیفات
علامه مجلسی
ترجمه مرحوم محمد حسن بن محمد ولی ارومیه
رحمة الله عليه

بسرمايه آقای حاج سيد اسمعيل کتابچی و اخوان
فرزندان مرحوم حاج سيداحمد کتابچی مؤسس

کتابفروشی اسلامیه

تهران، خیابان پانزده خرداد شرقی، تلفن ۵۶۲۱۹۶۶

حق چاپ و عکسبرداری از این نسخه محفوظ است

چاپ انت اسلامیه

سند شماره‌ی ۵

صفحه‌ی عنوان ترجمه‌ی جلد سیزدهم چاپ قدیمی کتاب بحار الانوار
(طبع کمپانی)

آورده که عهدين علی شلمغانی در کتاب اوصیاء روايت کرده که بمن خبر داد حمزة بن نصر غلام امام علی النقی (ع) از پدرش او گفته وقتیکه متولد شد صاحب (ع) اهل خانه هم مباشر خدمت او شدند مرا امر شد که هر روز با گوشت يك قصب مغز استخوان بغرم گفتند اینمغز مرا آقای کوچک ماست و در کتاب مذکور از شلمغانی روايت کرده او گفته که خبر داد بمن ثقه اذ ابراهیم بن ادريس او گفته که امام حسن عسکری (ع) نزد من گوسفند فرستاد و فرمود که اینرا برای فلان پسر عقیقه بکن و بغور و باهل بده پس بفرموده او عمل کردم بعد از آن به خدمت آن حضرت رسیدم بمن فرمود که پسرم وفات نمود بعد از آن دو گوسفند پیش من فرستاد و نوشته بود «بسم الله الرحمن الرحيم» عقیقه بکن ایندو گوسفند را از مولای خودت و بغور و گوارا باشد بر تو و بیرادانت هم بده پس بعمل آوردم فرموده ادرا و بعد از آن باو ملاقات کردم کردم چیزی نفرمود عهدين ابراهیم در کتاب الفیه از عهدين بن همام او از جعفر بن عهدين مالک و حمیری در یکجا ایشان از ابن ابی الخطاب و عهدين عیسی و عبدالله بن عامر ایشان از ابن ابی نجران او از خشاب او از معروف بن خربوز او از ابو جعفر (ع) روايت کرده او گفته که شنیدم از آن حضرت میفرمود که جناب پیغمبر (ص) فرمود که مثل اهل بیت من در این امت مثل ستارگان آسمان است هر وقتیکه ستاره غایب شود ستاره دیگر طلوع کند در وقتیکه با ابرو ها و دستهای آن امام اشاره کردید یعنی بمقام حقد و عداوت در آمدید او غیب خواهد کرد و شما های سروسامان خواهید ماند در وقتیکه با اینحال هستید خدا بتمالی ظاهر گرداند ستاره شما را پس آنوقت بخدا حمد بکنید و آن امام را قبول دارید در کتاب النجوم مذکور است که بعض اصحاب ما در کتاب الاوصیاء آورده و آن کتابیست معتمد که روايت کرده آن کتاب را حسن بن جعفر صمیری (حمیر خل) مر اور است مکاتبات به خدمت امام علی النقی و امام حسن عسکری (ع) در جوابهای آنها و اوقه است معتمد که خبر داد بمن ابو جعفر قمی پسر برادر احمد بن اسحق بن مصلحه بدرستی که در قم منجمی بود یهودی در فن حساب بحذاق موصوف و معروف بوده او را احمد بن اسحق احضار کرد و باو گفتم که مولودی در فلان وقت بر صه وجود آمده طالع تولد او را بگیر و زایچه برای وی درست کن پس طالع گرفت و نظر کرد و با احمد بن اسحق گفت که ستارگان دلالت ندارد بر اینکه این مولود از تو باشد مثل این مولود نمیشود مگر پیغمبر یا وصی او هر آینه نظرم دلالت میکند باینکه این مولود شرق و غرب و دریا و بیابان و کوه و صحرائ دنیا را مالک میشود و در روی زمین کسی نمیماند مگر در دین او میباشد و بولایش قابل میشود علی بن عیسی در کشف القمه از شیخ کمال الدین بن طلحه روايت کرده او گفته که مولد حجة ابن الحسن

صفحه ۱۹ از ترجمه ی جلد سیزدهم چاپ قدیمی کتاب بحار الأنوار (طبع کمپانی) مصطفی حسینی طباطبائی (تصویر شماری ۵۵) در گزارش خود از این صفحه، با انجام دو تحریف عامدانه، هم نام محمد بن علی شلمغانی را انداخت و هم روایت ابراهیم بن ادريس درباره ی عقیقه ی فرزند امام حسن عسکری را ناقص خواند.

با من غلامی بود که خدمت مرا میکرد در این مدت که اینقدر راه طی نمودم ندیدم مگر خبری وصی الله علی محمد وآله وسلم تسلیمآ - در کتاب الغیبه از جماعتی ایشان از جعفر بن محمد بن قولویه و غیر ایشان از محمد بن یعقوب کلینی او از علی بن قیس او از بعضی بزرگان عراق روایت کرده او گفته که سابق بر این نسیم را در سرمن رای دیدم که در خانه امام حسن عسکری علیه السلام را شکسته آنگاه جوانی طبرزین در دستش بیرون آمد و گفت که در خانه من چکار میکنی نسیم گفت که جعفر چنین گمان کرده بود که امام حسن علیه السلام وفات نمود و لدی بعد از خود باقی نگذاشت اگر خانه خانه تست من بر میگردد پس از خانه بیرون رفت علی بن قیس گفته که غلامی از خدمتکاران آن خانه بنزد ما آمد این خبر را از او پرسیدم گفت که کدام شخص اینرا بتو خبر داد گفتم بعضی بزرگان عراق گنت که هیچ چیز بر مردم مخفی و پنهان نماند در کتاب الغیبه باین اسناد از علی بن محمد او از محمد بن اسماعیل بن هوسی بن جعفر روایت نموده و محمد بن اسماعیل شیخ حسنی بود از اولاد رسول خدا او گفته که آنحضرت را مابین دوه مسجد یعنی مسجد مدینه و مسجد کوفه دیدم در حالتیکه بچه بود در کتاب ارشاد از ابن قولویه او از کلینی ادا از علی بن محمد مثل اینرا روایت نمود در کتاب الغیبه بدین اسناد از خادم ابراهیم بن عبده نیشابوری روایت کرده او گفته که با ابراهیم برصفا ایستاده بودم ناگاه بچه آمد در نزد ابراهیم ایستاد و کتاب مناسک حج را از گرفت و باره احکام باو خبر داد. در کتاب ارشاد از ابن قولویه او از کلینی ادا از علی بن محمد او از محمد بن نسیم او از خادم ابراهیم مثل اینرا روایت نموده مگر اینکه در اینباب روایت گفته که صاحب الامر علیه السلام آمد و در روایت گفت که بچه آمد در کتاب الغیبه بدین اسناد از ابراهیم ابن ادریس روایت کرده او گفته که او را بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام دیدم در حالتیکه قاضی بلند شده بود و سر و دستهای او را بوسیدم در کتاب ارشاد از ابن قولویه او از کلینی ادا از علی ابن محمد او از احمد بن ابراهیم بن ادریس او از پدرش مثل اینرا روایت نموده در کتاب الغیبه بدین اسناد از ابی علی مظهر روایت کرده او گفته که او را دیدم و قاضی را هم وصف نموده در کتاب مذکور از احمد بن علی رازی او از ابی ذر احمد بن ابی سوره روایت نموده ابی سوره محمد بن حسن بن عبدالله تمیمی است و از طایفه زیدیه ابی ذر احمد بن ابی سوره گفته که این حکایت را از جماعتی شنیدم آنها از پدرم روایت کرده اند میگفتند که پدرم گفت که بسمت شهر خیر بیرون رفتم و فقیه که با آنها رسیدم ناگاه جوان خوش صورتی دیدم که نماز میکند بعد از آن از آنها وداع نمود منهم وداع کردم از آنها بیرون شده با هم بمشروع آمدیم در آن حال بمن گفت که با سوره بکجام میخواهی بروی گفتم بکوفه گفت با که میروی گفتم با مردم گفت نمپخواهی که باهم برویم

سند شماره ۷

صفحه ۳۳۳ از ترجمه‌ی جلد سیزدهم چاپ قدیمی کتاب بحار الأنوار (طبع کمپانی) مصطفی حسینی طباطبائی (تصویر شماره ۵۵) در گزارش خود از این کتاب، با انجام تحریفی عامدانه، روایت دیگر ابراهیم بن ادریس (راوی روایت عقیقه‌ی فرزند امام حسن عسکری) درباره‌ی دیدارش با امام دوازدهم را نگفته گذاشت.

فَتْحُ الْبَارِي

بشرح
صحيح البخاري

لِلإمام الحافظ أحمد بن علي بن حجر العسقلاني

"٧٧٣-٨٥٢ هـ"

طبعة مزينة بغفرس أبي يحيى باستا ركب صحيح البخاري

رأى نسخة بخطها رحمه الله
في دار الكتب في سنة ١٢٨٥ هـ
عبد العزيز بن عبد الله بن باز
الأستاذ بكتبة الشريعة بالرياض

قام بإعداد وصدره عن دار
مكتبة الدين الخطيب

تم كنهه وإبراهه وإدارته
عبد فؤاد عبد الباقي

المجلد السادس

دار المعرفة

مبانيروت، لبنان

سند شماره ی ۸

صفحه ی عنوان جلد ششم

کتاب فتح الباری بشرح صحیح البخاری

نوشته ی حافظ ابن حجر عسقلانی

الاخبار بأن المهدي من هذه الأمة وأن عيسى يصل خلفه ، ذكر ذلك رداً للحديث الذي أخرجه ابن ماجه عن أنس وفيه : ولا مهدي إلا عيسى ، وقال أبو ذر المروزي : حدثنا الجوزقي عن بعض المتقدمين قال : معنى قوله : وإمامكم منكم ، يعني أنه يحكم بالقرآن لا بالأنجيل . وقال ابن التين : معنى قوله : وإمامكم منكم ، أن الشريعة المحمدية متصلة إلى يوم القيامة ، وأن في كل قرن طائفة من أهل العلم . وهذا والذي قبله لا يبين كون عيسى إذا نزل يكون إماماً أو مأموماً ، وعلى تقدير أن يكون عيسى إماماً فمناه أنه يصير معكم بالجماعة من هذه الأمة . قال الطبري : المعنى يؤمكم عيسى حال كونه في دينكم . وبمكر عليه قوله في حديث آخر عند مسلم : فيقال له : صل لنا ، فيقول : لا ، إن بعضكم على بعض أمراء تكملة لهذه الأمة ، وقال ابن الجوزي ، لو تقدم عيسى إماماً لوقع في النفس إشكال ولقيل : أتراء تقدم نائباً أو مبتدئاً شرعاً ، فصل مأموماً لئلا يتدنس بفبار الصبهة وجه قوله : لأنبيء مهدي . وفي صلاة عيسى خلف رجل من هذه الأمة مع كونه في آخر الزمان وقرب قيام الساعة دلالة للصحيح من الأقوال أن الأرض لا تخلو عن قائم لله بحجة . والله أعلم

سند شماره ی ۹

گفتار حافظ احمد بن علی بن حجر عسقلانی در جلد ششم

کتاب فتح الباری بشرح صحیح البخاری

(سند پیشین) درباره‌ی وجود همواره‌ی کسی «قائم به حجت خداوند» بر روی زمین،

ناگفته گذاشته شده‌ی عامدانه از سوی مصطفی حسینی طباطبائی

در نقدش بر کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین

فی صلاة عيسى خلف رجل من هذه الأمة مع كونه في آخر الزمان و قرب قيام الساعة دلالة للصحيح من الأقوال أن الأرض لا تخلو عن قائم لله بحجة و الله أعلم.

حیدر علی قلمداران

انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله
وعترتي لن يفترقا حتى يردا
على الحوض

(حدیث منوات نبوی (ص))

مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه
نوح من رکبها نجی ومن تخلف
عنها غرق (رسول خدا (ص))

رساله‌ای

(از مجموعه حقایق عریان)

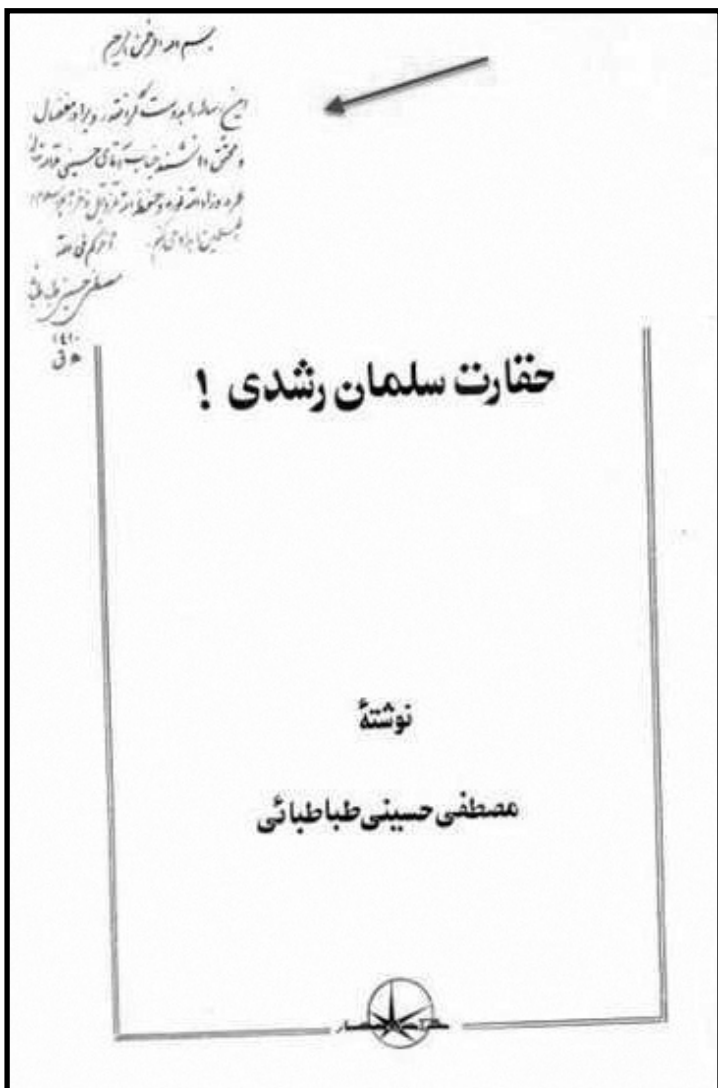
سنت رسول (ص) از عترت رسول (ص)

سند شماره‌ی ۱۱

کتاب سنت رسول از عترت رسول

(چاپ: حدود سال ۱۳۵۷ ش.)

حیدر علی قلمداران، پس از نگارش کتاب شاهراه اتحاد و نفی وصایت الاهی امامان اهل بیت، در این کتاب به ضرورت مراجعه به ایشان برای آگاهی از سنت پیامبر اسلام پرداخته است. مصطفی حسینی طباطبایی در گفت‌گو با نگارنده، در این باره گفت: «قلمداران با نوشتن این کتاب کار بسیار بدی کرد.»



سند شماره‌ی ۱۲

کتاب دعوت مسیحیان به توحید

هدیه‌شده از سوی مصطفی حسینی طباطبائی به «دوست گران‌قدر و برادر مفضل و محقق دانشمند، جناب آقای [سید محمدتقی] حسینی [ورجانی] - مد الله تعالی عمره و زاد الله نوره و حفظه الله عز و جل ذخراً للإسلام و المسلمین -» که پس از بازگشت به مذهب تشیع، از سوی او و دوستانش «آخوند» و «شاگرد ترشی فروش» یاد می‌شد!

بسم الله الرحمن الرحيم

ایچ ساله راجه دست گرانقدر و برادر مفضل
و محقق دانشمند جناب آقای حسینی مرآت
عمره و زاده الله نوره و حفظه الله عزوجل ذخراً للإسلام و
المسلمین ابراهیمی کنم. آخر کم فی الله
مصطفیٰ حسینی طباطبائی

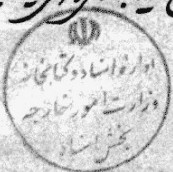
۱۴۱۰
ه ق

سند شماره‌ی ۱۳

یادداشت کتاب دعوت مسیحیان به توحید

هدیه شده از سوی مصطفیٰ حسینی طباطبائی به «دوست گران قدر و برادر مفضل و محقق دانشمند، جناب آقای [سید محمدتقی] حسینی [ورجانی] - مد الله تعالی عمره و زاد الله نوره و حفظه الله عزوجل ذخراً للإسلام و المسلمین -» که پس از بازگشت به مذهب تشیع، از سوی او و دوستانش «آخوند» و «شاگرد ترشی فروش» یاد می‌شد!

جناب مستطاب آقا میرزا احمد صدر الاسلام، که بطن من مریض حضرت باریک
 در این چند روز اخیر از طلب هم با علل و اطفال در دو شنبه و جمعه جناب مستطاب
 که آن و متعلقان خود و جناب مستطاب نیز بعد از آقا میرزا حسین نذر انوار مریم کلام
 و له فهد معلوم است که اگر کجا کن خرم نه بخف نه رفت میزد و یا آنکه در کافین وقت
 فیه در حال این سبب وضع ماره که بخت غیره فی فیض از طلب کم مجرب جانب
 محمد سلیم داده را کجا است خود گذشته و حرکات مجموع این در اظهار بکانه و بی نظیر
 منظر گردید و نسخه خرابه بخوبی بخشد بطوریکه تا بر این حرکات بدل خال تعمیر است
 بنام فهد وضع حالیه بدو نظر کردید بعد هم بعضی از مریضه ۲۳ مرداد ۱۳۱۴



ایم کلمه به یادگار
 وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 ایام دوله
 ایام دوله
 ایام دوله

سند شماره ۱۴

گزارش مخبر ایران درباره‌ی مهاجرت «جناب مستطاب آقای میرزا اسماعیل صدر» و «جناب
 مستطاب شریعت‌مدار، آقای حاجی میرزا حسین نوری» از سامراء به سال ۱۳۱۴ ق. و
 دگرگون شدن اوضاع آن شهر
 (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران، سند مکمل شماره‌ی ج ۳۶/۱۴۱)

تقریریں مکہ علماء اعلام

۳۸۶

المستقیم بصیرۃ و تبادہ و فکرۃ نقادہ واللہ لہ ادی الی الحق والصواب
الراجح عفویرہ العزیز الخیر
العلو والطاہر الطاہر

تقریریں دوم

هذا تقریر الفائق والتمیز المنقسم الی اربع العالم العلمانی المحدث النفاث المحقق الفہامہ
الانی من کل فن بالجہ العجائب الخیر الہادی الجلیس الشافی الحاج میرزا حسین النوری تار اللہ
بنور علومہ افق الوجود کما جعلہ ریحہ رحلہ الفضل والوفی

بسم اللہ الرحمن الرحیم کا ہی در خاطر خور نیکی کہ در طریقہ فرقہ حبشیہ بابیہ در عدد مذہب شمرده شود و محتاج
ابطال ایدو باشد یہ معبود و مسلک از سیرہ و سلوک انما خیر فی کمالہ اما مذہبات آزادی از قیودین چیز
دیگر نبود و لہذا ہر کہ بابیہ و اساس انما شست و عمل بقانون مذہب براوخت بود بابیہا پیوست
تا اندک اندک توسط بعضی از خصوصین صیادین سبیل مؤمنین بعضی از خرافات و عموہات آن
طریقہ را صوری دادہ و جامہ کہ تارہ پوشست ترا خا نہ عکسیت است بران پوشانیدہ و کار بجای رسید
کہ بخیر ان از حقیقت خالی از اندیشی نیستہ و دیگر ابطال ایدو ان در آمدہ و الحکمہ ان مجموعہ شریفہ محتویہ
بر ابطال خرافات و باطلات الجماعت و آگاہ نمودن عوام مکہ تبسیہ غالب انام کہ بدرد نادانی گرفتار گشتہ
و وافی و امید لیک بعد از اطلاع بریدہ و در خاریضان فرقہ ضالہ رضلہ در طریقہ خود ثابت و از استماع خرافات
و ہدایات الجماعت معروض باشند و ہمارہ در ترویج این نسخہ شریفہ مال اولیٰ ما مجموعہ خود را در بیع نفرا نمائیم
با نهایت کمال مزاج و ضعف قیالہ اذ ان من چند مطر متفرک الی اندو نشستہ شد

حررہ العبدی حسین محمد تقی
النوری الطہری

تقریریں سیم

صاحب هذا التصدير الاثيق والتجويد في التحقيق والتأليف العالم الموسس قواعداصول الدين الحكم
احكامہ بالادلة القاطعة والبراهين المحقق الشافي الشيخ ملا کاظم الخراسانی متعنا اللہ صلواتہ
بسم اللہ الرحمن الرحیم مخفی نماند کہ ترویج این نسخہ شریفہ کہ مشتمل بر توضیح نمودن ابطال ان خرافات
فرقہ بابیہ است بطوریکہ عوام ابطال العبرہ و منذ شوق لازم است بر عہد اہل ایمان ایست کہ از ان مؤمنین
از بدل مجموعہ خود در بیع نفرا نمائیم و کسی کو شش نام و کمال انتہام را در ترویج آن نماند یا عوام کالافعام
کول نہات طاغیہ ضالہ ضلہ لا تخونہ و از جادہ قویست متقیہ شریعت احمدیہ و طریقت جعفریہ بران
نزدند واللہ العہم حررہ محمد کاظم الخراسانی انوری

شرف

سند شماره ی ۱۵

تقریرت میرزا حسین نوری طہری

بر کتاب منهاج الطالبین (نوشته ی حاج حسینقلی جدید الاسلام)

521

[illegible]

سند شماره ی ۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف

الأنبياء والمرسلين محمد وآله الطيبين الطاهرين
واللعن اللعن على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام
يوم الدين ولقد فقد استجاز في الفاضل الحق
مروج الأحكام ثقة الاسلام الشيخ عزيز الله المطهر
المؤجاف دامت أفاضاته في رواية الأحاديث المروية
عن الأئمة المعصومين عليهم السلام ووجدته اهلا
للإجازة فأخبرته أن يروي عني كما صحت روايته
بطرق المتهمة إلى أهل بيت النبوة والعصمة ومن
فلك الطرق ما أروى بواسطة شيخ واستاذي
الحجة الميرزا محمد حسين النائيني قدس سره عن
شيخه المحدث الكبير والعلامة الخير الشيخ ميرزا
حسين النوري قدس سره وقد أثبت طرق معتبر
في خاتمة كتاب مستدرک الوسائل فله حقة
أن يروي عني بهذا الطريق متى شاء مع مراعاة
الاحتياط وأوصيه أن لا يفاني من صالح دعواتي
كل أنشاء الله تعالى والسلام عليه ورحمة الله وبركاته
الطاهر
١٤
ع

سند شماره‌ی ۱۹

اجازه‌ی روایتی سید محسن طباطبایی حکیم به شیخ عزیرالله عطار دی قوچانی
وی در این اجازه، مشایخ روایی خود را از میرزا حسین نائینی آغاز کرده و طریق او را به واسطه‌ی
«محدث کبیر و علامه‌ی تحریر، شیخ میرزا حسین نوری - قدس سره -» دانسته و سلسله‌ی
مشایخ روایی او را یادشده در خاتمه‌ی کتاب مستدرک الوسائل گفته است.^۱
۱. سید محمد حسین حکیم، یادنامه‌ی استاد عزیرالله عطار دی، ص ۴۱۹.

سند

جناب مستطاب محبة السلام آقای حاج سید عبد العزیز طباطبائی در امت لوفیاته
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته . ان شاء الله تعالی مزاج محترم قرن صحت
عایت بوده و باشد . نامه مورخه ۲۷ ذوالقعدة و اصل ، با طبع
میرزا که اینجاب و علی رغم آنکه اجازه روایتی مولا نمرد هم لیکن معذرت
ما از طریق اینجاب مجاز در روایت من باشد ، البته اسناد روایت اینجاب
عمده از طریق شیخ الاسلام مرحوم مبرور حضرت آیه العظمی نائینی (قدس سره)
در ایشان هم از مرحوم مبرور محدث شهر حضرت آیه آل نوری (قدس سره) روایت
می کنند و اسناد روایت آن مرحوم تفصیلاً در کتاب مستطاب مستدرك ادب ذکر
گردید ، همچنین اینجاب از مرحوم مبرور شرف الدین (تغذیه الله روحه العزیز)
روایت می کنم در اسناد ایشان در روایت در کتاب الشیخ الموسی
مذکور است ، امید است حاکم از دعای خدا در نظام اجابت فراموشی فرماید
که الان کم منه ان شاء الله والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
بجف اشرف ۲۶ / ذوالحجّة ۱۴۱۲ هجری

سند شماره ۲۰

اجازه‌ی روایتی سید ابوالقاسم خوبی به سید عبد العزیز طباطبائی^۱

وی در این اجازه، مشایخ روایی خود را از میرزا حسین نائینی آغاز کرده و طریق او را به واسطه‌ی
«مرحوم مبرور، محدث شهیر، حضرت آیت الله [حاج میرزا حسین] نوری - قدس الله سره -»
دانسته و سلسله‌ی مشایخ روایی او را یادشده در «کتاب مستطاب مستدرك الوسائل» گفته
است. چنان که دیده شد، وی همان کسی است که در پذیرش روایت‌ها به نگاه سندی صرف نظر
داشت و طباطبائی، هم در گفتار خود در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ ش. و هم در تقدش بر کتاب
مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین خواست تا با تحریف عامدانه، از آن نگاه او برای تخریب
روایت‌های کتاب کافی درباره‌ی ولادت امام دوازدهم شیعیان بهره گیرد.

۱. محمدتقی انصاریان خوانساری، شمع همیشه‌فروزان، ص ۱۰۸۷.

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله الذي رفع منازل العلماء حتى جعلهم بمنزلة الانبياء وفضل الامم
 على رساء الشهداء وفضل صلواته تحية على من استغفاه من الاثام
 ولا يحزن ويحب رحمة للعالمين والرحمة الطاهرين . وبعد
 فان شرف العلم لا يخفى وفضله لا يحصى قد عزته الله من الانبياء والواهب
 نبيا خاتم الارساء صلى الله عليه وعليهم ما دامت الارض والسماء ومن ذلك
 في طلب ملك صالح السلف وجناب العالم العامل والفاضل الكامل
 سند الفقهاء العظام حجة الاسلام السيد علي السيستاني اذا استايبام
 افاضاته وافضاله وكثر في العلماء العالمين مثاله فان قد بذل في هذا
 السبل شطر امن عمر الشريف مع كتابه الجواهر وخاتم الانبياء في التلخيص
 على شرفها الا في التحية والثناء وقد حضر الجواهر الفقيه والاصولية حضورا
 تفهم وتحقيق وتعمق وتزريق حتى امرت - الحمد لله - مناه وقال بتغاية
 بالمراد وحاز به كرا الاجتهاد فله العمل بآية تنبئ من الاحكام فليعلم ان
 على الان لا يشكر على اجابه ولا جزاء من وعى عن جميع ما عني في
 من الكتب الاربعة التي على هذا المدار الكافي والفقيه والتهدية والاستبصار
 والجوامع الاخيرة الواسلة وسنده كبر والوافي والبحار وغيرها من مستنداتها
 وما روى عن غير تلك الجوامع من مشايخ العظام باسانيدهم المنبهة للعلم للبيت
 عليهم افضل الصلوة والسلام وادوية دامت عيولهم بلانها لتفكر في سبل
 الاحياء فان لم يكن في الصراط من تلك سبل الاحياء لانها في سبل الله
 كما في انشا ابن السكيت والاسلام لا يسجد الله به
 حرمت في اليوم الرابع من محرم الحرام ١٤٠٦
 ابراهيم الراسي

سند شماره ی ۲۱

اجازه‌ی اجتهاد و روایت سید ابوالقاسم خویی به سید علی حسینی سیستانی
 وی در این مکتوب، پس از مجتهد شناختن مخاطب خود، روایت کتاب‌های اربعه‌ی شیعی
 (الکافی، من لا یحضره الفقیه، الاستبصار و تهذیب الأحکام) و نیز «جوامع اخیره» (بحار
 الأنوار، الوافی، وسائل و مستدرک الوسائل) را برای او مجاز دانسته است. یادشدن کتاب
 مستدرک الوسائل در میان «جوامع اخیره» گویای جایگاه مهم این کتاب نزد آن فقیه اصولی و
 مرجع تقلید سرشناس است.^۱

۱. پیشین، ص ۷۶۷.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه واشرف ربه محمد وجميع آل البيت الطاهرين
والسلام على علمائهم اجمعين وبعد فقد استجاز في العالم الفاضل الكامل عايد العلماء النظام ملاذ الانا
حجة الاسلام السيد محمد باقر الحجة الخاوري دامت ايامه فاجزته ان يروي عني جميع ما صحت لي
روايته بطرق التتبع اليه من العقيدة ومعادن العلم والحكمة صلوات الله عليهم ومن جملة
تلك الطرق ما ادوى بواسطه الملامتين العظيمة ابي الله السيد حسن الصدر والسيد
عبد الحسين شرف الدين قدس سرهما عن العلامة الخريزاني المجلسين الحاج الميرزا حسين
قدس سرهم وقد ذكر اساتيدك في خامسة كتابه القيم مستدرک الوسائل ثم اني اجزته
في ان يتصدى لأمور الحبسية بانواعها واصنافها كل ما يتين لديه حاصلة الحكمة والموافقة
وان يقبض الحقوق والوجوب ويعرف كلا منهما فيما يناسبه حسب ما اقتضته في الترتيب
وان يأخذ منهم الامام عليه الصلوة والسلام ويعرف منه ما هو جوب وان زاد على ذلك
فلان يوصل ثلثه الى الميرزا حسب المقررات الفقهية ويراجعني في الباقي واصبر بالخذ
بما فيه الحائطة للدين وان لا يخاف في الله لومة لائم وان راقب مرضاة بقية الله في الارضين
المهدى لمنظر صلوات الله عليه ويستمد من غايانه المقدسة وانجز ان يذكرني في خلواته
بصالح دعواته سبحانه ونعالى اجمع تحيى والسلام عليه وعلى آله الطيبين الطاهرين



سند شماره ۲۲

اجازه‌ی روایتی سید محمد هادی میلانی به سید محمد باقر حجت طباطبائی

وی در این اجازه، مشایخ روایتی خود را به واسطه‌ی دوتن از عالمان دینی برجسته‌ی پیش از خود به «علامه‌ی نحریر، ثالث المجلسین، حاج میرزا حسین نوری، - قدس سره -» رسانده و سلسله‌ی او را مطابق آنچه در «خاتمه‌ی کتاب قیم مستدرک الوسائل» نوشته شده، گفته است.^۱ وی در دو اجازه‌ی دیگرش نیز آن کتاب را با این ویژگی («وصف به «قیم»») ستوده است.^۲

۱. سید محمد علی حسینی میلانی، مرجع آگاه، ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. برای مشاهده‌ی تصویر آن دو اجازه، نک.: غلامرضا جلالی و همکاران، مشاهیر مدفون در حرم

رضوی، ج ۵، صص ۳۵۹ و ۳۶۲.



سند شماری ۲۳

صفحه‌ی نخست کتاب نجم ثاقب در احوال امام غایب

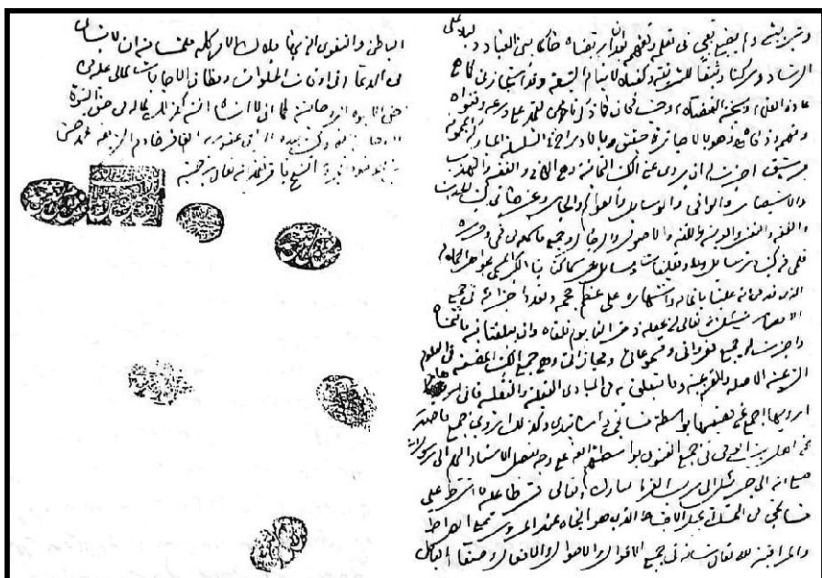
(کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، ش ۹۳۶۱)

ویژگی این نسخه آن است که تقریظ میرزا محمدحسن شیرازی را در گوشه‌ی بالای سمت چپش داراست: «بسم الله الرحمن الرحيم. بحمد الله و هديه و حسن توفيقه و برکات امام العصر، ولی الله و حجتہ فی أرضه و بلاده و خليفته علی خلقه و عبادہ ... کتابی است در نهایت مناسبت و متانت و جامعیت و حسن ترتیب و جوده‌ی تهذیب که در نظر ندارم در این باب به این خوبی نوشته شده باشد و در دفع شبهه و تصحیح عقیده بر متدین مراجعتش لازم است تا - إن شاء الله تعالی - از لمعان انوار هدايتش به سر منزل ايقان و ايمان و محل امن و امان برسد. إن شاء الله تعالی، خداوند اقدس - عز اسمه - هر که در این خیر بزرگ دخلی داشته، از انصار آن جناب - علیه السلام - مقرر فرماید. حرره الأحمق، محمدحسن الحسینی.»

بسم الله الرحمن الرحيم الزود العطر الحان المنان ذيل العود
والعود سر العاني الزود من الارض خلق الله الانسان والوحش واصل من
لدها اما فينوع عن البرج من الاني والاني المظهر وقادر على الجاهل
لو كان الانسان وحده وحده من الاني وخلق الله الارض وفضل من
منها ما لا يحصى والصلوات على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم
والذي في منزله من نافع فيسألوا في هذا وفي غيره من بلاد وخلقنا فان
بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين والصلوات على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم
والزود العطر الحان المنان ذيل العود سر العاني الزود من الارض خلق الله الانسان والوحش واصل من
لدها اما فينوع عن البرج من الاني والاني المظهر وقادر على الجاهل
لو كان الانسان وحده وحده من الاني وخلق الله الارض وفضل من
منها ما لا يحصى والصلوات على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم
والذي في منزله من نافع فيسألوا في هذا وفي غيره من بلاد وخلقنا فان
بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين والصلوات على سيدنا محمد وآله وصحبه وسلم

سند شماره‌ی ۲۴

به ملا محمد جعفر نراقی (تصویر شماره‌ی ۱۱۵) در فقه احکام مذهب تشیع^۱



سند شماره‌ی ۲۵

دو صفحه‌ی پایانی اجازهی علمی شیخ محمدحسن صاحب جواهر

به ملا محمدجعفر نراقی (تصویر شماره‌ی ۱۱۵) در فقه احکام مذهب تشیع^۱



سند شماره ۶۵

صفحه نخست نامه آقا جمال الدین بروجردی برای دعوت شیخ هادی نجم آبادی به آیین بهائی

کاتب: محمدعلی مصاحبی (عبرت نائینی)

(کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۴۶۲۵، ص ۱۶۲)

نسخه خطی کتاب تحریر/العقلاء که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود، در محدوده آگاهی این پژوهش، تنها نسخه‌ای است که متن نامه آقا جمال الدین بروجردی برای دعوت شیخ هادی نجم آبادی به آیین بهائی را به دست داده و از این جهت اهمیت تاریخی بالایی دارد. در تمام نسخه‌های خطی در دسترس کتاب تحریر/العقلاء و نیز نسخه‌های چاپی اش دو رساله از شیخ هادی نجم آبادی - که در پاسخ به این نامه است - آورده شده که در نگاه این پژوهش ادبیاتی بایی داشته و اعتقاد او به باب و صبح از را گویاست.

سند شماره‌ی ۲۶

سند شماره‌ی ۶۵ در صفحه‌ی ۹۰۶ از جلد دوم کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران که با تحریف‌های عامدانه‌ی مصطفی حسینی طباطبایی (تصویر شماره‌ی ۱۲۱) همراه شد تا ضمن استهزاء نگارنده‌ی آن کتاب در «بی چارگی و کم سوادی» و ناتوانی از خواندن آن، دو رساله‌ی شیخ هادی نجم آبادی در رد بهائیان ردیه‌های او بر بایان و انموده شده و شاهده‌ی بر ایمان اسلامی او باشند.



سند شماره ی ۲۷

صفحه ی عنوان جلد پنجم دائرة المعارف

نوشته ی بطرس بستانی

بمكة سنة ١٠٩١ هجرية ونسبته الى قرية الباب المار ذكرها .
وله ديوان شعر نفيس طبع في بيروت سنة ١٨٧٢ . ومن

اشبه كل يوم لوعة وحين
ومن كل فج للفرار كمين
اكل طريق هكذا غر موعر
فلي طرق سكنت اليك نهون
نفضت عهد باللولى ونصرت
وعود وخابت يا بين ظنون
وأت لذات عهدي وأسفرت
نوى غربة ما تنقي وشطون
كان لم تدر تلك المناجاة بيننا
ولا مصرت ذلك التوالم بين

وفي طوبلة

بایة

Babisme

دين ظهر في بلاد العجم نحو سنة ١٨٦٢ بدهوة
رجل من اهل شيراز يعرف بالسيد علي محمد وكانت
تلميذاً لبعض تلامذة الشيخ احمد زين الدين الاحمائي
الذي مزج التصوف والفلسفة بالشريعة وجمع بين
اعتقادات الشيعة الامامية والاصول الفلسفية على طرز
جديد وقال ان المهدي الغائب المظفر ظهوره عند الشيعة
هو الآن من سكان عالم روحاني غير هذا العالم الجسماني
سماء مجالنا وجاريسا وان اجسام سكان ذلك العالم
الروحاني كاجسام الجف والملائكة المحيطة بالاجسام
المورقلياته وهي من اصطلاحات الكيمياء القديمة وقد فناه
على هذا الان تلامذته وقاموا في مقام التعليم على هذه
الطريقة وكان من امر السيد علي محمد المذكور بعد ان حج
الى مكة ان ادعى انه باب المهدي واقام على تقرير هذه الدعوى
مدة وليس ذلك الدين من عناصر اسلامية ونصرانية
وهودية ويونية ولقب نفسه باب الدين ثم ترك هذا اللقب
ولقب نفسه النقطه او خاني الحق مدعيًا انه ليس نبياً بسيطاً

بل هو مختص للاهله ومنع احد اتباعه لقب الباب وارسل
دعاة الى جهات مختلفة ثم بلاء على قول منبذاه الشيخ
احمد المذكور في امر المهدي ادعى ثابته انه المهدي بعينه
وان ذلك الجسم اللطيف الروحاني قد ظهر في هذا الجسم
الكثيف المادي ولما كانت الرجعة اى رجوع بعض الائمة
السابقين وتابعيهم من الاصول الثابتة في مذهب الامامية
والنسخ من اعتقادات طائفة الباطنية الذين تسلطوا في
بلاد العجم مدة طويلة كان له بقايا في النفوس فقام جماعة
من اتباع هذا الرجل اعني السيد علياً وادعى بعضهم انه
الحسن وبعضهم انه الحسين وبعضهم انه غيرهما من الائمة
وتابعيهم وابعد هذه الدعاوي عندهم رأي رأي راء هذا
الرجل نفسه وهو ان شخصية الشخص التي باعتبارها امتياز
عن غيره وبناى اسماً خاصاً يحسن او يحسن مثلاً انما
في صفاته واخلاقه التي يكون عليها فن وجدت فيه
صفات شخص واخلاقه واحواله على وجه تام فهو هو في
اي زمان كان . ولقب هذه الاعتقادات من مشرب الطائفة

الشيعة من البدعة وهم اتباع الشيخ احمد زين الدين
المذكور آنفاً لبي دعوة هذا الرجل كثير من اهالي بلاد
العجم المتخذهين بذلك المذهب الجديد . فلما رأى اقبال
الناس عليه واجابتهم دعوته ترفع في دعواه فقال انه هو
الذي وان الله قد انزل عليه كتاباً يسمى بالبيان وانه
المشار اليه بقوله تعالى خاتى الانسان عليه البيان . والانسان
هو محمد والبيان هو هذا الكتاب المنزل على السيد علي .
وكتابه هذا يجنبني على كثير من العربي المجمع وبعض
الفارسي الا ان العربي منه كان مفتوناً فلما سئل عن سبب
وقوع اللحن في هذا الكتاب المنزل مع ان اللحن نقص
اجاب بان الحروف والكلمات كانت قد عصت واقترفت
خطيئة في الزمن الاول فعوقبت على خطيئتها بان قيدت
بسلاسل الاعراب وحيث ان بعثنا جاءت رحمة للعالمين
فقد حصل العنود من جميع المذنبين والمخطئين حتى
الحروف والكلمات فاطلقت من قيدها تذهب الى حيث
شاءت من وجوه اللحن والغلط . وما يتسبب اليه انه كان

سريع القلم في الكتابة حتى كانت سرعة قلمه تحسب من تركها
 جملة معجزاته . وقد لُقب نفسه بالذكور وعزم المراد من
 الآية أنا نحن ثلثنا الذكر وأما له الحافظون . ومن الذي يخلقه بعد موته شاب ثم ان هذا الرجل كان قد اوما في بعض رسائله الى ان
 قوله فاسألوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون وامثال ذلك يصنع ازل فلما وقع تشديد الشاه عليهم وتعظيمه بالنيل في
 من الايات القرآنية واخذ يدعو الناس الى ديوه ولم يعدم جميع الاماكن هرب كثير منهم الى بغداد من بلاد الدولة
 من يجيب دعوة فتبعه جمع كثير من اهالي بلاد العجم العلية . ومن خرج منهم يحيى صنع ازل واخوه الاكبر المسمى
 واستغل امره وعلقت قلوب الناس دعوة واوقع تابعوه ببرزوا حسين علي الملقب بهاء . فاختفى صنع ازل عن اعين
 في قلوب الناس رعبا وخوفا اذ كانوا يفتنون على سرائر الناس بامراخي وادعي اخوه انه حاضر بين الناس الا
 الناس وخباياهم فمن كان يومن بطعن في معتقدهم لم يلبثوا انهم لا يرونه اذ ليست الابصار بقابله لان تناله . ولما وقع
 ان يقتلوه ونفاه منهم النعدي والفدر حتى كانوا يشككون الاتفاق بين الدولة العلية ودولة الشاه على اخراجهم من
 باشكال متعددة كالثلاثين ومحرم ليحكوا من التلك بين بغداد وقتلهم الدولة الى ادرنه نفس صنع ازل واسفر على
 ظنوا به او توهموا فيه انه يشير بسوء الى مذهبهم فسكروا الناس قائما بامر المخالفة داعيا الى دين استاذر السيد
 بذلك دماء كثيرة وكانوا يشبه الناس بالفداوية الذين اشهرهم على فحش اخوه واتكروا وادعي انه اذجال فوقع الشقاق
 امرهم على عهد الفاطميين (راجع اسماعيلية) ثم انهم لم يفتوا على بينهما واقتربا فتيبت فتنة انتدت يصنع ازل
 هذا الحد بل تجاوزوه الى ان اثاروا الفتنة على الحكومة واخرى بهاء والاولى تسي ازيله والاخرى بهائية والباية
 في ثلثة مواضع وبرزوا من الجسارة ما لم يسمع بمثله اسم لهاعلم . وبعدهم احسنت الدولة العلية منهم سوء
 حتى كان الرجل منهم يتزربازر ويأخذ سيفه ويهجم على المقاصد واجسنت منهم شرا فتنت صنع ازل الى جزيرة
 الالوف من العساكر عربا ليس علبوسى الازار وكانوا قبرس فمات فيها ونفت بهاء الى دكاء وهو الان فيها مع
 يعتقدون ان من يموت منهم في الحاربات يقوم بعداريعين جمع من اتباعه
 يوما فاشتند على الحكومة خطاهم وحاولت كبحهم ففأوموا واما ديانة الباب فنشبت مبدأ واحد اكسافر الاديان
 وثبتوا امامها الى ان قبض على هذا الرجل اعني السيد على ما يترامى من قول اتباعه وتحكم بصدق جميع المرسلين
 محمد علي وقتل بالرصاص على فتوى العلماء في تبريز السابقين وتقرب من قول الهناري مجلول اللاهوت في
 وذلك سنة ١٨٥٠ بعد ان بقي في السجن ١٨ شهرا الناسوت وتنبى عن ثواب وعقاب للارواح بعد مفارقة
 وقذف يمجنتو في خندقها وذلك في عهد الشاه الحالي الابدان لكن على وجه يشبه الخيال فتنبأ النفوس العلية
 في السنة الثانية من جلوسه على كرسي المملكة ويزعم اتباعه باخلاقتها ومعلوماتها وتنبأ لم النفوس الخبيثة بملكاتها الرديئة
 ان جنته قد صعدت الى السماء اما غير اتباعه من الاعجم وجهالها الى ان نزول هذه الملكات عنها فتعود الى عالم
 فيقولون ان جنته قد اكتمها الكلاب . وبعد مضي سنة من الاجسام مرة ثانية وهو ضرب من القول بالناسخ وتأمر
 قتلوا حول ثلثة من اتباعه قتل الشاه قرويه بالرصاص بالصلاة وجوبا وفي ركعتان فقط وقت الصباح . وقد اتخذ
 الا انه اخطأ فشتا عن ذلك اضطهاد شديد فقتل محمدا كبيرا في شيراز وجملة كعبة تولى الوجوه اليها في
 جواهر من اتباع الباب في طهران وعذبوا بعذابات تشعشع الصلاة وتفسد الصلاة بالاغراف عنها ثم انه جعل الشهر
 لها الابدان ومن جملتهم قرع العين الاتي ذكرها وكان ذلك تسعة عشر يوما لان هذا العدد عديم مقدس لان اصل
 باعنا على زيادة امتداد الباية في العجم والمهند وقسم من وحدة اللاهوت مؤلفة في زعيمهم من ١٩ اقنوتا ورثبهم

الباب فهو عديم اعظم من محمد كما ان محمدًا اعظم من عيسى وفرض الصوم شهرًا من اخر المحرم بحيث يوافق عيد فطرهم يوم التبروز وهو اول الحمل . ومن احكامه انه يجب تحريم جميع القناع المقدسة كحكة وبيت المقدس وقبور الانبياء والاولياء عند حصول اول سلطة لاحد ممن تبع دينه ويحرم شرب الخمر وكذا الدخان على عهد وحلته اتباعه من بعده ويندب شرب الشاي ندياً مؤكداً حتى ان من شر به نبال جزيل الثواب ومنها انه يجوز العقد على اثنين فقط والشراء والبيعة بغير حصر وعلى ما يقال انه يجوز تكايج الاخت . ومنها ان من كذب في قول او نادى شخصاً من خلقه فقد اساء وكفارته اعطاه ثلثة مناقيل من الباوت فان لم يجد فصيام يومين . ومنها ان شهداء الذين قتلوا في طهران وغيرها يجب ان يبنى لهم مشاهد مكللة بانواع الجواهر وانه يجب على اى سلطان يكون منهم ان يضع سيفه في العالم فاما الدين او الموت ولا يجوز اخذ الجزية . وانه يجب على كل واحد منهم ان يكون عنده كاس من النفضة وثوب نظيف نقي اما الكاس فيتناول بها الماء الفراح الصافي واما الثوب فيجعل بوعيد الفراغ وانه يجوز ان يظهر بعه كامل اخر لكن بعد ان يمضي من السنين عدد حروف المستغاث يعني التي سنة وكسوراً . ويحظر في مذهبهم اتخاذ السراي والطلاق واستعمال النساء للقباب ويصح ان يقال ان دينهم الى الان لم يتر على نظام واحد بل هو كالرمال السائلة تحدث بديرها تلاً في محل ثم تنتقل تلاً اخر بشكل اخر في محل اخر

وقال من جملة دعائه امرأة فنية بارعة المجال متوقفة الجبان فاضلة عالمة تسمى باسم سلعة من بنات احد المجاهدين في العجم وكانت متزوجة بجمهد اخر طلقت نفسها من زوجها على خلاف حكم شريعة الاسلام وامننت بذلك الرجل عن غيب وكانت تكتابه وتكاتبها فكان يناظرها في مكانها بقرّة العين فلقبت بذلك وكانت تناظر العلماء والفضلاء مكشوفة الوجه بدون حجاب ثم لم

وقعت الحاربة بين البابين وعساكر الدولة في مازندران جيشت جيشاً وقادته مكشوفة الوجه وسارت امامه طالبة اعانتهم وفي اثناء الطريق قامت في الناس خطيبة وقالت ايها الناس ان احكام الشريعة الاولى اعني الحمدية قد نسخت وان احكام الشريعة الثانية لم تصل اليها فغن الان في زمن لا تكليف فيه بشيء فوقع المهرج والمرج وفعل كل من الناس ما كان يشتهي من القباح ثم قبض عليها واليسست البرقع جبراً وحكم عليها بان تحرق حية ولكن الجملاد خنقها قبل ان لعب النار بالمحطب الذي اعد لاحراقها ومن احكام هذا الدين انه لا يجوز ان يضرب المعلم تلميذ اصلاً وان الزكوات والصدقات لا يجوز اعطاؤها لغير البابين فان فقد فقير في البابين فصرف على من يفي على مذهب الشيخ احمد زين الدين الاحائي ولما نسبهم الى الاباحية (الكومن) فهذا من لوازم مذهبهم حيث ان كل من خالفهم في معتقدهم فدمه وماله هدر . ولما تشاركهم في الاموال فهو من منفقيات كل دين او مذهب جديد اذ يتعاون اهله ببذل جميع ما ياديهم ويرتفع الخمر والخمر من بينهم . فهذا ما رواه عنهم السيد جمال الدين الافغاني المشهور وغيره

باتاغونيا

Patagonia

او باتاغونيا . بلاد في امركا الجنوبية ممتدة من ٤٣° الى ٥٢° من العرض الجنوبي ومن ٦٥° الى ٧٥° من الطول الغربي يحدها شمالاً جمهورية ارجنتين وشرقاً الاقويانوس الاثنتيني وجنوباً بوغاز ماجلان وغرباً الاقويانوس الباسيفيكي وجمهورية شيلي ومنتهى طولها من الشمال الى الجنوب ١٠٠٠ ميلاً ومنتهى عرضها من الشرق الى الغرب قرب الطرف الشمالي ٤٧٠ ميلاً وقرب الطرف الجنوبي ١٧٥ ميلاً ومساحتها نحو ٢٥٠ الف ميل مربع . وبغالب ساحلها عتق اجوان ولاسيما في الجنوب والغرب . والجزر قليلة جداً في الساحل الشرقي غير ان في ساحل الباسيفيكي سلسلة جزائر اكبرها

نوگری و شاگردی سپدن نیست واضح است حاجی شیخ
 هادی هم شعور دارد مثل بعضی از آخوند های پشعور
 نیست)
 (هر کسی که باین آثار و علامات پیدا
 شد) خودش است . دولت ایران قدر سپد

سند شماره ۵۱

قسمتی از بخش مربوط به شیخ هادی نجم آبادی از بازجویی میرزا رضا کرمانی در
 روزنامه صور اسرافیل

و بهر کس نزد نرنگان رود که در نزد کس سید نیست و اندک
 تا شمع با دیم نور دارد در منور بعضی از آخوندها که به سورت که بسیار
 و علامت جید و متمتع القبول که باین صفت از آن است که این سید است
 ظهور عینه هر کس که باین آیه علامت پیدا شد صحت آن خود شریعت

سند شماره ۵۲

نسخه خطی بازجویی میرزا رضا کرمانی که جمله های محذوف نسخه روزنامه
 صور اسرافیل را داراست.

(کتابخانه ملی ایران، ش ۱۰۲۸/۲، ص ۲۱)

این نسخه گویای درستی روایت های حاکی از اعتقاد ازلی میرزا رضا کرمانی است چرا که
 او در این گفتار از «جعلی و ممتنع القبول» بودن علامت های ظهور «صاحب الزمان» سخن
 گفته و انتظار او را «بی جهت» دانسته است. روشن است بی جهت بودن انتظار ظهور امام
 دوازدهم گویای آن است که یا از اساس ظهوری رخ نخواهد داد یا آن که ظهور انجام شده
 است. با قرار دادن گمان دوم- که همان باور بابیان و بهائیان بود- کنار روایت های اعتقاد
 ازلی میرزا رضا کرمانی، درستی آن روایت ها به دست می آید و چنان می نماید که در نگاه
 آن فعال بابی، شیخ هادی نجم آبادی نیز آن گونه می اندیشید. نوع نگاه او به «جعلی و
 ممتنع القبول» بودن علامت های ظهور امام دوازدهم نیز با آنچه درباره نگاه ازلیان به آنها
 دانسته شد همسان است چرا که ایشان نیز با همین نگاه درباره آن علامت ها سخن
 می گفتند و تفسیرهایی بابی و در نگاه شیعیان خود ساخته و بدون مبنا از آنها به دست
 می دادند.

سند شماره ۳۱

نسخه خطی بازجویی میرزا رضا کرمانی در کتاب اندیشه های اصلاح دین در ایران که با
 تحریف های عامدانه و گوناگون مصطفی حسینی طباطبایی بر نشان دادن ایمان اسلامی او همراه
 شده است.

سند شماره ۹۲

برقعی در این وصیت‌نامه - که آن را در فروردین ۱۳۷۰ ش. (شش‌ماه پیش از وفات) نگاشت - علی بن ابی طالب را «وصی» پیامبر اسلام گفته و فرزندانش را «اولیاء» خود خوانده و «ولاء اهل عباء» [اشاره به حدیث کساء] را سبب‌ساز سلامت و نجات در آخرت دانسته است. با این حال، از فرزندانش خواسته تا آثارش را که برای «خدمت به خلق و بیداری ملت» نوشته به چاپ رسانند. همچنین، مصطفی حسینی طباطبایی را ناظر بر کارهای دفن خود خوانده و از «دوستان موحدین» خواسته تا فراموشش نکنند. به روایت شاهی آگاه، سید محمدتقی حسینی ورجانی (تصویر شماره ۱۱۳)، برقعی - که به تجدید نظر در باورهای برون شیعی خود رسیده بود - با مشاهده خشم مصطفی حسینی طباطبایی از آن عبارت‌ها گفت آنها را از ترس مردم قریه کن نوشته است.

وصیت‌نامه‌ی سید ابوالفضل بر قعی در کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران

[illegible]

سند شماره ی ۲۵

تصویر وصیت نامہ ی سید ابو الفضل برقی

برقعی در این وصیت‌نامه - که آن را در فروردین ۱۳۷۰ ش. (شش‌ماه پیش از وفات) نگاشت - امام علی بن ابی طالب را «وصی» پیامبر اسلام گفته و فرزندانش را «اولیاء» خود خوانده و «ولاء اهل عباء» [(اشاره به حدیث کساء)] را سبب‌ساز سلامت و نجات در آخرت دانسته است؛ با این حال، از فرزندانش خواسته تا آثارش را که برای «خدمت به خلق و بیداری ملت» نوشته، به چاپ رسانند. همچنین، مصطفی حسینی طباطبایی را ناظر بر کارهای دفن خود گفته و از «دوستان موحدین» خواسته تا فراموشش نکنند. به روایت شاهدهی آگاه، سید محمدتقی حسینی ورجانی (تصویر شماره ۴۲)، برقعی که به تجدیدنظر در باورهای برون‌شيعی خود رسیده بود، با مشاهدهی خشم طباطبایی از آن عبارتها، گفت آنها را از ترس مردم قریه‌ی کن نوشته است. تحلیل محتوایی این وصیت‌نامه در آینده انجام خواهد شد.

سند شماره‌ی ۳۳

وصیت‌نامه‌ی سید ابوالفضل بر قعی در کتاب مهدویت در اندیشه‌ی اصلاح دین

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم یا فاطر السموات والأرض أنت ولی فی الدنیا والآخرة توفی مسلماً والحقنی بالصالحین
و بعد فانی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمد عبده ورسوله أرسله بالحق و
دین الحق و اشهد ان القرآن حق والجنة والنار حق وان علیاً وابناء الطاهرين اولیائی ومن اعلمهم
ابترئ اهل البیت محمد ووصیه وابنه وابنه البیت الطاهره اهل العباد فانی بواللهم
ارجو السلامة والنجا فی الآخرة واری محبة من یقول یفضلهم سبباً یجیرهم من السبیل الجائر
ارجو بذل رضی المهمین وحدث یوم الوقوف علی ظهور الساهرة وصیم بغیر ذن ابین سکه هوار
باهم و غیره بیکر گشند و پدر دعا که خود را فراموش نماند و اگر فرصتی بدست آید دند که باها را بفیضه بر بطبع
نمایم آن که باها را بر سر خدمت بخوابد و پدری طلب نماند ام و اگر داعی حق را بیک گفتیم مراد سلطان است بجا و دعا و
نگند و گاه بخواند قرآن و دعای و ثواب آنها را بر سر بیعت و بیعت بر سر امانت و دعا و
مغفرت الله کرده ام و هر کجا آسان تر شه مرا غفر کن نعمه و دفن نماند هر کجا که نزدیک تر شه از قبر کن و یا چاک
بمغفرت آقرب شه و لو کان فی مسکنی و انظار من سکه بجناب قبر مصطفی طاب ثلث دامت بکاته
در امور کن و غیره و دفن نظارت نماید و فرزندم شه حسین صدراعظم و تانم سرد و از دست این مصطفی
دارم مرا فراموش نماند و شریک کن و ثواب البیت مقدور اقبال با پدر بغیر ذنم شه حسین هب کرده ام و باقی
ما ترک را کافض الله تعالی نماند اللهم اجعل عاقبة امرنا خیرا و اغثنا فی الدنیا و الآخرة حق الامت
الحسنی صفاتک العلیا و حق اولیائک المقربین صلواتک علیهم و کان ذلك فی عاشوراء من ۱۳۷۰ هجری شمسی
المستقر فی العشر الاخری من شهر محرم
ابن امیرضا

سند شماره ی ۳۴

وصیت نامه ی سید ابوالفضل بر قعی

مصطفی حسینی طباطبایی در گزارش از مواد این وصیت نامه به تحریف های عامدانه و گوناگون دست زده تا گرایش های جدی شیعی در آن را پنهان نگاه دارد.

اما بهائیت - بهائیت سرسبز است بهار اسم! در کتاب - برین هم گوید: (قل لا یسر فی هکلیاته
 هکلیه) گوید هکلیه فی جیهل فادیه نمی شود! در همان کتاب گوید (لا اله الا انما المؤمن الویه
 یعنی جز من که در نزد من و تنها هست خدا نیست! بهائیت - که بهائیه امام زمان موعود می - است اما نه
 این است و هزار سال است که چاه سامرا برین نمی آید که ساخته شده و سر کار موعود و مکر
 و اخیان است از کسی جز قرآن را هر ندارد و نام را هر را بر غیر خدا عز و جل نه است اینجمله
 آیه را بخوانید که بهائیت هم که سران دروغ و تناقض است علی حده است که قبل از بهائیه و
 او به و بیایید که از بهائیت است در کتاب - احسن القصص گوید فی باب ذابیه علی امام زمان
 صمیم هست (در کتاب - در کتاب - اطلاع خود می گوید فی عزم امام زمان هست (انشاء الله تعالی)
 کل یطرون یوم) در کتاب - بیان گوید من به غیرم! و ادین کی که من سمیه کرده ختم برده و پس علی
 (اول فی سمیه ختم علی) اینها را کفر است ادیان را که و با بیکر حار و آن در آن
 جهان (از آن که علی غری شکست خورده و مقتضی شده که عاقبت حیرت مند من آن

سند شماره ی ۳۵

بخش پایانی صفحه ی چهارم نامه ی شماره ی ۵

از مکتوبات مصطفی حسینی طباطبایی در انکار باورداشت مهدویت شیعی

(نقد شده در فصل دوم کتاب مهدویت در اندیشه ی اصلاح دین)

طباطبایی در گفت و گو با سید محمد حسینی قزوینی (تصویر شماره ی ۳۶) مدعی شد که در
 نامه هایش، به ویژه نگاهش به چاه سامراء، دست برده شده است. این مکتوب گویای نادرستی
 ادعای او و تحریف عامدانه اش است.

برادر بزرگوار من این کتاب بر منی انداخته اند و با باری عرض از حضرت وایت
 قرآن نوشتم و تمیز کردن از آن منی ندارد و تو را بماند تا منی سرگشته
 نماید و گویا زنده ام، مردم هر چه بگویند و ثابت را بماند گویند و برادر هر کردن گویند
 مردم هر چه بگویند و ثابت را بماند گویند و برادر هر کردن گویند
 و خیرش فرزند زاده، مردم را بخوار منافی دره از جگر با خوار بودند که گویند
 تا از خیر حسن است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 در این خط و کان خود در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 چگونه گویا از این خیرند اگر در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 خیرش کند تا بزرگوار، باید گفت ای بزرگوار آن خیرش کند تا بزرگوار
 مردم در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 مرغ صفت الفتن و خیر علی احمد بزرگوار
 این کتاب بر منی انداخته اند و با باری عرض از حضرت وایت
 قرآن نوشتم و تمیز کردن از آن منی ندارد و تو را بماند تا منی سرگشته
 نماید و گویا زنده ام، مردم هر چه بگویند و ثابت را بماند گویند و برادر هر کردن گویند
 مردم هر چه بگویند و ثابت را بماند گویند و برادر هر کردن گویند
 و خیرش فرزند زاده، مردم را بخوار منافی دره از جگر با خوار بودند که گویند
 تا از خیر حسن است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 در این خط و کان خود در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 چگونه گویا از این خیرند اگر در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 خیرش کند تا بزرگوار، باید گفت ای بزرگوار آن خیرش کند تا بزرگوار
 مردم در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 مرغ صفت الفتن و خیر علی احمد بزرگوار

برادر بزرگوار من این کتاب بر منی انداخته اند و با باری عرض از حضرت وایت
 قرآن نوشتم و تمیز کردن از آن منی ندارد و تو را بماند تا منی سرگشته
 نماید و گویا زنده ام، مردم هر چه بگویند و ثابت را بماند گویند و برادر هر کردن گویند
 مردم هر چه بگویند و ثابت را بماند گویند و برادر هر کردن گویند
 و خیرش فرزند زاده، مردم را بخوار منافی دره از جگر با خوار بودند که گویند
 تا از خیر حسن است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 در این خط و کان خود در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 چگونه گویا از این خیرند اگر در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 خیرش کند تا بزرگوار، باید گفت ای بزرگوار آن خیرش کند تا بزرگوار
 مردم در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 مرغ صفت الفتن و خیر علی احمد بزرگوار
 این کتاب بر منی انداخته اند و با باری عرض از حضرت وایت
 قرآن نوشتم و تمیز کردن از آن منی ندارد و تو را بماند تا منی سرگشته
 نماید و گویا زنده ام، مردم هر چه بگویند و ثابت را بماند گویند و برادر هر کردن گویند
 مردم هر چه بگویند و ثابت را بماند گویند و برادر هر کردن گویند
 و خیرش فرزند زاده، مردم را بخوار منافی دره از جگر با خوار بودند که گویند
 تا از خیر حسن است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 در این خط و کان خود در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 چگونه گویا از این خیرند اگر در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 خیرش کند تا بزرگوار، باید گفت ای بزرگوار آن خیرش کند تا بزرگوار
 مردم در جگر است و بزرگوار و خیر کسان اگر با مردم انداد و بزرگوار
 مرغ صفت الفتن و خیر علی احمد بزرگوار

سندهای شماره‌ی ۳۷ و ۳۸

سندهای گویای جعل خط و امضای سید علی احمد موسوی واعظ

از سوی سید ابوالفضل برقعی

داستان این سندسازی در صفحه‌های ۶۵۶ و ۶۵۷ از جلد دوم کتاب اندیشه‌ی اصلاح دین در ایران و سندهای شماره‌ی ۸۷ تا ۹۰ آن کتاب آمده است.

Exiled Memories

STORIES OF IRANIAN DIASPORA

خوشت غفلت کریا ریارس باشد
 من آن کفین سلیمان بی هیچ نشانی
 ز من بسوزم و او شمع منم باشد
 که کا و کا و براد دست ابر من باشد
 رها دار حشدا که در جرم فصل
 بهای کو مطلق سایه شرف هرگز
 بیان شوق چه حاجت که نو آژنل
 بهای کوی تو از سر منی و آری
 تو آن شناخت نسوزی که در من باشد
 تو آن دیا که طوطی کم از عشق باشد
 تو آن غریب ادل سرشته با وطن باشد
 بسان سوسن اگر دانه شود فضا
 چون خنجر پیش تو آتش مهر بر دهن باشد



Zohreh T. Sullivan

سند شماره‌ی ۳۹

کتاب *Exiled Memories: Stories of Iranian Diaspora*

نوشته‌ی Zohreh T. Sullivan

بخشی از این کتاب، زندگی‌نامه‌ی خودنوشت افسانه نجم‌آبادی (استاد صاحب‌کرسی تاریخ در دانشگاه هاروارد: تصویر شماره‌ی ۱۳۴) است.

Afsaneh Najmabadi

I talked to Afsaneh Najmabadi over a period of a few weeks in June, July, and August of 1991 and taped most of our conversation during three days in August when she stayed with me in Champaign. Born in Tehran in the late 1940s, educated in Iran, the United States, and England, one of the founders and editors of the leading Persian feminist journal Nimeye Digar (the Other Half), Najmabadi has authored several books and articles, most recently on the gendered history of Iranian modernity. Her narrative about growing up female shows the range of models of womanhood and possibilities available to girls from her particular class and background before the revolution. She returned to Iran in September 1978 to be part of the revolution and left in the summer of 1980. She currently teaches women's studies at Barnard College. Afsaneh starts by describing her neighborhood and family.

We lived in the Sheikh Hadi neighborhood near what used to be the Serah-i-Shah [Crossroads of Shahs] but now it's Serah-i-Inqelab [Crossroads of the Revolution]. I love that old neighborhood. Its main street (Sheikh Hadi) is named after Sheikh Hadi Najmabadi who is the grandfather of my grandmother. As with many old Tehran families, most of the neighborhood was populated by my large extended family. The neighborhood hospital was built on a trust left to Sheikh Hadi and his male descendants, and in addition to producing religious scholars, our family produced many male and female doctors and engineers.⁵

Many stories grew around Sheikh Hadi: one is that Reza Kermani who assassinated Nasirudin Shah was a disciple of his and actually went and asked Sheikh Hadi's permission to assassinate Nasirudin Shah. My grandmother's version is that Sheikh Hadi neither forbade nor encouraged him. Another part of family lore is that he was a hidden [secret] *Azali* or *Babi* [precursor to Bahaullah and the Baha'i movement]. Highly respected locally and nationally as a model of a liberal family patriarch, he was among the constitutionalist clergy to whom there are references in histories of the Constitutional Revolution.

سند شماره‌ی ۴۰

صفحه‌ی نخست زندگی‌نامه‌ی خودنوشت افسانه نجم‌آبادی

(استاد صاحب‌کرسی تاریخ در دانشگاه هاروارد: تصویر شماره‌ی ۱۳۴)

در کتاب *Exiled Memories* (سند شماره‌ی ۳۹)

وی در پاراگراف پایانی این صفحه، به روایت خانوادگی‌اش درباره‌ی ایمان بابی نهانی جدش، شیخ هادی نجم‌آبادی، پرداخته است.

HARVARD UNIVERSITY

Department of History
Robinson Hall
Cambridge, Massachusetts 02138

Afsaneh Najmabadi
The Francis Lee Higginson Professor of History
Professor of Studies of Women, Gender, and Sexuality

Tel: (617) 496-7460
Fax: (617) 496-9855
Email: najmabad@fas.harvard.edu

May 14, 2013

To Whom It May Concern:

I am writing this letter in strong support of Mr. Seyyed Meqdad Nabavi Razavi Rohani's application for doctoral studies at your university.

I have known Mr. Nabavi since September 2009, when he first contacted me about his research interest in a religious intellectual figure of late-nineteenth-century Iran, Shaykh Hadi Najmabadi (who happens to be my great grandfather). I responded with a few leads and suggestions and largely forgot about our exchange. I do receive a large number of research queries from students and scholars from Iran, most of which does not have any long-term interest for me. This was not the case, it turned out, with Mr. Nabavi. He pursued his queries and soon I received a draft of an article on an old dispute that no one had really addressed in a scholarly manner, much less come up with a persuasive presentation. There has been a largely unsubstantiated claim that Shaykh Hadi Najmabadi was a Babi (including some family lore to that effect), and a counter claim by Islamist writers that the claim was malicious and unfounded. For the first time, Mr. Nabavi provided a careful close reading of Shaykh Hadi Najmabadi's only known manuscript and through a textual comparison with major Babi/Azali writings persuasively argued that Shaykh Hadi Najmabadi was most likely an Azali. The work, even in its early draft form, was a truly impressive piece. I am glad it has been since published.

That was only the beginning of our long correspondence on religious intellectuals of late-nineteenth century and I have learnt and benefitted enormously from our exchanges. I have since read several other articles by Mr. Nabavi and always look forward to reading whatever he sends me. He is by far the most knowledgeable person in Iran as a scholar of Azali history, a much neglected part of nineteenth-century intellectual history of Iran.

From early on in our exchanges, I hoped that some day Mr. Nabavi would have a chance to pursue doctoral education in history. I very much wish I could bring him to Harvard. But for the moment, I agree with his choice of beginning his further graduate education in a UK university.

For the past five years I have led a digital archival project, Women's Worlds in Qajar Iran. On the basis of Mr. Nabavi's expertise I invited him to join our Advisory Board. His

سند شماره‌ی ۴۱

صفحه‌ی نخست از معرفی‌نامه‌ی افسانه نجم‌آبادی (تصویر شماره‌ی ۱۳۴) برای نگارنده

assistance has been invaluable in helping us identify and process several important family collections.

Mr. Nabavi, compared to the students trained in the UK, may have some gaps in theories of history and in research training, but given his dedicated enthusiasm, I have no doubt that he will be a stellar student who will make his intellectual mark on your doctoral program. I have no doubt that he will succeed in graduate studies. I highly recommend his admission to your university system.

Cordially,



Afsaneh Najmabadi
The Francis Lee Higginson Professor of History
Professor of Studies of Women, Gender, and Sexuality



پژوهشگر سرپرست

افسانه نجم آبادی، دانشگاه هاروارد

مدیر اجرایی، ایران

فرشیده میرمعدن آبادی

کارگروه ایران

حمید اسکندری، آزاده حسینی، گلاره مظفری

کارگروه کمبریج

آزاده تاج پور، نازیلا حافظی، رؤیا اسمعیل، بل شیوز

هیأت مشاوران

سند شماره ۴۳

بخش «همکاران» از وبگاه «دنیای زنان در عصر قاجار»

نام نگارنده در بخش «هیئت مشاوران» - که پایین این سند جای گرفته - در سند بعدی آمده است.

سید مقدار نبوی رضوی، پژوهشگر تاریخ، تهران

فرزین وجدانی، تاریخ، دانشگاه رابرسن

هایدی وشر، تاریخ، دانشگاه مونیخ

مارگرت هیل، کتابدار مجموعه های دیجیتال، کتابخانه وایدنر، دانشگاه هاروارد

دالیا یاشارپور، پژوهشگر ادبیات، لوس آنجلس

مسؤول امور مالی

غری پالسن

تعییه وبسایت

ورمانستر

طراحی وبسایت

پندار یوسفی، ماهیموتو

با سیاسی بسیار از:

تارا مرفی، پیش کنز، سعید بهروزی، نسرين ملكی، سهراب مهدوی، شیرین جعفری، شیرین مظفری، سوزنا پرهام، زاله جلیلی، مریم مؤمنی، پریسا غنایی مقدم، مریم قرزانه، مریم صالحی، آسیه آل احمد، محبوبه مقدم، فاطمه معزی، رابرت ایمز



HARVARD UNIVERSITY

Copyright © 2012-14 President and Fellows of Harvard College.
All rights reserved.

درباره ما همکاران مجوزات حقوقی حامیان یاری شما تماس با ما

سوالات متداول

سند شماره‌ی ۴۴

بخش انتهایی فهرست «هیئت مشاوران» پروژه‌ی «دنیای زنان در عصر قاجار»

همراه با نام نگارنده